www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

۱۰۲/۶/۱

پول اعتباری و طرح جایگزین

محور های جلسه:

۱. مفهوم «سودار نباطی» در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟

۲. تعریف پول در تامین «سودار نباطی» چه نقشی دارد؟

۳. تاثیر سایر بخش های اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟

۴. چالش های اجرای پول غیر اعتباری چیست؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
۲۵ فروردین ۱۴۰۰
شهید مبارک قم
غیر گزاری رسا

بسم الله الرحمن الرحیم

پول اعتباری و طرح جایگزین

نویسنده:

خبرگزاری رسا

ناشر چاپي:

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقيقات رايانه‌اي قائميه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
پول اعتباری و طرح جایگزین ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
اشاره ----- ۸
فهرست مطالب: ----- ۱۱
۱. مقدمه: ----- ۱۷
۱/۱. تحلیل ناقص از پول و بی توجهی به تاثیر آن بر روابط انسانی؛ زمینه ایجاد چالش و هزینه در حوزه های مختلف زندگی ----- ۱۸
۲/۱. وجود پیچیدگی های فراوان در مساله پول؛ علتی بر ضرورت پناه بردن به تحلیل فقهی از پول ----- ۱۹
۳/۱. توجه به سرفصل های چهارگانه مطرح در جلسه؛ عاملی برای فهم جایگاه پول در اسلام و تاثیر آن بر تنظیم روابط انسانی ----- ۲۰
۲. سرفصل اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟ ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱/۲. سود اقتصادی (ارزش افزوده)، سود صنعتی (بهره وری) و سود اجتماعی؛ تعاریف اصلی از مفهوم "سود" در اقتصاد موجود ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱/۱/۲. هزینه کردن برای جلوگیری از شورش اجتماعی و حفظ نظم موجود؛ تعریف سود اجتماعی در اقتصاد موجود ----- ۲۵
۲/۱/۲. محوریت رذائل اخلاقی خصوصا وصف "حرص" ؛ یکی از مبانی تولید ثروت و ایجاد سود در اقتصاد موجود ----- ۲۶
۲/۲. سود حاصل از تنظیم بهینه روابط انسانی؛ تعریف مفهوم "سود ارتباطی" ----- ۲۶
۱/۲/۲. رسیدن به سودی اعم از سود اقتصادی، سود صنعتی و سود اجتماعی؛ فائده سود ارتباطی ----- ۲۶
اشاره ----- ۲۶
۱/۱/۲/۲. "قرض الحسنه" ؛ یکی از ثمرات سود ارتباطی ----- ۲۶
۱/۱/۱/۲/۲. حل مشکلات اقتصادی و فقر؛ سود قرض الحسنه برای قرض گیرنده ----- ۲۶
۲/۱/۱/۲/۲. عدم پرداخت هزینه های اقتصادی برای ایجاد امنیت و شورش اجتماعی فقراء؛ سود قرض الحسنه برای قرض دهنده ----- ۲۸
۳/۱/۱/۲/۲. ایجاد سود اقتصادی مبتنی بر مناسک رزق؛ سود دیگر قرض الحسنه برای قرض دهنده ----- ۲۸
۲/۱/۲/۲. "زکات" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی ----- ۲۹
۳/۱/۲/۲. "قراردادن مال را در اختیار" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی ----- ۲۹
۱/۳/۱/۲/۲.به کاربردن مال در تنظیم حوزه های روابط انسانی (مثل نشر علم و رسیدگی به فقراء) توسط امام؛ ثمره قراردادن مال در اختیار امام ----- ۲۹
۲/۲/۲. حوزه های سیزده گانه روابط انسانی؛ محل هزینه کرد پول و مال در اسلام ----- ۳۱
۳/۲/۲. تنظیم روابط انسانی؛ غرض از تولید ثروت در اسلام ----- ۳۳
۱/۳/۲/۲. لزوم توجه به عدم اختلال در روابط انسانی در راستای تولید ثروت؛ لازمه تنظیم روابط انسانی ----- ۳۳
۴/۲/۲. رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی، رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با ابن سبیل و رابطه انسان با مهمان؛ حوزه های سیزده
اشاره ----- ۳۳
۱/۴/۲/۲. ساختار مالی حمایت از امام؛ یکی از مصادیق تنظیم رابطه انسان با امام ----- ۳۶
۱/۱/۴/۲/۲. انفال، خمس، خراج و طسوق؛ بخشی ازمصادیق ساختار مالی حمایت از امام ----- ۳۶
۵/۲/۲. لزوم ارتقاء مفهوم سود در اذهان نخبگان از سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ لازمه ایجاد تحول و جهش در آینده اقتصادی کشور ----- ۳۸
۳. سرفصل دوم: تعریف پول در تامین "سود ارتباطی" چه نقشی دارد؟ ----- ۳۸
اشاره ----- ۳۸
۱/۳. بررسی تعریف "پول" در اسلام: ----- ۳۹
۱/۱/۳. بررسی موضو ع شناسانه تعریف پول در اسلام: ----- ۳۹
۱/۱/۱/۳. نقض "تسلط" مردم بر اموال خود؛ لازمه پذیرش تعریف پول اعتباری ----- ۳۹
اشاره ----- ۳۹

۱/۱/۱/۱/۳. احتمال ایجاد خطای در محاسبه، خطای عمد و خطای در شناخت؛ نتیجه - ۴۰
۲/۱/۱/۱/۳. مخالفت با قاعده فقهی «الناس مسلّطون علی اموالهم»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود - ۴۰
۳/۱/۱/۱/۳. مخالفت با آیه «لَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود - ۴۰
۲/۱/۱/۳. حفظ "تسلط" مردم بر اموال خود و منتفی شدن خطای در محاسبه؛ لازمه پذیرش تعریف پول غیراعتباری - ۴۲
۲/۱/۳. بررسی استظهاری تعریف پول در اسلام: - ۴۲
۱/۲/۱/۳. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه - ۴۲
۲/۲/۱/۳. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد برخی از روایات - ۴۳
اشاره - ۴۳
۱/۲/۲/۱/۳.فتوادادن به تعیین پول براساس بناء عقلاء از طرفی، و وجوب زکات بر نقدین (نه بر اسکناس) از طرفی دیگر؛ تعارض و ناهماهنگی فتوای فقهاء در مورد مساله پول در اسلام - ۴۵
۳/۱/۳. وجود مصادیق مختلف از کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف دنیا؛ دلیلی بر وجود اشکالات ذاتی در پول اعتباری - ۴۶
۴. سرفصل سوم: تاثیر سایر بخش های اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟ - ۴۷
اشاره - ۴۷
۱/۴. بررسی تاثیر "طبقه بندی مشاغل" بر کارکرد پول؛ سطح اول از بحث - ۴۷
اشاره - ۴۷
۱/۱/۴. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل کلان؛ در صورت پذیرش مشاغل کلان و صنعتی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل - ۴۷
۲/۱/۴. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل خُرد؛ در صورت پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل - ۴۸
۳/۱/۴. پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل؛ پیش نیاز طراحی پول غیراعتباری (پول طلا) در ابزار مبادله - ۴۸
۴/۱/۴. بررسی تاثیر "الگوی تولید" بر کارکرد پول؛ سطح دوم از بحث - ۴۹
۴/۱/۲/۱. الگوی تولید متمرکز و صنعتی یا غیرمتمرکز و محلی؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری) - ۴۹
۴/۱/۳بررسی تاثیر "الگوی بازار و تجارت" بر کارکرد پول؛ سطح سوم از بحث - ۴۹
اشاره - ۴۹
۱/۳/۴. الگوی بازار متمرکز و یا غیرمتمرکز؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری) - ۴۹
۴/۱/۴. بررسی تاثیر "قواعد مبادله و عقود" بر کارکرد پول؛ سطح چهارم از بحث - ۵۱
۵/۴. بررسی تاثیر "تجارت بین الملل" بر کارکرد پول؛ سطح پنجم از بحث - ۵۱
اشاره - ۵۱
۱/۵/۴. عدم تقویت کفار؛ شرط اصلی در تجارت بین الملل - ۵۱
اشاره - ۵۱
۲/۵/۴. کنارگذاردن تولید صنعتی غذا بخاطر اشکالات شش گانه آن؛ راهکاری برای کاهش ۶۰درصدی تبادلات در تجارت بین الملل - ۵۱
۱/۲/۵/۴. تولید غذای ناسالم و تراریخته؛ اولین اشکال تولید صنعتی غذا - ۵۳
۲/۲/۵/۴. استفاده از موادنگهدارنده؛ دومین اشکال تولید صنعتی غذا - ۵۳
۳/۲/۵/۴. تولید زباله و انهدام محیط زیست؛ سومین اشکال تولید صنعتی غذا - ۵۳
۵/۲/۵/۴. حذف پزنده باکیفیت غذا در فرایند تولید؛ پنجمین اشکال تولید صنعتی غذا - ۵۴
۴/۲/۵/۴. بالارفتن مصرف انرژی؛ چهارمین اشکال تولید صنعتی غذا - ۵۴
۳/۵/۴. کاهش تدریجی ۶۰درصد از تبادلات مالی در صورت کنارگذاردن تولید صنعتی غذا؛ راهکاری برای کاهش تبادلات در تجارت بین الملل - ۵۴
۵. سرفصل چهارم: چالش های اجرای پول غیراعتباری چیست؟ - ۵۵
اشاره - ۵۵
۱/۵. تامین مالی پروژه ها؛ اولین چالش اجرایی پول غیراعتباری - ۵۵
اشاره - ۵۵
۱/۱/۵. تبدیل ۶۰ درصد از پروژه های کلان تولیدی به پروژه های خرد؛ راهکاری برای حل چالش تامین مالی پروژه ها - ۵۶
۲/۵. تبادلات بین المللی؛ دومین چالش اجرایی پول غیراعتباری - ۵۶
اشاره - ۵۶

۱/۲/۵. تولید خانگی و محلی غذا و ایجاد مشاغل خُرد؛ راهکاری برای حل چالش تبادلات بین المللی ۵۶
پیوست ها: ۵۸
پیوست شماره ۱: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور ۵۸
پیوست شماره ۲: توضیح بیشتر در مورد سود ارتباطی ۶۱
پیوست شماره ۳: جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود ۶۳
پیوست شماره ۴: توصیه فراوان آیات و روایات به "قرض الحسنه" ۶۳
پیوست شماره ۵: نهی فراوان آیات و روایات از "ربا" ۶۷
پیوست شماره ۶: آیات و روایات در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی ۷۰
پیوست شماره ۷: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات ۷۶
پیوست شماره ۸: آیات و روایات عدم جواز سلطه بر مال دیگران ۸۴
پیوست شماره ۹: روایات و فتوای فقهاء در مورد لزوم عدم تقویت کفر در تجارت بین الملل ۸۷
درباره مرکز ۹۴

پول اعتباری و طرح جایگزین

مشخصات کتاب

104/6/1

پول اعتباری و طرح جایگزین

محورهای جلسه

1. مفهوم «سود ارتباطی در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟

2. تعریف پول در تامین سود ارتباطی» چه نقشی دارد؟

3. تاثیر سائر بخشهای اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟

4. چالشهای اجرای پول غیر اعتباری چیست؟

شورای راهبردی

الگوی پیشرفت اسلامی

25 خرداد 1400

شهر مبارک قم

خبرگزاری رسا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

.Your browser does not support the audio tag

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِي قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه 146

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

ص: 2

شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول متن پیاده شده گفتگوی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با موضوع پول اعتباری و طرح جایگزین در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب، در تاریخ سه شنبه 25 خرداد 1400 خبرگزاری رسا شهر مبارک قم برگزار شده است. پیشنهاد میشود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

ص: 3

عکس

jpg.4-^

ص: 4

فهرست مطالب:

1. مقدمه: 1.

1/1. تحلیل ناقص از پول و بی توجهی به تاثیر آن بر روابط انسانی؛ زمینه ایجاد چالش و هزینه در حوزه های مختلف زندگی. 1

2/1. وجود پیچیدگی های فراوان در مساله پول؛ علتی بر ضرورت پناه بردن به تحلیل فقهی از پول. 2

3/1. توجه به سرفصل های چهارگانه مطرح در جلسه؛ عاملی برای فهم جایگاه پول در اسلام و تاثیر آن بر تنظیم روابط انسانی. 3

2. سرفصل اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟. 6

1/2. سود اقتصادی (ارزش افزوده)، سود صنعتی (بهره وری) و سود اجتماعی؛ تعاریف اصلی از مفهوم "سود" در اقتصاد موجود .6

1/1/2. هزینه کردن برای جلوگیری از شورش اجتماعی و حفظ نظم موجود؛ تعریف سود اجتماعی در اقتصاد موجود. 7

2/1/2. محوریت رذائل اخلاقی خصوصا وصف "حرص" ؛ یکی از مبانی تولید ثروت و ایجاد سود در اقتصاد موجود .8

2/2. سود حاصل از تنظیم بهینه روابط انسانی؛ تعریف مفهوم "سود ارتباطی" .8

1/2/2. رسیدن به سودی اعم از سود اقتصادی، سود صنعتی و سود اجتماعی؛ فائده سود ارتباطی. 8

1/1/2/2. "قرض الحسنه" ؛ یکی از ثمرات سود ارتباطی. 8

1/1/1/2/2. حل مشکلات اقتصادی و فقر؛ سود قرض الحسنه برای قرض گیرنده .8

2/1/1/2/2. عدم پرداخت هزینه های اقتصادی برای ایجاد امنیت و شورش اجتماعی فقراء؛ سود قرض الحسنه برای قرض دهنده. 9

3/1/1/2/2. ایجاد سود اقتصادی مبتنی بر مناسک رزق؛ سود دیگر قرض الحسنه برای قرض دهنده .9

2/1/2/2. "زکات" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی. 10

3/1/2/2. "قراردادن مال را در اختیار" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی. 10

1/3/1/2/2. به کاربردن مال در تنظیم حوزه های روابط انسانی (مثل نشر علم و رسیدگی به فقراء) توسط امام؛ ثمره قراردادن مال در اختیار امام 10

2/2/2. حوزه های سیزده گانه روابط انسانی؛ محل هزینه کرد پول و مال در اسلام. 11

3/2/2. تنظیم روابط انسانی؛ غرض از تولید ثروت در اسلام .13

1/3/2/2. لزوم توجه به عدم اختلال در روابط انسانی در راستای تولید ثروت؛ لازمه تنظیم روابط انسانی. 13

4/2/2. رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی، رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با ابن سبیل و رابطه انسان با مهمان؛ حوزه های سیزده گانه روابط انسانی در راستای کسب سود ارتباطی. 13

1/4/2/2. ساختار مالی حمایت از امام؛ یکی از مصادیق تنظیم رابطه انسان با امام .15

1/1/4/2/2. انفال، خمس، خراج و طسوق؛ بخشی ازمصادیق ساختار مالی حمایت از امام .15

5/2/2. لزوم ارتقاء مفهوم سود در اذهان نخبگان از سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ لازمه ایجاد تحول و جهش در آینده اقتصادی کشور .17

3. سرفصل دوم: تعریف پول در تامین سود ارتباطی چه نقشی دارد؟ .17

ص: 5

1/3. بررسی تعریف "پول" در اسلام: .18

1/1/3. بررسی موضوع شناسانه تعریف پول در اسلام: .18

1/1/1/3. نقض "تسلط" مردم بر اموال خود؛ لازمه پذیرش تعریف پول اعتباری.. 18

1/1/1/1/3. احتمال ایجاد خطای در محاسبه، خطای عمد و خطای در شناخت؛ نتیجه نقض "تسلط" مردم بر اموال خود 19

2/1/1/1/3. مخالفت با قاعده فقهی «الناس مسلَّطون علی اموالهم»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود 19

3/1/1/1/3. مخالفت با آیه «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود 19

2/1/1/3. حفظ "تسلط" مردم بر اموال خود و منتفی شدن خطای در محاسبه؛ لازمه پذیرش تعریف پول غیراعتباری.. 20

2/1/3. بررسی استظهاری تعریف پول در اسلام: 20

1/2/1/3. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد آیه 103 سوره مبارکه توبه. 20

2/2/1/3. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد برخی از روایات.. 21

1/2/2/1/3. فتوادادن به تعیین پول براساس بناء عقلاء از طرفی، و وجوب زکات بر نقـدین (نه بر اسـکناس) از طرفی دیگر؛ تعارض و ناهماهنگی فتوای فقهاء در مورد مساله پول در اسلام 22

3/1/3. وجود مصادیق مختلف از کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف دنیا؛ دلیلی بر وجود اشکالات ذاتی در پول اعتباری.. 23

4. سرفصل سوم: تاثیر سایر بخش های اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟. 24

1/4. بررسی تاثیر "طبقه بندی مشاغل" بر کارکرد پول؛ سطح اول از بحث.. 24

1/1/4. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل کلان؛ در صورت پذیرش مشاغل کلان و صنعتی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل. 24

2/1/4. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل خُرد؛ در صورت پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل. 25

3/1/4. پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل؛ پیش نیاز طراحی پول غیراعتباری (پول طلا) در ابزار مبادله. 25

2/1/4. بررسی تاثیر "الگوی تولید" بر کارکرد پول؛ سطح دوم از بحث.. 26

1/2/1/4. الگوی تولید متمرکز و صنعتی یا غیرمتمرکز و محلی؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری) 26

3/1/4. بررسی تاثر "الگوی بازار و تجارت" بر کارکرد پول؛ سطح سوم از بحث.. 26

1/3/1/4. الگوی بازار متمرکز و یا غیرمتمرکز؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری) 26

4/1/4. بررسی تاثیر "قواعد مبادله و عقود" بر کارکرد پول؛ سطح چهارم از بحث.. 28

5/1/4. بررسی تاثیر "تجارت بین الملل" بر کارکرد پول؛ سطح پنجم از بحث.. 28

1/5/1/4. عدم تقویت کفار؛ شرط اصلی در تجارت بین الملل. 28

2/5/1/4. کنارگذاردن تولید صنعتی غذا بخاطر اشکالات شش گانه آن؛ راهکاری برای کاهش 60درصدی تبادلات در تجارت بین الملل. 28

1/2/5/1/4. تولید غذای ناسالم و تراریخته؛ اولین اشکال تولید صنعتی غذا 29

2/2/5/1/4. استفاده از موادنگهدارنده؛ دومین اشکال تولید صنعتی غذا 29

3/2/5/1/4. تولید زباله و انهدام محیط زیست؛ سومین اشکال تولید صنعتی غذا 29

4/2/5/1/4. بالارفتن مصرف انرژی؛ چهارمین اشکال تولید صنعتی غذا 30

5/2/5/1/4. حذف پزنده باکیفیت غذا در فرایند تولید؛ پنجمین اشکال تولید صنعتی غذا 30

3/5/1/4. کاهش تدریجی 60درصد از تبادلات مالی در صورت کنارگذاردن تولید صنعتی غذا؛ راهکاری برای کاهش تبادلات در تجارت بین الملل. 30

5. سرفصل چهارم: چالش های اجرای پول غیراعتباری چیست؟. 31

1/5. تامین مالی پروژه ها؛ اولین چالش اجرایی پول غیراعتباری.. 31

1/1/5. تبدیل 60 درصد از پروژه های کلان تولیدی به پروژه های خرد؛ راهکاری برای حل چالش تامین مالی پروژه ها 32

2/5. تبادلات بین المللی؛ دومین چالش اجرایی پول غیراعتباری.. 32

1/2/5. تولید خانگی و محلی غذا و ایجاد مشاغل خُرد؛ راهکاری برای حل چالش تبادلات بین المللی. 32

پیوست ها: 34

پیوست شماره 1: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور. 34

پیوست شماره 2: توضیح بیشتر در مورد سود ارتباطی.. 36

پیوست شماره 3: جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود 38

پیوست شماره 4: توصیه فراوان آیات و روایات به "قرض الحسنه" 38

پیوست شماره 5: نهی فراوان آیات و روایات از "ربا" 40

پیوست شماره 6: آیات و روایات در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی. 42

پیوست شماره 7: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات.. 45

پیوست شماره 8: آیات و روایات عدم جواز سلطه بر مال دیگران. 50

پیوست شماره 9: روایات و فتوای فقهاء در مورد لزوم عدم تقویت کفر در تجارت بین الملل. 52

بسم اللّه الرحمن الرحیم اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم الحمدلله ربّ العالمین و الصلاة و السلام علی سیّدنا و نبیّنا و شفیعنا فی یوم الجزاء ابی القاسم محمّد و علی اهل بیته الطیبّین الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الارضین ارواحنا لآماله الفداء و عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف و اللعن الدائم علی اعدائه اعداءاللّه من الآن الی قیام یوم الدین.

همانطور که به استحضار برادران محترم رسیده است ان شاءالله بفضله تبارک و تعالی امروز یک گفتگوی اجمالی راجع به "پول در اسلام" خواهیم داشت. ان شاءالله با نشر این مباحث به دنبال این هستیم که مجموعه نخبگان دانشگاهی کشور و نامزدهای ریاست جمهوری نسبت به تنظیم سیاست های پولی و مالی یک مسیر جدیدی را بپیماند و توجه داشته باشند که مساله پول بر همه ابعاد زندگی تاثیر دارد.

1. مقدمه:

1/1. تحلیل ناقص از پول و بی توجهی به تاثیر آن بر روابط انسانی؛ زمینه ایجاد چالش و هزینه در حوزه های مختلف زندگی

خلاصه حرف ما در این جلسه این است که مساله پول در تئوری های مرسوم اقتصادی به خوبی تحلیل نشده است و نسبت پول و تاثیر آن بر مساله اقتصاد و گاهی وقت ها بر سیاست و بخش های دیگر به صورت ناقص دیده شده است. تحلیل درست بر پول ایناست که تاثیر پول را بر روابط انسانی بررسی کنیم. لذا اگر ما مبنا را "تنظیم روابط انسانی" قرار دهیم، نگاه به پول ارتقاء پیدا می کند. البته این مبنا اختصاصی به مساله اقتصاد و پول ندارد. دوستان فاضل بنده استحضار دارند که در مجموعه مباحث الگوی پیشرفت اسلامی حرف اصلی ما این است که همه بخش ها باید کمک کند به تنظیم روابط انسانی. این مفهوم مادر است. اگر در هر بخشی شما به این سمت بروید که اختلال در روابط انسانی ایجاد کنید؛ بخشی از هزینه های ایجاد اختلال در روابط انسانی جبران ناپذیر خواهد بود مثل هزینه هایی که بر عمر و عاطفه و رشد انسانها وارد می شود. و بخشی از آنها هم باید در ردیف هزینه کرد بودجه ها از محل درآمدهای اقتصادی پرداخت شود. یعنی هزینه های مالی و پولیِ جامعه ای که دچار اختلال در روابط انسانی

می شود، خیلی بیشتر از جامعه ای است که تنظیم روابط انسانی را به شکل صحیح دارد. مثلا در همین کشور جمهوری اسلامی شما می بینید که ما یک هزینه های بالایی را داریم برای رتق و فتق دادگاه ها پرداخت می کنیم. و این مساله دارد هزینه های کشور را از لحاظ مالی بالا می برد. حالا اگر یک کسی آمد گفت که شما "تنظیم صحیح روابط انسانی" را در دستور کار قرار دهید، در واقع دارد هزینه های بخش دادگاه های ما راکاهش می دهد. یا به عنوان یک مثال دیگر ما هر ساله یک پول بسیار زیادی را به بخش داخلی کشور اختصاص می دهیم ؛ که یک بخش عمده ای از آن متاسفانه به تبع الگوهای غربی دارد خرج مانیتورینگ (Monitoring) می شود. خب؛ این هزینه اقتصادی است دیگر! چرا دارد این اتفاق می افتد؟ چون ما متاسفانه امنیت محله ای و امنیت مبتنی بر "تعرّف" (1) را داریم از دست می دهیم. بنابراین همانطور که تاکید کردم اگر ما مبنا را تنظیم روابط انسانی قرار دهیم نتیجه اش این می شود که هزینه های اقتصادی و غیراقتصادی جامعه کاهش پیدا می کند. حالا ما می خواهیم پول را با این نگاه بررسی کنیم. موضوع جلسه همین است که ما معتقدیم که پول اگر –طبق تعریف موجود– اعتبار باشد، از ده ها جنبه به تنظیم روابط انسانی ضربه می زند. پس این مقدمه ای از کلیت بحث است تا جایگاه بحث مشخص شود.

2/1. وجود پیچیدگی های فراوان در مساله پول؛ علتی بر ضرورت پناه بردن به تحلیل فقهی از پول

بنده می شنوم که اساتید دانشگاهی خودم که می گویند: پول مساله پیچیده ای است.(2) بنده هم با آنها همراه هستم و می گویم پول مساله پیچیده ای است؛ به همین دلیل ما می گوییم پول را فقه باید تحلیل کند، پول را باید بر اساس آیات و روایات تحلیل کرد. اگر پول را بر اساس تحلیل های رایج تحلیل کنیم ده ها چالش به وجود می آید. ما در فرهنگ شیعه یاد گرفته ایم که وقتی یک چیزی پیچیده می شود آن را به عاقل ترین و عالم ترین مردم که اهلبیت (علیهم السلام) هستند ارجاع بدهیم. همه مسائل پیچیده همینطور هستند و نمی شود پول را به علت اینکه مساله پیچیده ای است با تئوری های نئوکینزی را تدریس کنیم.من همیشه از سابق اعتراض کرده ام مثلا به دوستان انقلابی مان در دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛ به این دوستان عرض کرده ام که وقتی شما کتابهای "منکیو" (Mankiw) را در آنجا تدریس می کنید و تئوری های ایشان را به مومنان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درس می دهید؛(3)

نتیجه اش می شود همین وضعیت پولی و مالی که الان ما در کشور داریم. بله؛ من خیلی انتظار ندارم

1- . ارجاع پژوهشی: واژه "تعرّف" در اصطلاح مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به معنای شناخت طرفینی گسترده است.

2- . ارجاع پرورشی: کسی نیست که به پول دست نزده باشد یا نداند پول چیست، اما پول حاوی رازهای فراوانی است. مسألهٔ پول برای اقتصاددانان بسیار بغرنج و پیچیده است و بدون شك سال های متمادی اذهان آنان را به خود مشغول خواهد کرد. آینکیس. تاریخ تکوین اقتصاد سیاسی، (ترجمهٔ ناصر گیلانی)، ج 1، ص 338

3- . ارجاع پردازشی: جهت مشاهده بخشی از واحدهای درسی دانشکده «معارف اسلامی و اقتصاد» دانشگاه امام صادق(ع) به لینک زیر مراجعه فرمایید: https://b2n.ir/q04401 دکتر حمیدرضا ارباب، مترجم کتاب «مباني علم اقتصاد» منکیو درباره ضرورت ترجمه این کتاب گفت: درس مباني علم اقتصاد شاید مهمترین درسي است که دانشجویان رشته اقتصاد و سایر رشته هاي علوم انساني با آن آشنا مي شوند. این درس شامل اقتصاد خرد و اقتصاد کلان مي شود که براي دانشجویان علوم انساني از اهمیت برخوردار است. به گزارش خبرگزاري کتاب ایران(ایبنا): کتاب «مباني علم اقتصاد» منکیو شامل مهم ترین مباحث اقتصاد خرد و کلان است. این کتاب اولین جلد از مجموعه چهار جلدي کتاب اصول علم اقتصاد منکیو است. سایر کتاب هاي این مجموعه چهار جلدي عبارت اند از اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اصول علم اقتصاد. از گریگوي منکیو قبلا کتابي تحت عنوان «اقتصاد کلان» از سوي دانشگاه علامه طباطبایي با ترجمه دکتر شرکاء و دکتر پارسائیان در سال 74 منتشر شده است که یکي از منابع درسي دانشجویان این رشته محسوب مي شود. آدرس مطلب: خبرگزاری کتاب ایران http://www.ibna.ir/vdcdzs0x.yt0ok6a22y.html

از اندیشـمندانی که خیلی معتقد به فرایند و مسـیرهای انقلاب اسـلامی نیسـتند، و با آنها کاری ندارم. ولی دوسـتان انقلابی ما در دانشـگاه امام صادق (علیه السلام) و سایر دانشگاه ها و پژوهشکده ها باید توجه کنند که از مطالعه و مباحثه کتاب "منکیو"، مکتب اقتصاد اسلامی بیرون نمی آید و اگر این مساله را در چهل سال دوم اصلاح نکنیم، وضعیت کشور طبق روال چهل سال اول ادامه پیدا خواهد کرد.

همچنین بنـده مکرر و خاضـعانه و از سـر دلسوزی اعتراض کردم به اساتیـد مدرسه آیت الله گلپایگانی و اساتیدی که در نشـست دوره ای اساید تدریس می کننـد و خلاصه عرض بنده به آنها این بوده است که: ما مکاسب را باید بازتعریف کنیم به شـکلی که مکاتب اقتصادی موجود به چالش کشـیده شوند. وقتی هنوز عمده کتاب مکاسبِ ما، مکاسب محرّمه و بیع و خیارات است؛ اگرچه افاده ها و اسـتفاده های فراوانی به وجود می آید ولی مهم ترین معضل پذیرش این فهرست و عـدم تکامـل این فهرست این می شود که ما بالاترین دروس مکاسب را در حوزه علمیه قم داریم، ولی بالاترین دخالت اسـناد بین المللی در حوزه کسب و کار کشور را هم داریم.(1)

از اینجـا مشـخص است که درس و بحث مکـاسبِ ما منجر نشـده که مثلا برای سازمان بین المللی کار و بانک جهانی ومجموعه های اقتصادی که الان در ایران به معنـای واقعی کلمه معادلاتشـان در حال اجراست چالش ایجاد کنـد. یعنی علماء محترم ما نتوانسـته انـد در این حوزه با این بـدعت مقابله کننـد و متاسفانه الان همه بانک های ما ربوی است،(2) سیاست های پولی و مالی به نفع قشر محروم نیست، و صدها مساله دیگر به وجود آمده است. بنابراین بنده هم با دوسـتان موافق هستم که پول مساله پیچیده ای است و به دلیل پیچیدگی آن ما سعی می کنیم به اندازه بضاعت خودمان به صورت استظهاری و با تکیه بر آیات و روایات این مساله را تحلیل کنیم.

3/1. توجه به سرفصل های چهارگانه مطرح در جلسه؛ عاملی برای فهم جایگاه پول در اسلام و تاثیر آن بر تنظیم روابط انسانی

بنده در اینجا در قسمت اصلی گزارش این نشست می خواهم چهار محور را بحث کنم. فهم بنده این است که اگر کسی به این چهار محور توجه کند، مساله "پول در اسلام" برای او حل می شود. یعنی جایگاه مساله پول و تاثیر آن بر مساله تنظیم روابط انسانی جا خواهد افتاد. بله؛ یک وقتی شما به دنبال این هستید که اثر پول را بر ایجـاد "ارزش افزوده" بحث کنیـد، یـا مثلاـ می گوییـد که من مسـاله پول و سـیاست هـای پولی و مالی را طوری تنظیم می کنم که هـدایت "نقـدینگی" به بخش تولید اتفاق بیفتد، یا تامین پروژه های مهم اتفاق بیفتد. خب؛ این یک بحث دیگری است و شـما مساله پول را محدود کرده اید به بخش اقتصاد. ما اگر بخواهیم تاثیر

1- . ارجـاع پردازشـی: سازمان بین المللی کار در سال 1919 یعنی یـک سال بعـد از جنگ جهانی اول ایجاد شـد... این سازمان از سال 1919 تاکنون کوشـیده است تا با تدوین مقررات و قوانینی رعایت اسـتاندارد های کار را محقق کند. مقر سازمان بین المللی کار در شهر ژنو در کشور سوئیس است و این سازمان که از زیرمجموعه های سازمان ملل متحـد به حساب می آیـد هر ساله کنفرانسـی در ماه ژوئن برگزار می کند... ایران یکی از پیشـگامان پیوسـتن به سازمـان بین المللی کـار بوده و در ادوار مختلف نقشـی مهم در این سازمان ایفا کرده است... هر ساله از ایران نماینـدگان گروه های کارگری، کارفرمایی و دولت در اجلاس جهانی کار شرکت می کنند و به صورت جداگانه در جلسات آن حضور یافته و به بحث و تبادل نظر می پردازند. آدرس مطلب: خبرگزاری کار ایران (ایلنا) https://www.ilna.news/fa/tiny/news-770167 به گزارش ایلنـا به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت تعاون، کار و رفـاه اجتماعی، انتخابات هیات مـدیره سازمان بین المللی کار برای دوره (2021-2024) در تاریخ 24 خرداد 1400 ماه برگزار شد و جمهوری اسـلامی ایران برای چهارمین دوره متوالی و با رای کشورهای عضو این سازمان به عضویت هیات مدیره این سازمان بین المللی درآمد. آدرس مطلب: خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - 25 خرداد 1400 https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1090263

2- . ارجاع پرورشی: جهت مشاهده اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور ر،ک؛ پیوست شماره 1.

مساله پول را در تنظیم روابط انسانی ببینیم بایـد یک مقـدمات و گفتگوهای دیگری را بحث کنیم. الان هم در مجلس شورای اسـلامی این طرح معیوب و یا بهتر است بگوییم طرح بسـیار معیوبِ "اسـتقلال بانک مرکزی" مطرح است و علی رغم مخالفتهایی که حوزه علمیه نسـبت به این طرح داشته دوستان اصرار دارنـد بر اینکه این مساله را پیگیری کننـد و آن را تبدیل به قانون کنند! (1) اصـرار این دوستان ناشی از یک تحلیل است و آن تحلیل عبارت از این است که: اگر اسـتقلال بانـک مرکز ی تامین نشود، با چاپ حـداکثری پول که با فشار دولت ها اتفاق می افتـد تعادل "عرضه" و "تقاضا" به هم می خورد، و مثلا اگر در "خلق پول" و "پایه پولی" که تحول ایجاد شود، "تورم" به وجود می آید. ببینید! کاملا نگاه یک نگاه اقتصادی است و مبنای آن هم این است که "تعادل عرضه و تقاضـا" حفظ شود. مبنا این است که به سـمت این برونـد که جلوی "خلق پول" را بگیرنـد و نگذارنـد "پایه پولی"(2) افزایش پیـدا کند. نگاه ها به این سـمت است.ما اساسا داریم یک نگاه جدیـدی را بحث می کنیم و دعوت ما این است که مبنا را عوض کنیـد و مبنا را برگردانید به این سـمت که آثار مساله پول را بر روابط انسانی ببینید. خب؛ برای اینکه این مبنای ما در اینجا قدری تبیین شود، بنده چهار سـرفصل بحثی را بحث می کنم: سرفصل اول این است که ما یک مفهومی داریم به اسم «سود ارتباطی». قبلا هم در بعضـی از نشست ها این مفهوم را توضیح داده ام.(3) این مفهوم را بحث می کنیم و سـپس تاثیر آن را در تعریف پول شـرح خواهیم داد. توضـیح خواهم داد که بالاخره سود و احساس سود و علاقه مندی به سودبردن یکی از محرّک های همه انسانهاست و اصـل این مساله که انسانها به دنبال سود هستند یک مساله پذیرفته شده ای است. حالا ان شاءالله توضیح خواهم داد که در دستگاه فکری اهلبیت (علیهم السلام) مفهوم سود از سود اقتصادی و ارزش افزوده، تحولِ معنایی پیدا کرده به سود ارتباطی. و اگر شـما در حوزه مبانیِ اقتصاد تکلیف تعریف سود را معلوم نکنید، کماکان در ده ها سال آینده هم تعریف "کینز" (Keynes) و "آدام اسمیت" (Adam Smith) و تابعین آنها از سود داده اند حکومت خواهد کرد. بنابراین ما در مقدمه بحث باید یک گفتگویی داشـته باشیم ببینیم که از نظر فکر دینی آیا سود فقط محدود می شود در ارزش افزوده؟ یا نه ما می توانیم از پایگاه دستگاه پیامبران سودهای بالاتری را برای مردم پیشنهاد بدهیم؟ که ان شاء الله این را شرح خواهم داد.

سرفصل دومی که بنده بحث می کنم این است که نقش پول اعتباری(4) و پول غیراعتباری را در دستیابی به سود ارتباطی را می خواهم شرح بدهم. یعنی در سرفصل اول در واقع ما مبانی نظری اقتصاد وجود را اصلاح می کنیم و یک مفهوم بالاتری از سود را در اذهان

1- . ارجاع پردازشـی: نمایندگان مجلس شورای اسـلامی کلیات طرح استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را تصویب کردند. به گزارش خبرنگار مهر، نماینـدگان مجلس شورای اسـلامی در جلسه علنی امروز (26 اردیبهشت 1400) مجلس بـا 199 رأی موافق، 25 رأی مخـالف و 3 رأی ممتنع از مجموع 250 نماینده حاضر در جلسه علنی با کلیات طرح مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی موافقت کردند. آدرس مطلب: خبرگزاری مهر ـ 26 اردیبهشت 1400 - کد خبر 5213115 https://b2n.ir/t89606

2- . ارجاع پرورشی: پایه پولی (Monetary Standard): پایه ای که بر [مبنای] آن پول نشر می شود و اصلی است که مقدار پول را معین می کند. فرهنگ علوم اقتصادی(منوچهر فرهنگ)، ص 743

3- . ارجاع پژوهشی: از باب نمونه: ر،ک به پیوست شماره 2 برگرفته از جلسه دوم از دوره پژوهشی "فقه المکاسب".

4- . ارجاع پرورشـی: Fiat money: Money that is not intrinsically useful and is valued only because it is used as money. پول اعتبـاری: پولی که ذاتـاً قابـل اسـتفاده نیست و فقـط به این دلیل که از آن به عنوان پول اسـتفاده می شود ارزش دار شـده است. کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص578

پایه ریزی می کنیم. در سرفصل دوم اثر پول بر این سود را شرح می دهیم که وقتی شما دارید راجع به تعریف پول صحبت می کنید ببینیم که آیا پول اعتباری و پول به معنای اعتبار می تواند سود ارتباطی را برای ما به وجود بیاورد؟ یا نه به ضرر سود ارتباطی است؟ که ان شاءالله شرح خواهم داد. و در این سرفصل دوم یک روایت مهمی را –که معمولا در ابواب زکات ذکر می شود– یک مقداری شرح داده و در آن یک مقداری درایه می کنم. و این روایت به ما کمک می کند که درک ما از مفهوم پول براساس آیات روایات ارتقاء پیدا کند.

سرفصل سوم ارتباط پول با سایر بخش های ساختار اقتصاد اسلامی را شرح می دهم. شما استحضار دارید که مباحث فقهی اقتصاد اسلامی - و یا به تعبیر ما: مکاسب– فقط اختصاص به مساله پول ندارد، بلکه پنج ساختار اصلی را شامل می شود. از جمله بحث طبقه بندی مشاغل، بحث الگوی تولید، بحث الگوی بازار، بحث قواعد مبادله و بحث تجارت بین الملل. در واقع مخاطبانِ سرفصل سومِ بحث دوستان تمدنی ما و مجموعه هایی هستند که دارند روی مساله پول کار می کنند. ما معتقدیم که تا مادامی که ارتباط مساله پول را با بازار و الگوی تولید تحلیل نکنیم، نمی توانیم درک اجرایی از مساله پول را به جامعه ارائه کنیم. اجرا می شود ولی نه به این معنا که یک نظریه فراگیر شود و بتواند سیاست های پولی و مالی را تنظیم کند. این هم یک سرفصل بسیار مهمی است که البته ما فقط می توانیم در این جلسه به آن اشاره کنیم. خلاصه بحث ما در این سرفصل سوم این است که اساسا تحلیل پول تحلیل از نوع سطح چهارم اقتصاد است. یعنی اگر ما پنج سطح تحلیل اقتصادی داشته باشیم؛ تحلیل پول تحلیل سطح اول از اقتصاد نیست، بلکه تحلیل سطح چهارم از اقتصاد است. و این سطح بندی هم در دیدگاه ما به معنای ترتّب است. مثالی بزنم تا بحث واضح شود: مثلا فرض بفرمایید شما دارید راجع به نماز بحث می کنید، بعد کسی بیاید و مستقلا راجع به رکوع نماز برای شما صحبت کند. فرض کنید اگر یک رکعت نماز را تصور کنیم –طبق روایت فضل بن شاذان از امام رضا(علیه السلام) اصل نماز یک رکعت بوده که از تکبیره الاحرام شروع می شود، بعد سوره حمد، بعد یک سوره ای خوانده می شود، بعد رکوع و سجده و تشهد و سلام. حالا شما فرض کنید یک شخصی بیاید شروع کند اول از رکوع صحبت کند، شما به او می گویید که رکوع، آغاز نماز نیست. بله؛ رکوع جزو مهمی از نماز است، قبل از سجده است و باید در آن دقت هایی انجام شود؛ ولی آغاز و افتتاح نماز به تکبیره الاحرام است، ختم نماز هم به تشهد و سلام است. شبیه این مثال که عرض کردم: پول هم در مجموع تحلیل های فقهی یک تحلیل سطح چهارم محسوب می شود.یعنی شما باید مقدمتاً چند سطح دیگر را بحث کنید، تا بعد بتوانی جایگاه پول را در اذهان تثبیت کنید. لذا بحث بسیار مهمی در این سرفصل سوم داریم و به قدری که وقت جلسه اجازه بدهد و دوستان حوصله کنند به آن خواهم پرداخت.

در خاتمه بحث هم چالش های اجرایی شدن پول طلا یا پول غیراعتباری را بحث می کنم. من دو چالش مهم را در جلسه امروز بحث خواهم کرد: یکی بحث تبادلات بین المللی است که وضعیت تبادلات بین المللی با فرض پذیرش پول طلا و پول غیراعتباری چگونه خواهد شد؟ و نکته دیگر تامین مالی پروژه هاست یا به اصطلاح در کنار تامین مالی پروژه ها "هدایت نقدینگی" است. این مساله چه خواهد شد؟ و در نگاه تمدنیِ ما چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ این هم سرفصل چهارم است.

پس این هم بالاجمال نقشه محتوای امروز است که به آن خواهیم پرداخت. پیشاپیش از دوستان عذرخواهی میکنم از اینکه بنده را تحمل می فرمایید و این عرائض ناقص بنده را استماع می کنید.

2. سرفصل اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟

اشاره

اشاره

برگردیم به سرفصل اول و بحث را شروع کنیم: همانطور که عرض کردم ما مبنا را در بازسازی اقتصاد مفهوم «سود ارتباطی» قرار داده ایم. یعنی بالاخره هر دیدگاه و نظریه ای یک تکیه گاه های مفهومی و مبانی نظری ای دارد. مبنای نظری ما در اقتصاد اسلامی مفهومی است به نام مفهوم سود ارتباطی.

1/2. سود اقتصادی (ارزش افزوده)، سود صنعتی (بهره وری) و سود اجتماعی؛ تعاریف اصلی از مفهوم "سود" در اقتصاد موجود

اشاره

قبل از اینکه مفهوم سود ارتباطی را توضیح دهم مقدمتاً باز عرض کنم که الان لااقل سه نوع سود را در اقتصاد بحث می کنند و هر سه نوع سود محل بحث است و باید راجع به آن اِن قُلت های طلبگی کرد و نقص های آن را بیان کرد: اولین سود همین «سود ارزش افزوده»(1) (Value Added) است که در واقع مهم ترین و در دسترس ترین نوع سودی است که افراد آن را درک می کنند. یعنی یک کالایی را می خرند، هزینه های خودشان را محاسبه می کنند و علاوه بر هزینه ها یک سودی را هم در نظر می گیرند و آن کالا را به فروش می رسانند. این مهم ترین و ساده ترین سودی است که الان از آن بحث است. که گاهی وقت ها در تعابیر اقتصادی از ارزش افزوده تعبیر به «سود اقتصادی»(2) (Economic Profit) می شود.

مفهوم دیگری از سود در ادبیات اقتصادی محل بحث است به اسم «سود صنعتی» یا «بهره وری»(3)(Efficiency). شما در مساله سود صنعتی یا بهره وری، می آیید استفاده از تکنولوژی های بهتر و استفاده بهتر از نیروی کار و سایر اشکالی که هزینه های شما را

1- . ارجاع پرورشی: ارزش افزوده (Value Added): قیمت بازاری محصول منهای مخارج و بهای موادی که در آن به کار رفته است. فرهنگ علوم اقتصادی، ص 1301 جهت مشاهدهٔ جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود ر،ک؛ پیوست شماره 3.

2- . ارجاع پردازشی: سود اقتصادی؛ نفع اقتصادی؛ منفعت اقتصادی (Economic Profit): سود افزون بر سود عادی در حالت رقابت خالص. همان، ص 333 Profit (economics): in business usage, the excess of total revenue over total cost during a specific period of time. In economics, profit is the excess over the returns to capital, land, and labour (interest, rent, and wages). To the economist, much of what is classified in business usage as profit consists of the implicit wages of manager-owners, the implicit rent on land owned by the firm, and the implicit interest on the capital invested by the firm's owners. In conditions of competitive equilibrium, "pure" profit would not exist, because the competitive market would cause the rates of return to capital, land, and labour to rise until they exhausted the total value of the product. Should profits emerge in any field of production, the resulting increase in output would cause price declines that would eventually squeeze out profits. سود (اقتصاد): در استفاده از مشاغل ، بیش از درآمد کل نسبت به کل هزینه در یک دوره زمانی خاص. در اقتصاد ، سود بیش از بازده به سرمایه ، زمین و نیروی کار (سود ، اجاره و دستمزد) است. از نظر اقتصاددان ، بیشتر آنچه در استفاده تجاری به عنوان سود طبقه بندی می شود ، شامل دستمزدهای ضمنی مدیر- صاحبان ، اجاره ضمنی زمین متعلق به شرکت و سود ضمنی سرمایه سرمایه گذاری شده توسط صاحبان شرکت است. در شرایط تعادل رقابتی ، سود "خالص" وجود نخواهد داشت ، زیرا بازار رقابتی باعث افزایش نرخ بازگشت به سرمایه ، زمین و نیروی کار می شود تا زمانی که ارزش کل محصول را از بین

ببرنـد. اگر سود در هر زمینه تولیـد ظاهر شود ، افزایش تولید در نتیجه باعث کاهش قیمت می شود که در نهایت سود را از بین می برد. آدرس مطلب: سایت دانشنامه رسمی بریتانیکا https://www.britannica.com/topic/profit

3- . :ارجاع پرورشیEfficiency economics and organizational analysis :Efficiency, in economics and organizational analysis, a measure of the input a system requires to achieve a specified output ...Efficiency is a favourite objective of economists and administrators ... Sociologists often believe that organizations are merely effective; they aim for survival and often use suboptimal arrangements that satisfy the social needs of participants and surrounding institutions. بهره وری اقتصـاد و تجزیه و تحلیل سازمانی: کارایی (بازده، رانـدمان،سودمنـدی...) در اقتصاد و تجزیه و تحلیل سازمانی، انـدازه گیری ورودی سیسـتم نیاز به رسـیدن به یک خروجی مشـخص ... کارایی یک هـدف مورد علاقه اقتصاددانان و مدیران است... جامعه شـناسان اغلب معتقدند که سازمان ها صـرفا موثر هسـتند؛ هدف آنها بقا است و اغلب از ترتیبات غیربهینه ای که نیازهای اجتماعی شرکت کنندگان و نهادهای اطراف را برآورده می کنند، استفاده می کنند. آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا https://b2n.ir/k66005

کاهش بدهد را بحث می کنید. گاهی وقت ها ممکن است شما در فرض اولیه مثلایک میلیون دلار خرج کنید و یک تکنولوژی جدیدی بیاورید و این هزینه محسوب می شود و این خلاف ارزش افزوده است. ولی چون بعدا یک بهره وری بیشتری در تکنیک برای شما ایجاد می کند، شما به این نوع از سود هم معتقد هستید. البته بهره وری فقط محدود در تکنیک نیست و شامل تنظیم روابط انسانی در بخش کار هم می شود مثلا شما به کارگرهایتان در یک بنگاه تولیدی وعده می دهید که اگر آن بنگاه مثلا به فلان درصد از سود دست پیدا کند، 10 درصدش را بین آنها توزیع می کنید. این هم باز یک مفهومی است. ولی عمده بحث از بهره وری که در دنیای امروز خیلی از آن بحث می شود مساله سود صنعتی است.

1/1/2. هزینه کردن برای جلوگیری از شورش اجتماعی و حفظ نظم موجود؛ تعریف سود اجتماعی در اقتصاد موجود

درک سومی از سود در بین اهالی اقتصاد وجود دارد به اسم «سود اجتماعی»(dumping). سود اجتماعی چیست؟ مثلا شما می روید در لرستان یک کارخانه ای راه اندازی می کنید و یک عده ای را در آن کارخانه استخدام می کنید به انگیزه ای که در آنجا شورش اتفاق نیفتد و اساس نظام اجتماعی شما به چالش کشیده نشود. یعنی دستگاه حاکمیتی چه کاری انجام می دهد؟ برای حفظ کلان جامعه هزینه می کند و می گوید با این کار اساس دستگاه حاکمیتی باقی می ماند. و مثلا سناتورهای آمریکایی دائما بر مبنای سود اجتماعی می آیند و هزینه های کلانی را برای مخالفت با جمهوری اسلامی می پردازند. خب؛ وقتی شما در سال چند هزار میلیارد دلار برای مخالفت با جمهوری اسلامی می کنید؛ همه اینها هزینه است و علی القاعده باید خلاف مفهوم سود اذهان اقتصاددانان آمریکایی تلقّی شود، منتها آنها محاسبه این را می کنند که جمهوری اسلامی دارد نظم دنیا را عوض می کند. و اساس فعالیت های اقتصادی، تبلیغات تجاری و فروش کالاهای آنها، همه بر فرض این است که نظم موجود باقی بماند و مادامی که نظم موجود کدخدایی به اسم آمریکا و معاونینی به اسم اتحادیه اروپا دارد؛ شرکت های صنعتی آنها در بخش های مختلف هم سود خودشان را دارند. امّا اگر بنا باشد که نظم جدیدی بیاید و فرهنگ را به سمت "قناعت" ببرد، آنوقت دیگر شما نمی توانید برَندهای اقتصادی تان را زنده نگه دارید. آن بنگاه های بزرگ اقتصادی که امروز بر دنیا تسلط دارند، در فرض فرهنگ موجود و نظم موجود دارند کار خودشان را انجام می دهند. لذا معمولا تعریف سود اجتماعی به صورت اجمالی این است که: شما هزینه می کنید تا اینکه نظم موجود و تعادل موجود را در سطح کلان حفظ کنید. بله؛ حتی ممکن است شما 10 سال هزینه کنید ولی جلوی تغییر نظم موجود را بگیرید تا مثلا در دو دهه یا سه دهه آینده شما سود داشته باشید و باقی بمانید.

البته مفاهیم و معانی دیگری هم از سود در ادبیات اقتصادی موجود مطرح است؛ ولی من خواستم یک اجمالی راجع به مفهوم سود خدمت شما مطرح کرده باشم تا هرگاه گفته می شود که ما اساسا فعالیت های اقتصادی را پیگیری می کنیم، بدانید که غرض از این

فعالیت اقتصادی تامین سود است. و وقتی مفهوم سود شکافته می شود این مفاهیم جزو آن است و مفاهیم دیگری هم ممکن است اضافه شود یعنی برنامه ریزان از سود اجتماعی، سود صنعتی، سود اقتصادی، ارزش افزوده و بهره وری را بحث می کنند و همه اینها مفاهیم این نوع از سود را تئوریزه می کنند.

2/1/2. محوریت رذائل اخلاقی خصوصا وصف "حرص" ؛ یکی از مبانی تولید ثروت و ایجاد سود در اقتصاد موجود

یا وقتی در مبانی نظری " آدام اسمیت" و "کینز" مساله رذائل اخلاقی خصوصا حرص را مطرح می کنند، در واقع چنین درکی از سود در ذهنشان است که معتقدند رذائل باعث تولید ثروت می شود! یعنی معتقدند که موتور محرّک دستیابی به ثروت در جامعه، عمدتاً وصف حرص -والبته سایر رذائل اخلاقی- است.(1)

لذا وقتی وارد بحث می شوند از مساله رذائل در تولید ثروت دفاع می کنند، از مساله ربا دفاع می کنند.(2) ولی شما باید توجه داشته باشید که چون درک اینها از سود محدود است به ارزش افزوده و مفاهیم مشابه، موتور محرّک آن را این اوصاف اخلاقی می دانند و بحث می کنند. حالا این یک سرفصلی است که می شود راجع به آن بحث کرد. من فقط برای اینکه فضای ذهنی شما آماده باشد یک اشاره ای به این بحث کردم، اما در مقام تصویر همه مباحث معیوبی که به اقتصاددانان مکاتب مختلف موجود گفته اند نیستم، فقط خواستم یک زمینه ای ایجاد شود که بتوانم حرف خودمان در مساله سود را زده باشیم.

2/2. سود حاصل از تنظیم بهینه روابط انسانی؛ تعریف مفهوم "سود ارتباطی"

1/2/2. رسیدن به سودی اعم از سود اقتصادی، سود صنعتی و سود اجتماعی؛ فائده سود ارتباطی

اشاره

ما معتقدیم که عمده سود سودی است که انسانها از روابط بهینه با همدیگر می برند. یعنی مهم ترین مساله شما در جامعه انسانی، مساله روابط انسانها با یکدیگر است. و دو فرض در روابط انسانها متصور است: یا روابط انسانها دچار اختلال و اصطکاک می شود؛ بنابراین شما سود بزرگی را از دست خواهید داد. یا روابط انسانها بر فرض تعادل قرار می گیرد و به اصطلاح تنظیم صحیحی پیدا می کند؛ در اینجا شما حتما سود خواهید برد و سود آن هم اعم از سود اقتصادی، سود اجتماعی و سود صنعتی است.

1/1/2/2. "قرض الحسنه" ؛ یکی از ثمرات سود ارتباطی

1/1/1/2/2. حل مشکلات اقتصادی و فقر؛ سود قرض الحسنه برای قرض گیرنده

مثلا فرض بفرمایید که وقتی شما رابطه تان را با همدیگر تنظیم کنید، مفهومی به اسم «قرض الحسنه»(3) اتفاق می افتد. و اگر قرض الحسنه مبنای کار قرار بگیرد، یعنی فقراء و محرومین درآمد اقتصادی پیدا می کنند. و به اصطلاح اقتصاد امروز "پولِ ارزان"

1- . ارجاع پرورشی: آدام اسمیت: منافع شخصی بدون آنکه عیب باشد، محرک فعالیت انسان و موجب رفاه جامعه خواهد بود. آدام اسمیت و ثروت ملل، محمدعلی کاتوزیان، ص176

2- [2]. ارجاع پرورشی: For at least another hundred years we must pretend to ourselves and to everyone that fair is foul and foul is fair; for foul is useful and fair is not. Avarice and usury and precaution must be our gods for a little longer still. For only they can lead us out of the tunnel of economic necessity into daylight. مینارد کینز: دست کم باید برای صد سال دیگر برای خود و هرکس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است ونیکی بدی است؛ زیرا بدی مفید است و نیکی نیست. حرص و طمع و ربا و محافظه کاری؛ باید هم چنان

برای یک مدت کوتاه دیگر؛ خدایان ما باشند. زیرا فقط آن ها می توانند ما را از گذرگاه تاریک اقتصادی به روشنائی روز؛ رهنما شوند. مقاله جان مینارد کینز با نام «Economic Possibilities for our Grandchildren» منتشر شده در سال 1930

3- . ارجاع پژوهشی: « مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً كَثيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُون» (سوره مبارکه بقره، آیه 245) کیست آنکه به خدا وام قرض) نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می گیرد و وسعت می دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می شوید (ترجمه انصاریان) جهت مشاهده توصیه فراوان آیات و روایات نسبت به "قرض الحسنه" ر،ک؛ پیوست شماره 4.

به دستشان می رسد. و این خیلی فرق می کند با پولی که "ربا" (1)در آن است. که حالا ـ ربا از چهاردرصد شروع می شود که من معتقدم که از این چهاردرصد هم نمی شود دفاع کرد. دولت اسلامی باید مجموعه عُمّال و کارگزاران خودش را تامین کند و مُرّ احکام اسلام - یعنی سودِ صفر - در قرض ها باید مبنا قرار بگیرد. به هر حال من معتقدم که حداقل سود در جمهوری اسلامی چهار درصد است و دارای حداکثر هم است. خب؛ شما با این کار چه کاری دارید انجام می دهید؟ دارید اختلال در زندگی فقراء ایجاد می کنید.

2/1/1/2/2. عدم پرداخت هزینه های اقتصادی برای ایجاد امنیت و شورش اجتماعی فقراء؛ سود قرض الحسنه برای قرض دهنده

خب؛ ممکن است کسی اشکال کند که در قرض الحسنه طرف گیرنده، سود می برد ولی طرف دهنده، سودی برایش متصور نیست. [ولی ما می گوییم اینطور نیست؛ بلکه] برای دهنده دو سود متصور است: سود اول این است که هزینه های اختلال در روابط انسانی و شورش فقراء را پرداخت نمی کنیم. شما استحضار دارید که مفهوم شورش فقراء و اعتراض ناشی از فقر فقط این نیست که در خیابان یک تظاهراتی انجام شود؛ بلکه وقتی نگاه خُرد به این مساله می کنیم امنیت مالی همه به چالش کشیده می شود. یعنی اگر شما خودتان ارتباط با فقیر را پایه ریزی نکنید، دزدی در همه سطوح و در سطح خانوادگی هم پایه ریزی می شود. و این هزینه است، هزینه کرد اقتصادی است. در سطح کلان هم اگر تبدیل به یک شورش اجتماعی کلان بشود، نظام اقتصادی و اجتماعی شما دچار چالش خواهد شد. این سطح سودی است که طرف دهنده می برد. یعنی سرمایه اش امنیت پیدا می کند، احترامش باقی می ماند، نفوذ کلمه پیدا می کند.

3/1/1/2/2. ایجاد سود اقتصادی مبتنی بر مناسک رزق؛ سود دیگر قرض الحسنه برای قرض دهنده

بخش دیگر از سود که برای او متصور است این است که ما معتقدیم که دستگاه ربوبی مبتنی بر یک مناسکی رزق ها را کم و زیاد می کند. هرگاه شما صفت الهی پیدا می کنید و ایثار می کنید؛ باز شما از پایگاه افزایش رزق، برکت و سود اقتصادی را دریافت خواهید کرد. البته ممکن است این حرف برای پوزیتویست ها و سکولارها سخت باشد؛ ولی به هر حال این یک حرف تجربه شده است و کسی که صدقه می دهد سود می کند و پولش کم نمی شود. ما مکرر در روایاتمان داریم که حضرت فرمود: «صدقه بدهید،قرض بدهید و از فقر نترسید، بلکه امید جبران و گشایش داشته باشید.»(2) این بحث یک روایت و دو روایت و یک آیه و دو آیه ندارد؛ بلکه مجموعه ای از آیات و روایات ما را به این مطلب دلالت می دهند.(3)

بنابراین هر دو طرف دارند سود می برند و مساله شان

1- . ارجاع پژوهشی: « يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (سوره مبارکه بقره، آیه 276) خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (ترجمه انصاریان) جهت مشاهده نهی فراوان آیات و روایات از "ربا" (سود گرفتن در قرض) ر،ک؛ پیوست شماره 5.

2- . ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه بدهید؛ چرا که صدقه بر مال می افزاید؛ و خدایتان رحمت کند، صدقه بدهید. مصدر اصلی: الكافي، ج 4، ص 9

3- . ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده آیات و روایت در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی ر،ک؛ پیوست شماره 6.

حل و فصل می شود. پس اصل بحث بر سر این است که وقتی شما دارید ارتباط بهینه انسانها را بحث می کنید، یک سود دیگری دارد متولد می شود. که یک مثال آن مساله قرض الحسنه است.

2/1/2/2. "زکات" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی

یک مثال دیگر مساله زکات است. مفهومی به اسم «زکات» متولد خواهد شد. مفهوم زکات دوباره یک تنظیم مالی بین افراد است. چطور؟ افرادی که دارا و غنی هستند در موارد مختلف - در فرض زکات واجب و زکات مستحب - شروع می کنند خودشان با طیب خاطر یک پولی را در اختیار فقراء قرار می دهند و باز همان فرض هایی را که در مساله قرض الحسنه گفتم در زکات هم به وجود می آید: طرف گیرنده زکات، مشکلات مالی اش حل می شود(1)

و به نحو مردمی تامین اعتبار می شود. طرف دهنده زکات هم از پایگاه تامین امنیت و هم از پایگاه افزایش رزق سودش افزایش و ارتقاء پیدا می کند. (2)

3/1/2/2. "قراردادن مال را در اختیار" ؛ ثمره ای دیگر از سود ارتباطی

1/3/1/2/2. به کاربردن مال در تنظیم حوزه های روابط انسانی (مثل نشر علم و رسیدگی به فقراء) توسط امام؛ ثمره قراردادن مال در اختیار امام

حالا من در اینجا مثال مفهوم قرض الحسنه و مفهوم زکات را بیان کردم؛ ولی این مساله در همه حوزه های سیزده گانه متصور است. یعنی مثلا شما پولی را در اختیار امام قرار می دهید؛ در روایت دارد که «کسی که یک درهم از مال خودش در اختیار امام معصوم قرار بدهد، به اندازه دوهزار درهم که در جاهای دیگر مصرف می کند برای او عائدی خواهد داشت.» خب؛ چه اتفاقی در این مورد

1- . ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ مُبَارَكٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قُوتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِأَمْوَالِكُمْ. امام کاظم علیه السلام: همانا خداوند زکات را برای تأمین قُوتِ تهیدستان و افزایش داراییهای توانگران وضع نموده است. مصدر اصلی: الكافي، ج 3، ص 498 أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُبَارَكٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِأَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ. امام کاظم علیه السلام: زکات فقط برای تأمین قُوتِ تهیدستان و افزایش داراییهای توانگران وضع شده است. مصادر اصلی: علل الشرائع، ج 2، ص 368 / المحاسن، ج 2، ص 319 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 4 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 10 وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعَتِّبٍ مَوْلَى الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَاراً لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيراً مُحْتَاجاً وَ لَاسْتَغْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَه... امام صادق علیه السلام: زکات به منظور آزمودن توانگران و کمك به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی ماند و به سبب آنچه خداوند عزّوجلّ برای او واجب کرده است بی نیاز می شد.... مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 7 / عوالي اللئالي، ج 1، ص 370 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9،

2- . ارجاع پژوهشی: « وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ رِباً لِيَرْبُوَا فِي أَمْوالِ النَّاسِ فَلا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ زَكاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُون». (سوره مبارکه روم، آیه 39) اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می دهید تا در میان اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه از زکات می دهید که [به سبب پرداختش] خشنودی خدا را می خواهید [مایه فزونی است] پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می شود.)ترجمه انصاریان) عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ فَحَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاة. امام صادق علیه السلام: هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت، مگر به سبب فروگذاردن زکات. پس، اموال خود را با زکات حفظ (بیمه) کنید. مصادر اصلی: المحاسن، ج 1، ص 294 / دعائم الإسلام، ج 1، ص 240 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 29 / بحار الأنوار، ج 66، ص 393 عن علي (ع): فَرَضَ اللَّهُ ... الزَّكَاةَ تَسبيباً لِلرِّزقِ. امام علی علیه السلام: خداوند ... زکات را واجب کرد، تا سبب روزی باشد. نهج البلاغه،

می افتد؟ وقتی شـما پول خود را در اختیار امام (علیه السـلام) قرار می دهید، امام از پول شـما در تنظیم روابط انسانی اسـتفاده می کند؛ مثلا برای نشر علم، برای رسیدگی به فقراء. و در اینصورت باز تنظیم روابط انسانی اتفاق می افتد. یکی از مصادیق مهمِ «درهمٌ فی الامام» این است که احادیث و آیات نشر پیدا کند. البته مصادیق دیگری هم وجود دارد؛ مثلا در روایات مربوط به قرض الحسنه برای یک درهم 18برابر اجر تعریف شده است،(1)

ولی وقتی شـما یک درهم را در اختیار امام (علیه السلام) قرار می دهید تا دوهزار برابر اجر و فائده برای آن تعریف شده است.(2)بنابراین ما یک حرف اولیه ای داریم و آن این است که ما جامعه اسـلامی را در بخش اقتصاد و در بخش غیراقتصاد دعوت می کنیم که به مفهوم «سود ارتباطی» توجه کنند. مفهوم سود ارتباطی آنقدر در اسلام مهم است که دستور داده شده است که اموالتان را خرج تنظیم روابط انسانی کنید تا سود ارتباطی به دست بیاید.

2/2/2. حوزه های سیزده گانه روابط انسانی؛ محل هزینه کرد پول و مال در اسلام

در همه جـا وقتی بحث سود و مال در اسـلام مطرح می شود؛ محل هزینه کردِ پول و مال، تنظیم روابط انسانی است: یا مال را بایـد در اختیار "خانواده" قرار داد(3) و خانواده هم بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی است، یا باید پول را در قالب هدیه به "رفقاء" داد(4)؛

1- . ارجـاع پژوهشـی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْـحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْـدِ اللَّهِ ع قَـالَ: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشَرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةَ عَشَر. امام صادق(علیه السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجـده برابر است. و در روایت دیگر: پـانزده برابر. مصـادر روایت: الكافي، ج 4، ص 33 / من لا يحضـره الفقيه، ج 2، ص 58 الصَّدُوقُ فِي الْهِدَايَـةِ: قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشَرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ وَ إِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا امام صادق (علیه السـلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسـی که قرض می گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می دهد، ولی کسـی که صدقه می گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست. منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 100، ص 139 / مستدرك الوسائل، ج 12، ص 364

2- . ارجـاع پژوهشـی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَـى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْـدِ اللَّهِ ع قَالَ: دِرْهَمٌ يُوصَلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفَيْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِيمَـا سِوَاهُ مِنْ وُجُوهِ الْبِرِّ. امـام صـادق(علیه السـلام): یک درهم که به وسـیله آن با امام وصل شوی(در راه امام خرج کنی)، برتر است از دوهزار هزار درهمی در غیر آن از کارهای خیر. مصادر اصلی: الكافي، ج 1، ص 538 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 73

3- . ارجاع پژوهشـی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَـى بْنِ بَكْرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَـالِهِ كَـانَ كَالْمُجَاهِـدِ فِي سَبِيـلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَـلَّ فَـإِنْ غُلِبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْـتَدِنْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ مَـا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ ... امام کاظم (علیه السـلام): هر کس این روزی را از حلالش بجویـد تا آن را برای خود و خانواده اش فراهم آورَد، مانند مجاهدِ در راه خداوند عز و جل است. پس اگر درماند، آنگاه به امیـد خـدا و پیامبر او، به اندازه قوت خانواده اش باید قرض کند... مصادر اصـلی: الكافي، ج 5، ص 93 / تهذيب الأحكام، ج 6، ص 418 / قرب الإسناد، ص 340

4- . ارجاع پژوهشـی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْـدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَأَنْ أُهْـدِيَ لِأَخِي الْمُسْـلِمِ هَدِيَّةً تَنْفَعُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا. امام صادق (علیه السـلام) از امیرالمومنین (علیه السـلام): اگر به برادر مسلمان خود هدیه ای دهـم که به کارش آید، خوشتر است نزد من از اینکه همانند آن هدیه صدقه دهم. مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 144 / تهذيب الأحكام، ج 6، ص 380 عن رسول الله صلى الله عليه و آله: الْهَـدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ وَ تُجَـدِّدُ الْأُخُوَّةَ وَ تُذْهِبُ الضَّغِينَةَ وَ تَهَادَوْا تَحَابُّوا... پیامبر خدا (صـلی الله علیه و آله): هدیه دادن محبّت می آورد و برادری را نگه می دارد و کینه و دشـمنی را می برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید. مصدر اصلی: عوالي اللئالي العزيزية، ج 1، ص 294 منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 74، ص 166

که یک بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی است. یا باید از پول مال برای رسیدگی به امور "فقراء"(1) و "ایتام"(2) استفاده کرد؛ که باز مصداق تنظیم روابط انسانی است. باید دقت کرد که پول و مال کمک به تقویت "دشمن" نکند؛(3) چون اگر شما خودتان به تقویتدشمن کمک کردید، دشمن روابط انسانی شما را به چالش می کشد. الان مثلا وقتی شما دارید از لباس خارجی استفاده می کنید (ابتدا از خود ما طلبه ها شروع کنیم) وقتی لباس ما و عمامه ما از جنس لباس خارجی است، این باعث کمک به تولیدکننده آن خواهد شد. من شنیدم این پارچه های عمامه ای که معمولا طلبه ها از آن استفاده می کنند از یک جنسی است به نام "وال هندی" که بودائیان هند آن را تولید می کنند؛ دقیقاً همان بودائیانی که در همین ایام گذشته شروع کردند به نسل کشی مسلمان در میانمار و در جاهای دیگر! یعنی عوائد مالی خرید از کفار اینطور خواهد شد. همه تجارت هایی که منجر می شود به تقویت کفار نتیجه اش می شود اختلال در روابط انسانی. بنابراین باید مواظبت کنید که پول و مال کمک نکند به کسی که به دنبال ایجاد اختلال در روابط انسانی ای که در سطح قتل و نزاع است. و همانطور که عرض کردم مهم ترین مصرف مال و پول در اسلام، امداد امام (علیه السلام) است که بر همه موارد قرض به یتیم و فقیر و حوزه خانواده و ... مقدم است. ما در سابق یک کار اجمالی انجام دادیم و آمدیم با

1- . ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع: إِذَا أَكَلَ أُتِيَ بِصَحْفَةٍ فَتُوضَعُ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِ شَيْ ءٍ شَيْئاً فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الآيَةَ- «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» ثُمَّ يَقُولُ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْدِرُ عَلَى عِتْقِ رَقَبَةٍ فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ. امام ابوالحسن الرضا (علیه السلام) هرگاه غذا می خورد، قدحی برایش می آوردند و کنار سفره اش می گذاشتند و حضرت از بهترین غذاهایی که برایش می آوردند مقداری برمی داشت و در آن قدح می گذاشت و سپس دستور می داد آن را به مستمندان بدهند و آنگاه این آیه را تلاوت می کرد: «نخواست به گردنه پا نهد». سپس فرمود: خداوند عزّوجلّ می دانست که هر انسانی توانایی آزاد کردن بنده (فکّ رقبه) را ندارد، از این رو راه [های دیگری مانند اطعام هم برای] رسیدن به بهشت برای آنان قرار داد. مصادر اصلی: المحاسن، ج 2، ص 392 / الكافي، ج 4، ص 52 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 471

2- . ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص لِعَلِيٍّ ع قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ كَفَى يَتِيماً فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يَسْتَغْنِيَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ يَا عَلِيُّ مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّماً لَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ای علی! هر کس یتیمی را از دارایی خود برخوردار کند تا بی نیازش سازد، بهشت بر او واجب می شود... مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 372 / السرائر (ابن ادریس)، ج 3، ص 621 / مكارم الأخلاق، ص 444 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 16، ص 338

3- . ارجاع پژوهشی: عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ- فَقَالَ لِي: « يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَ لَا مَدَّةَ قَلَمٍ؛ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئاً إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ.» الْوَهْمُ مِنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ.» ابوبصیر می گوید: «از امام باقر علیه السلام درباره کارهای آنان [همکاری با کفار و ظالمین] سؤال کردم. امام علیه السلام به من فرمود: ای ابومحمد! نه و حتی به اندازه آغشته کردن قلمی به مرکب [با آنان همکاری نکن] هیچ کس به چیزی از دنیای آنان نمی رسد مگر آن که (یا تا آن که) آنان به همان اندازه از دینش را بربایند.» تردید در حدیث از جانب ابن عمیر، یکی از راویان آن است. مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 107 / تهذيب الأحكام، ج 6، ص 331 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 17، ص 179 / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج 22، ص 546 حدثنی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:« إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظَّلَمَةِ وَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاةً أَوْ رَبَطَ كِيساً أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.» « امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجایند یاری دهندگان به ستمکاران؟! و کسانی که برای آنان دواتی لیقه کردند، یا درِ کیسه ای برایشان بستند، یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟! [آن گاه خطاب می رسد:] آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید.» مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص 260 / جامع الأخبار(للشعيري)، ص 155 / أعلام الدين(ديلمی)، ص 408 منابع دیگر: وسائل الشيعة؛ ج 17، ص 180 / بحار الأنوار، ج 72، ص 372

استفاده از "قاعده بیان مبتنی بر کمّ"،(1)

اعدادِ اجرِ مصـرف مال و پول را با هم مقایسه کردیم که یک طبقه بندی ای از آن ایجاد شد. که اگر شما این طبقه بندی را کامل کنید و در اختیار مردم و طلبه ها قرار بدهید، مردم محاسبه می کنند که اگر پول خود را در کجا خرج کنند، کجا سود ارتباطی بیشتری به دست می آورند. که این جزو این بخش است.

3/2/2. تنظیم روابط انسانی؛ غرض از تولید ثروت در اسلام

1/3/2/2. لزوم توجه به عدم اختلال در روابط انسانی در راستای تولید ثروت؛ لازمه تنظیم روابط انسانی

بنـابراین حرف اول ایـن است که: بله؛ مسـاله ارزش افزوده مهم است، ولی مهم تر از ارزش افزوده و تولیـد ثروت این است که غرض از تولیـد ثروت تنظیم روابط انسانی است. بنابراین نبایـد در فرآینـد تولید ثروت، اختلال در روابط انسانی به وجود بیاید. چون نفی غرض اتفاق می افتد. کسانی که می آیند با مدل تولیـد صـنعتی تولید ثروت ایجاد می کنند مثل الان که مثلا بنگاه هایی که در تهران است ولی کارمندان و کارگران آنها از کرج می آیند؛ اینها کارگرانشان را مجبور می کنند که 8 ساعت برای آنها کار کنند، 2 ساعت برای آمدن و 2 ساعت برای رفتن وقت می گذارند؛ یعنی به اسم تولید ثروت 12 ساعت از وقت یک نفر را اشغال می کنند. وقتی این 12 ساعت از وقت اشـغال شد؛ نتیجه نهایی بحث چه می شود؟ اختلال در روابط انسانی می شود. شما چون به دنبال تنظیم روابط انسانی به وسـیله مال هستیـد (و اساسا مال ابزار تنظیم روابط انسانی است) نبایـد در فرآیند تولید مال و ثروت اختلال ایجاد کنید. پس این یک بحث اولیه است. من این بحث را در مقابل "کینز" مطرح کردم؛ ما معتقدیم که "کینز" در مساله سود حداقلی بحث کرده است و او و تابعینش معتقد هسـتند که سود یعنی ارزش افزوده، سود یعنی بهره وری، سود یعنی سود صـنعتی، و یـا حـداکثر سود یعنی سود اجتمـاعی (به معنای برنامه ریزی برای جلوگیری از شورش اجتماعی و اختلال کلان در جامعه). ما در اسـلام معتقدیم که باید به دنبال سود ارتباطی باشـیم. ببینید؛ هنوز وارد بحث پول نشده ایم و ابتدا داریم مبنای نظری خودمان را تصویر می کنیم. بله؛ تاکیـد می کنم کسـی که "منکیو" می خوانـد نمی توانـد تحلیل جدیـدی از سود پیـدا کند. کسـی که "دکارت" (Descartes) می خواند یا کتاب دکارت را ترجمه می کند؛ وقتی می خواهد به توسـعه کشور فکر کند نمی تواند تنظیم روابط انسانی و سود ناشـی از آن را مبنای برنامه ریزی قرار دهد. این مشکلی است که ما داریم.

4/2/2. رابطه انسـان بـا امـام، رابطه انسـان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شـریک شـغلی، رابطه انسـان بـا دشـمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با ابن سبیل و رابطه انسان با مهمان؛ حوزه های سیزده گانه روابط انسانی در راستای کسب سود ارتباطی

اشاره

خب؛ (من در اینجـا فقط اشاره می کنم که) سود ارتباطی هم سـیزده محل دریافت اصـلی دارد. یعنی سـیزده حوزه اصـلی دارد، همان سـیزده حوزه روابط انسانی که همیشه بحث می کنیم: رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شـریک شـغلی، (مثلاـ اگر شـما مبنا را سود ارتباطی قرار بدهیـد، در طرف کسب قائل به اقاله می شویـد. اما اگر شـما سود ارتباطی را قبول نکنیـد و مبنا را ارزش افزوده قرار بدهید، بالای مغازه تان می نویسید: "جنس فروخته

1- . ارجاع پژوهشـی: "قاعـده بیان مبتنی بر کم" یکی از قواعد نُه گانه فقه البیان است. فقه البیان یکی از ابواب نُه گانه فقه هدایت است که خود دارای 9 باب بحثی است که در مجموع، قواعـد تخاطب منجر به هـدایت را تبیین می کنـد. برخی از قواعـد دیگر فقه البیان عبارتنـد از: بیان مبتنی بر ظرفیت (قـدر)، بیان مبتنی بر تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح.

شـده پس گرفته نمی شودغ حتی شـما." و همینطور محکم می ایستید. بنابراین مفهوم "اقاله" (1)از دست می رود. وقتی شـما سود ارتباطی را اصل قرار می دهید، مفهوم "خیار"(2) فهم می شود. وگرنه به لحاظ ادبیات اقتصادی موجود نمی توانیـد از مفهوم خیار دفاع کنید. همه مفاهیم فقهیِ شـما وابسـته به درک این اصل بنیادین است.) رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان بافقیر، با یتیم، با ابن سبیل(3)،

بـا مهمـان. همه این حوزه هـا حوزه هـای کسب سود ارتباطی است. من تاکیـد می کنم که روایات ما به صورت تفصـیلی در همه این سـیزده حوزه تعیین تکلیف کرده اند که مال برای این سـیزده حوزه مصرف شود. که یک بخش عمده اش مربوط به خانواده و معیشت خانواده است. و نتیجه اش این می شود که سود به دست می آید؛ روایت دارد که: «الکادّ لعیاله

1- . ارجاع پرورشـی: اقاله: بر هم زدن عقـد، فسـخ معامله. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السـلام ج 1، ص 598 یکی از مسـتحبات و آداب تجارت آن است که: اگر مشتری به هر دلیلی از معامله ای که انجام داد پشـیمان شد، فروشنده از او قبول کند و معامله را فسخ کند. ارجاع پژوهشی: روایاتی در مورد "اقاله": أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِماً فِي بَيْعٍ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. امام صادق (علیه السـلام): هر بنده ای که پشـیمانیِ مسلمانی از معامله اش را بپذیرد، خداوند نیز لغزش او را در روز قیامت بپذیرد. مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 153 / تهذيب الأحكام، ج 7، ص 8 المؤمن)حسين بن سعيد اهوازى)، ص 51 / من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 196 / مصادقة الإخوان(شـيخ صدوق)، ص 72 (بـا اضـافه "نَدَامَةً" فِي الْبَيْعِ...) منابع دیگر: وسائل الشـیعة، ج 17، ص 386 حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ نَادِماً أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانَ أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَزَباً. امام صادق (ع) فرمود: چهار کس را خداوند روز رستاخیز مورد نظر قرار دهد: آنکه معامله پشیمان از معامله را پس بگیرد یا بفریاد ستمدیده ای برسد یا بنده ای را آزاد کند یا جوان بی زنی را زن بدهد. مصادر اصلی: الخصال، ج 1، ص 224 / مشكاة الأنوار)طبرسى)، ص 149 منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 100، ص 218 / وسائل الشيعة، ج 17، ص 387 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمْ يَأْذَنْ لِحَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ بِالتِّجَارَةِ حَتَّى ضَمِنَ لَهُ إِقَالَةَ النَّادِمِ وَ إِنْظَارَ الْمُعْسِرِ وَ أَخْذَ الْحَقِّ وَافِياً وَ غَيْرَ وَافٍ. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حکیم بن حازم اجازه تجارت نداد، تا اینکه برای حضرت چهار چیز را ضمانت کند: 1- پذیرش فسخ معامله از کسـی که پشیمان شود، 2- کسـی که تنگـدست است (در پرداخت بدهی) به او مهلت بدهد، 3- حق خود را کامل و غیرکامل بگیرد.(بر مردم سـخت نگیرد) مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 151 / تهذيب الأحكام، ج 7، ص 5 منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 17، ص 386

2- . ارجاع پرورشی: خیار: تسلّط بر فسخ و امضای عقد... به جهت ثبوت حقّ فسخ برای وی بر اثر تحقق یکی از اسباب آن. اقسام خیار: شمار خیارها در کلمات فقها با اختلاف ذکر شـده است. برخی تا چهارده قسم برشـمرده انـد: خیار مجلس، خیار حیوان، خیار شـرط، خیار تأخیر، خیار مایفسـد من یومه، خیار رؤیت، خیار غبن، خیار عیب، خیار تـدلیس، خیار اشتراط، خیار شـرکت، خیار تعـذّر تسـلیم، خیار تبعّض صـفقه، و خیار تفلیس. بسـیاری از فقها به هفت، برخی به پنـج و برخی دیگر به هشت قسم آن بسـنده کرده انـد. فرهنگ فقه مطابق مـذهب اهل بیت علیهم السـلام، ج 3، ص 538 ابواب، مسائل و روایات در مورد "خیار" بسـیار است؛ در اینجا به ذکر دو روایت در مورد "خیار مجلس" اکتفاء می شود: ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ وَ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْبَيِّعَانِ بِالْخِيَارِ حَتَّى يَفْتَرِقَا ... رسول خدا (صـلی الله علیه و آله): خریدار و فروشنده هر دو خیار دارند تا وقتی که از هم جدا شوند... مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 170 / تهذيب الأحكام، ج 7، ص 24 عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ بَيْعاً فَهُمَا بِالْخِيَارِ حَتَّى يَفْتَرِقَا فَإِذَا افْتَرَقَا وَجَبَ الْبَيْعُ... امام صادق (علیه السـلام): هر مردی از مرد دیگری چیزی را بخرد؛ هر دوی آنها خیار دارنـد تا اینکه از هم جـدا شونـد؛ پس هرگاه جدا شدند، بیع لازم می شود (خیار مجلس از بین می رود)... مصادر اصـلی: الكافي، ج 5، ص 170 / من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 201 / الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج 3، ص 72 / تهذيب الأحكام، ج 7، ص 20

3- . ارجاع پرورشـی: ابن السّبیل: مسافر در راه مانده. به مسافر در راه مانده و نیازمند، ابن السّبیل گفته می شود؛ هر چند در شـهر خود دارای مال و سرمایه باشـد. ابن السّبیـل به این معنـا در قرآن و روایات نیز به کار رفته و در باب های زکات و خمس از آن بحث شـده است. فرهنگ فقه مطابق مـذهب اهل بیت

عليهم السلام، ج 1، ص 221

کالمجاهد فی سبیل الله»(1). بله؛ مـال تولیـد ثروت می کنـد، منتها «لعیاله» (این خیلی مهم است)، نه برای اینکه کَنز (گنـج) تهیه کنـد، بلکه برای اینکه خانواده ی خودش را مهیا کنـد. [در اینصورت است که می شود] «کالمجاهد فی سبیل الله». در سایر حوزه ها هم روایت مجزا دارد. بنابراین مال [در نگاه اسـلام]، هدف نیست برخلاف آنچه که اقتصاددانان گفته اند. لذا شـما می بینید که می گویند: دستیابی به رشد مثلا 8 درصدی. نامزدهای انتخابات موجود هم همین را می گفتنـد که ما باید به رشد 8 درصـدی دست پیدا کنیم. این رشد 8 درصدی فقط برای بخش اقتصاد نیست؛ بلکه اصـلاً هدف اصلی توسعه، تولیـد ثروت است. ولی ما می گوییم هدف اصـلی جامعه اسـلامی تنظیم روابط انسانی است. بله؛ تاکید می کنم که یکی از پایه ها و مواردی که کمک می کنـد به تنظیم روابـط انسانی، مال است (که حالا پول بخشـی از مال محسوب می شود.) ولی تفکر صـحیح هم هست، عاطفه هم هست، موارد دیگری هم هست، مدارا هم خیلی کمک می کند در تنظیم روابط انسانی. و اینها انعکاس در هم پیدا می کنند و تنظیم روابط انسانی اتفاق می افتد.

من فکر می کنم برای جلسه امروز این بحث مبـانی نظری کفـایت می کنـد. البته اجـازه بدهیـد در یـک وقت دیگری باز هم راجع به آن بحث کنیم. بیش از نزدیک 100 سال و شاید هم بیشتر است که این بحث ها دارد در دانشگاه های ما تدریس می شود. به دانشجوی من و شما، به فرزند من و شما، به دختر من و شـما در دانشگاه آموزش می دهند که: سود یعنی ارزش افزوده. و محدود به این مفهوم با آنها بحث می کنند. خب؛ معلوم است که وقتی تفکرش مبتنی بر این شـکل می گیرد، دیگر نمی توانـد در فراینـد جامعه سازی و مدل پردازی [تمدنی] به شـما کمک کند. شـما باید حتما همّت کنید و درک از سود را [در تفکر آنها] ارتقاء بدهید.

1/4/2/2. ساختار مالی حمایت از امام؛ یکی از مصادیق تنظیم رابطه انسان با امام

1/1/4/2/2. انفال، خمس، خراج و طسوق؛ بخشی ازمصادیق ساختار مالی حمایت از امام

که حالا خیلی دوست می داشـتم راجع به ساختار مالی حمایت از امام بحث کنم که یک وقت تفصـیلی برای خودش می خواهـد. که ما "انفال" را در اینجا معنـا می کنیم. « یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْأَنْفـالِ قُـلِ الْأَنْفـالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ »(2) انفـال یـک مجموعه مـالی عظیم است که بایـد در اختیـار امام (علیه السـلام) قرار بگیرد.(3)

برای چه باید این کار انجام بگیرد؟ برای اینکه امام (علیه السلام) تنها کسی است که

1- . ارجاع پژوهشـی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. امام صادق (علیه السلام): آن که خانواده خویش را روزی می دهد، مانند مجاهدِ در راه خدا است. مصدر اصلی: الكافي، ج 5، ص 88

2- . ارجاع پژوهشـی: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفالِ قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (سوره مبارکه انفال، آیه 1) از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالك معینی ندارد] می پرسند، [که مالك آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیّتِ حقیقیِ] انفال ویژه خدا وپیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسـبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصـلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (ترجمه انصاریان)

3- . ارجاع پژوهشـی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ هِيَ الْقُرَى الَّتِي قَدْ خَرِبَتْ وَ انْجَلَى أَهْلُهَا فَهِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ مَا كَانَ لِلْمُلُوكِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَرْضِ الْخَرِبَةِ لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ الْمَعَادِنُ مِنْهَا وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلًى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ. اسـحاق بن عمار می گویـد: از امام صادق(علیه السـلام) در مورد "انفال"سوال کردم . حضـرت فرمود: انفال روسـتاهایی که خراب شـده انـد و اهل آن آن را رها کرده اند؛ همه برای خدا و رسول است. و همچنین اموال پادشاهان است، برای امام است. و زمین ویرانی که با اسب دوانـدن و لشگرکشـی فتـح نشده است، و هر زمینی که صاحب ندارد، و معادنِ زمین، و هرکسـی که مُرده باشد و سرپرستی نداشـته باشد مالش جزو انفال است. مصدر اصـلی: تفسير القمي، ج 1، ص 254 منابع دیگر: وسائل الشـيعة، ج 9، ص 532 / بحار الأنوار، ج 93، ص 213 جهت مشاهده بخشی از روایات و آیات مربوط به گستره عظیم "انفال" ر،ک پیوست شماره 7.

می توانـد تنظیم روابـط انسانی را انجام بدهـد. حتی فقیه که در درجه بعـد از امام است؛ با فاصـله بسـیار از امام تنظیم روابط انسانی را درک می کنـد. خود شخص امام (علیه السلام) باید باشد تا تنظیم صحیح روابط انسانی را انجام بدهد. لذا مساله انفال را باید بحث کنیم. مساله "خمس"(1)

بعد از مساله انفال مطرح است، مساله "زکات" هم همینطور. می دانید که حضـرت عُمّال زکات داشتند. ماهمه اینها را فراموش کرده ایم و الان در جامعه ما نیست. خود این ساختار بایـد بحث شود: یعنی تنظیم روابط انسانی بایـد اصل قرار بگیرد، بعـد از آن "ساختار مالی حمایت از امام" هم باید مفصل بحث و گفتگو شود. و چون این مبـاحث گفتگو نمی شود مـا دچـار مشـکلات و گرفتاری هایی می شویم. ما سابق بر این زمان در زمان ائمه (علیهم السـلام) و در زمـانی که فقه یـک مقـداری پررنگ تر بوده، عُمّال زکات داشـته ایم. عُمّال "طَسوق"(2) داشـته ایم، مجموعه کـارگزارانی داشـته ایم که مساله "خراج" (3)را مدیریت می کرده اند. که باز اینها اموالی است که در اختیار امام است. که ان شاء الله بعدا اگر فرصتی شد اینها را بحث خواهم کرد.

1- . ارجاع پرورشـی: خمس عبارت است از ثبوت حقّی به مقـدار یك پنجم در اموال انسان که خداوند برای خود، رسول خدا صـلّی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السّلام و- به جای صدقه و زکات- برای مستحقان از بنی هاشم، بر بندگان واجب کرده است. عنوان خمس در قرآن کریم به کار رفته و در فقه بابی مسـتقل بدان اختصاص یافته است. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج 3، ص، 495 ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْـدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَـفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْـكَانَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَـلَ: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمـا غَنِمْتُمْ مِنْ شَـيْ ءٍ فَـأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِـذِي الْقُرْبى وَ الْيَتـامى وَ الْمَسـاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيـلِ». فَقَالَ: أَمَّا خُمُسُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلِلرَّسُولِ يَضَـعُهُ فِي سَبِيـلِ اللَّهِ وَ أَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ فَلِأَقَارِبِهِ وَ خُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَى فَهُمْ أَقْرِبَاؤُهُ وَ الْيَتَامَى يَتَامَى أَهْلِ بَيْتِهِ فَجَعَلَ هَـذِهِ الْأَرْبَعَـةَ أَسْـهُمٍ فِيهِمْ وَ أَمَّا الْمَسَاكِينُ وَ ابْنُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَرَفْتَ أَنَّا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ لَا تَحِلُّ لَنَا فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَ أَبْنَاءِ السَّبِيلِ. زکریا بن مالك گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم معنای این آیه را (سوره انفـال آیه 31) «بدانیـد که چون غنیمت بـدست شـما برسـد پنـج یك آن از آن خدا است و از آن رسول و از آن خویشان پیغمبر و یتیمان و تهی دسـتان و آواره گان». فرمود: اما سهم خداوند از خمس در اختیار پیغمبر است که هر جا خواهد مصرف میکند و اما سهم رسول از خمس از آن خویشان او است و سـهم ذوی القربی که خویشان پیغمبرند با سـهم یتیمان که مقصود یتیمان از خاندان پیغمبرند این چهار سـهم مخصوص خاندان پیغمبر است و اما سهم تهی دسـتان و آواره گان میـدانی که ما صدقة (زکاة) نمیخوریم و بر ما حلال نیست (و در عین حال رعایت حال مساکین و تهی دسـتان نیز لازم است) لذا دو سهم از خمس مخصوص تهی دستان و آواره گان از سادات است.(ترجمه فهری) مصادر اصلی: تهذیب الأحکام، ج 4، ص 125 / الخصال، ج 1، ص 324 سـند خصال: حَـدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَضِـيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَـدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَـدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْـمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْـكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ مَالِكٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 42 (و فیه: سَأَلَ زَكَرِيَّا بْنُ مَالِكٍ الْجُعْفِيُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع) تفسیر العیاشي، ج 2، ص 63 منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج 9، ص 509 / بحار الأنوار، ج 93، ص 202

2- . ارجاع پرورشـی: الطَّسْقُ و الطُّسُوقُ. الطَّسْقُ کفلس: الوظیفة من خراج الأرض المقررة علیها، فارسي معرب. طسق و طسوق: آنچه از مالیات مقررشده از زمین گرفته می شود. النهایه)ابن اثیر)، ج 3، ص 124 / مجمع البحرین، ج 5، ص 207 الطَّسْق: ما يُوضَع من الوَظِيفة على الجُرْبانِ (المزارع) من الخَراج المقرَّر على الأَرض، فارسي معرب. ...و في التهذيب: الطَّسْق شِبْه الخَرَاج له مقدار معلوم، و ليس بعربيّ خالص. و الطَّسْقُ: مِكيال معروف. طسق: آنچه بر مزارع از مالیات مقرر بر زمین وضع می شود ...شبیه خراج (مالیات) است که مقـدار مشخصـی دارد ... یک مکیال مشخصـی است. لسان العرب، ج 10، ص 225

3- . ارجاع پرورشـی: يطلق الخراج في الفقه على غلة كل أرض محياة أخذها المسـلمون من الكفار عنوة فصارت لجميع المسـلمين إلى آخر الدنيا، و على غلة كل أرض انجلى عنها أهلها و تركوها رغبة عنها أو خوفا من المسـلمين، فما أخذه الوالي من غلة هذه الأراضي فهو خرج و خراج، و قد يطلق على الجزية و هي ما يضـربه السـلطان على رؤوس أهل الذمة أو على أراضيهم. "خراج" در فقه اطلاق می شود بر غله هر زمین احیاء شده که مسلمانان از کفار گرفته اند؛ پس تـا آخر دنیـا برای تمام مسـلمانان است. و همچنین اطلاق می شود بر هر زمینی که اهلش آن را رها کرده انـد و روی گردان شـده انـد و یا اینکه از ترس مسـلمانان آن را رها کرده اند. پس آنچه والی از غله این زمین ها دریافت می کند را "خرج" یا "خراج" می نامند. و گاهی هم بر "جزیه" (مالیاتی که سـلطان بر اهل ذمه و زمین های آنان قرار می دهد) اطلاق می شود. مصطلحات الفقه(مشکینی)، ص 225

5/2/2. لزوم ارتقاء مفهوم سود در اذهان نخبگان از سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ لازمه ایجاد تحول و جهش در آینده اقتصادی کشور

پس این سرفصل اول. من دارم با برادران انقلابی خودم صحبت می کنم من حالا خیلی کار ندارم با برادرانی که خیلی اعتقادی به تفکر انقلاب ندارند. عرض بنده در سرفصل اول این است که: دوستان محترم! نامزدهای عزیز ریاست جمهوری! تئوری های اقتصادی ای که شما در این گفتگوهای تلویزیونی مطرح کردید مبتنی بر یک تعریف جدید از سود نبود؛ پس چرا می گویید می خواهید کشور ایران را بیش از اداره جهش بدهید؟! جهش در موقعی صورت می گیرد که یک مفهوم جدیدی مطرح شود. ما برخی از اقتصاددانان همراه این نامزدهای ریاست جمهوری را می شناسیم و می دانیم که اینها چه کتاب هایی را خوانده اند، چه بحث هایی را مطرح کرده اند، مقالات ایشان را می بینیم، گاهی وقت ها با همین دوستان انقلابی خودمان گفتگو و مناظره و جدال احسن کرده ایم. اولین اشکال بنده به این دوستانی که می گویند ما اقتصاد انقلابی و اقتصاداسلامی را بحث می کنیم این است که این دوستان مفهوم سود را در ذهنیت خودشان ارتقاء نداده اند؛ چون به فقه پناه نبرده اند، چون موقعی که داشتند درس می خواندند فقه المکاسب نخواندند، بلکه کتاب منکیو را خواندند. خیلی مهم است که چارچوب ذهنی شما استوار و مبتنی بر دین باشد. این سرفصل اول است که یک بحث مختصری در رابطه با آن انجام دادیم.

3. سرفصل دوم: تعریف پول در تامین "سود ارتباطی" چه نقشی دارد؟

اشاره

حالا برمی گردیم به سرفصل دوم. سرفصل دوم این است که حالا پول چه نقشی دارد در تنظیم روابط انسانی یا در ایجاد سود ارتباطی؟ ببینید؛ دو بحث این مساله را معلوم می کند. خواهش می کنم این بحث دوم را هم دقت کنید. بخش اول این است که: اولاً باید بحث کنیم که پول در اسلام چیست؟ آیا پول، اعتبار است؟ و اگر بپذیریم که پول اعتبار است چه اتفاقی برای تنظیم روابط انسانی می افتد؟ آیا سود ارتباطی که ناشی از تنظیم روابط انسانی است تامین می شود یا نه ما دچار مشکل می شویم؟ این یک بحث و سرفصل اولی است که باید راجع به آن بحث کنیم.

سرفصل دوم هم این است که من یک روایتی را می خواهم در ذیل آیه 103 از سوره توبه «خُذ من اموالهم صدقه...» بخوانم؛ که در ماه مبارک رمضان نازل شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) منادی خود را در شهر مدینه فرستادند و فرمودند که برو به مردم بگو که آیه نازل شده که باید زکات بدهید. خیلی نکات مهمی ذیل آیه 103 است که این را بحث خواهم کرد تا مساله یک مقدار واضح شود.

1/3. بررسی تعریف "پول" در اسلام:

1/1/3. بررسی موضو ع شناسانه تعریف پول در اسلام:

1/1/1/3. نقض "تسلط" مردم بر اموال خود؛ لازمه پذیرش تعریف پول اعتباری

اشاره

بحث اولی که کمک می کند این است که الان اگر تعریف پول را به اعتبار بپذیرید. یعنی چه؟ یعنی اینکه بگویید که خود پول ارزش نداشته باشد. مثل الان که اسکناس ارزش ندارد، خود رمزارزها ارزش ندارند، تبادلات مالی ای که ما با این دستگاه های عابربانک انجام می دهیم و این پول الکترونیکی که وجود دارند هیچکدام ارزش ندارند و اعتبار هستند. و یک اعتبار و ارزشی [به آنها اعطاء شده است و ارزش ذاتی ندارند].

اگر شما این فرض را بپذیرید سلطه بعضی بر بعضی دیگر تامین می شود. شما می دانید مُخل ترین مفهوم به تنظیم روابط انسانی، مفهوم سلطه است. یعنی شما آزادی اختیار را از بعضی بگیرید و به بعضی دیگر بدهید. که در اینصورت اساسا دیگر فرد بر اموال خودش مسلط نیست، بر اراده خودش مسلط نیست. و آن عباراتِ «النّاس مُسلَّطُون» در عمل و در عینیت منتفی می شود. خب؛یک مقداری در عرائض بنده دقت بفرمایید: وقتی شما می گویید که پول، اعتبار است؛ یعنی یک مجموعه ای می نشینند و این اعتبار را محاسبه می کنند. (من الان کاری هم ندارم که بر حسب چه معادله ای محاسبه می کنند) و مثلا می گویند ارزش اسکناس اینقدر است، ارزش ریال اینقدر است، ارزش دلار اینقدر است. و یک کارهایی را هم در راستای آن انجام می دهند و شما می دانید که اسم این کارها «سیاست های پولی و مالی» است. یک مجموعه اقداماتی را در بخش "عرضه"(1)، در بخش "تقاضا" (2)

انجام می دهند، سعی می کنند "طرف عرضه" و "طرف تقاضا" را تقویت کنند و یک مجموعه کارهایی را انجام می دهند. مثلا می آیند محاسبه می کنند که ما امسال چه مقدار "تولید ناخالص ملی" داشته ایم، بعد می گویند به اندازه آن برویم اسکناس چاپ کنیم. خب؛ ممکن است که در محاسبه تولید ناخالص ملی دچار اشتباه بشوند که آنوقت اثر آن در "چاپ اسکناس" ظاهر می شود. یا نه مثلا دولتی دچار کسری بودجه می شود؛ بدون اینکه تولید ناخالص ملی یا پشتوانه های دیگری داشته باشد، به بانک مرکزی دستور می دهد که اسکناس چاپ کند. وقتی اسکناس چاپ می شود، قوّتِ طرف تقاضا بالا می رود؛ در حالیکه شما به دلیل فقدان تولید و یا تولید ضعیف، طرف عرضه را تضعیف کرده اید. بنابراین ارزش پول ملی کاهش پیدا می کند؛ چون همیشه ارزش [پول ملی] در صورتی تعادل پیدا می کند که شما آن را در مکانیزم "عرضه و تقاضا" (3) ببینید. وقتی قرار باشد که تقاضا 3 برابر باشد و عرضه 1

1- . ارجاع پرورشی: عرضه (Supply): یک مقدار کالای اقتصادی که برای فروش در بازار موجود است. عرضه به معنای محدود آن مقداری از کالاهای اقتصادی است که به قیمت معین و در زمان معین برای فروش آماده می شوند. اصطلاح عرضه به معنای وسیع تر یعنی آن مقدار کالای اقتصادی که به قیمتهای ممکنه در یک زمان معین پیشنهاد خواهد شد. فرهنگ علوم اقتصادی، ص 1192

2- . ارجاع پرورشی: تقاضا؛ مطالبه (1) :(Demand) مقدار کالای اقتصادی که در یک زمان معین به قیمت معین خریده می شود. (2) مقدار کالای اقتصادی که به تمام قیمتهای ممکنه در یک زمان معین خریده خواهد شد. همان، ص 278

3- . ارجاع پرورشی: عرضه و تقاضا (Supply and Demand): یکی از الگوهای اساسی مورد استفاده در اقتصاد است و این بر پایه فرضهای منطقی ساخته شده که خریداران می خواهند کالاها و خدمات را بر هزینه اندک و قابل قبول به دست آورند و فروشندگان می خواهند قیمت بالاتر و قابل قبول را اعمال کنند. همچنین معلوم شده است که خریداران می خواهند مطلوبیت نهایی مخارج خود را بیشینه سازند. این الگو بیشتر در اقتصاد کلی یا اقتصاد کلان قابل اعمال است. همان، ص1193

باشد؛ حتما در آن موقع شما با " کاهش قیمت پول" (1) و مجموعه این مباحثی که در "معادله نشر اسکناس"، "قیمت ارز واسط" و بقیه بحث ها مطرح است، مواجه خواهید شد. من با کیفیت این مباحث کاری ندارم؛ با اصل اینکه یک مجموعه ای بنشینند و ارزش را تعیین کنند و به یک چیز بی ارزش ارزش بدهند، انتقاد دارم.

1/1/1/1/3. احتمال ایجاد خطای در محاسبه، خطای عمد و خطای در شناخت؛ نتیجه

نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

وقتی شما این فرض را می پذیرید ممکن است سه اشکال به وجود بیاید: 1. خطای در محاسبه. 2. خطای عمدی و از روی تعمّد برای اینکه سود بعضی ها را تامین کنند (که حالا شاید هم حزبی های خودشان باشند، یا گروه های اقتصادی وابسته به خودشان)این هم فرض می شود. یعنی شما اختیار را داده اید به آن انسانها. حالا چطوری شما ضمانت می کنید که آنها خطای عمدی انجام ندهند؟! و سود خودشان را در نظر نگیرند؟! این فرض دوم خیلی مُحتمَل است. 3. فرض سومی که اشکال پیدا می کند عدم شناخت از وضعیتِ (پول) است. مسئولینی که تصمیم می گیرند عمدتاً با گزارش تصمیم می گیرند. گزارش از صحنه عینی یک بخش توسط کسی که در مرکز (پایتخت) نشسته، ممکن است گزارش و شناخت دقیقی - مثلا از خود فرایند تولید، موانع تولید و شرایط تولید- نباشد. لذا با این سه اشکال شما حتماً نمی توانید بپذیرید که یک مجموعه ای اعتبار را تعیین کنند.

2/1/1/1/3. مخالفت با قاعده فقهی «الناس مسلَّطون علی اموالهم»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

و برای دوستانی که می خواهند به صورت استظهاری به مساله نگاه کنند: وقتی [این مجموعه] دارند یک اعتبار را تعیین می کنند، از عموم «الناس مُسلَّطون علی اموالهم»(2) بحث را خارج می کنند [و تسلط مردم بر اموال خودشان را از بین می برند] و این برخلاف «الناس مسلطون علی اموالهم» است. چون مثلا وقتی یک میلیون تومان پول در حساب یک شخص باشد؛ چقدر ارزش دارد؟ و چه مقدار کالا می تواند خریداری کند؟ این متوقف بر سیاست های پولی و مالی است. یک روز ارزش آن بیشتر است، و یک روز کمتر! بنابراین «لکم رووس اموالکم لا تَظلِمون و لاتُظلَمون» نقض می شود.

3/1/1/1/3. مخالفت با آیه «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

اگر کسی آمد و پول اعتباری را پذیرفت؛ اعتبار آن را دیگران می نویسند، و ممکن است سه نوع مشکل ایجاد کنند، و در اثر بروز این سه مشکل، «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون»(3)و

«الناس مُسلَّطون علی اموالهم» را نقض می کنند و چالش ایجاد

1- . ارجاع پرورشی: کاهش ارزش پول (Currency Depreciation): تنزّل ارزش پول یک کشور نسبت به یک یا چند پول دیگر است، یعنی کاهش نرخ مبادله و معمولا اشاره دارد به تنزّل نرخهای ارز شناور، حال آنکه منظور از تضعیف پولی (Devaluation) کاهش در نرخ ارز مقرر است. همان، ص 253

2- . ارجاع پژوهشی: قَالَ النَّبِيَّ ص: النَّاسُ مُسَلَّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِم. پیامبر(صلی الله علیه و آله): مردم بر اموال خود مسلط هستند. مصادر اصلی: نهج الحق و کشف الصدق(علامه حلی)، ص 494 و 495 و 504 و 572 / عوالي اللئالي، ج 1، ص 222 و 457 ، و ج2، ص138، و ج3، ص208 منابع دیگر: بحار الأنوار ، ج 2، ص 272 ارجاع پرورشی: عقل عملی بر سلطهٔ انسان نسبت به اموالی که خود حیازت کرده و یا به تلاش و کار خود به دست آورده دلالت دارد و سیرهٔ عقلا نیز همواره در زندگی اجتماعی و دادوستد و معاملاتشان در التزام به این معنی گواه بوده و به حرمت تجاوز به اموال دیگران حکم می نموده است و شرع مقدس اسلام نیز این قاعده را تنفیذ نموده تا جایی که یکی از مسلمات فقه فریقین گردیده و در ابواب مختلف بدان تمسك شده

است. مبانی فقهی حکومت اسلامی(منتظری)، ج 2، ص 285 ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده آیات و روایات در تایید این معنا ر،ک؛ پیوست شماره 8.

3- . ارجاع پژوهشی: « فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ» (سوره مبارکه بقره، آیه 279) واگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید.(ترجمه انصاریان) قسمت دوم این آیه شریفه در جای جای مختلف فقه و همچنین در روایات اهلبیت(علیهم السلام) به عنوان یک قاعده مورد استناد قرار می گیرد؛ برای نمونه: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ انْقُدْنِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَضَعُ عَنْكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ انْقُدْنِي بَعْضَهُ وَ أَمُدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ عَلَيْكَ قَالَ لَا أَرَى بِهِ بَأْساً إِنَّهُ لَمْ يَزْدَدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون. أبان بن عثمان از محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام روایت کند: مردی بدهی مدّت داری به دیگری دارد، طلبکار مراجعه کرده گوید فلان مقدار از طلب مرا نقدا بپرداز و بقیّه را بتو می بخشم، یا اینکه مقداری از طلب مرا نقدا و بقیّه را مدّت طولانی تر بپردازد، آیا در این دو صورت اشکالی هست؟ حضرت فرمود: من اشکالی نمی بینم بشرط آنکه به رأس المال (سرمایه) چیزی اضافه نکند زیرا خداوند می فرماید: «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ». یعنی: برای شما اصل سرمایه اوّلیه شماست نه شما به کسی ظلم می کنید و نه ظلم خواهید شد. مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 259 / تهذيب الأحكام، ج 6، ص 207 / من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 33

می کنند. پذیرش پول اعتباری یعنی پذیرش سلطه کسانی که حکومت بر سیاست های پولی و مالی دارند؛ و آنها مصون از خطا نیستند، مصون از نفسانیت ها و حرص نیستند. بنابراین اختلال در روابط انسانی به وجود می آید. ما در سرفصل قبل گفتیم که مال ابزار تنظیم سیزده نوع رابطه است. شورای اقتصاد و بانک مرکزی را حاکم می کنید بر یکی از ابزارهای اصلی تنظیم روابط انسانی. و او ارزش این را پایین و بالا می برد. لذا شما پدر یک خانواده را می بینید که تا قبل از این بحران های پولی کشور می توانست کرایه خانه خودش را بدهد؛ چون شما سیاست های پولی و مالی را اعمال کردید و ارزش پول او کاهش پیدا کرد؛ حالا او مجبور می شود که خانواده خود را یا به روستا ببرد (که البته این کار تصادفاً کار خوبی است و زندگی شهری زندگی خوبی نیست)، یا اینکه اساسا دیگر نتواند زندگی را ادامه بدهد و آمار طلاق افزایش پیدا کند. ببینید! وقتی شما پول اعتباری را می پذیرید، سلطه تصمیم گیران را می پذیرید. و اینطور نیست که آنها بتوانند درست محاسبه کنند.

2/1/1/3. حفظ "تسلط" مردم بر اموال خود و منتفی شدن خطای در محاسبه؛ لازمه پذیرش تعریف پول غیراعتباری

حالا این فرض را بگذارید در مقابل آن فرضی که پول خودش ارزش دارد؛ وقتی پول خودش ارزش دارد دیگر خطای در محاسبه معنا ندارد، شناخت معنا ندارد، محاسبه غلط میزان دارایی ها و میزان چاپ اسکناس معنا ندارد. هیچکدام از این سه فرض معنا ندارد. الان در بحث میزان پول یک کشور مثلا بانک مرکزی از جمع جبری و جمع های موجودِ ساده استفاده می کند. خیلی از فقهاء اشکال دارند و می گویند: جمع بین پول و شبه پول که نمی تواند میزان نقدینگی را معین کند و باید مثلاـ یک دقت های دیگری انجام داد. خطای در محاسبه [در صورت پذیرش پول اعتباری] خیلی مُحتمَل است، درست محاسبه نمی شود. ولی اگر شما پول دارای مالیت را بپذیرید؛ دیگر ارزش آن محاسبه نمی خواهد. یعنی واقعا ارزش دارد و چه حکومت "الف" چه حکومت "ب" باشد؛ طلا ارزش دارد، نقره ارزش دارد. بنابراین از چنبره سیاست های پولی و مالی نجات پیدا می کند. تعبیر صحیح این است که پول از سلطه سیاست های پولی و مالی خارج می شود و ابزار تنظیم روابط انسانی هم حفظ می شود. پس این یک بحث بنده بود که پذیرش پول اعتباری یعنی پذیرش سلطه سیاست های پولی و مالی و سیاستگذاران این حوزه.

2/1/3. بررسی استظهاری تعریف پول در اسلام:

1/2/1/3. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد آیه 103 سوره مبارکه توبه

یک بحث دیگری داریم که خیلی مهم است: آیه 103 سوره مبارکه توبه چه می فرماید؟ «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَميعٌ عَليم» بنده در قسمت اول آیه حرف دارم و می خواهم در مورد آن صحبت کنم:

آیه 103 سوره توبه می فرماید: « خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ » به پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستور می دهد و امر می کند («خُذ» فعل امر است) و می گوید: « خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ» برو بخشی از اموال مردم را بگیر. بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه کاری انجام دادند؟ روایت عبدالله بن سنان که روایت بسیار مهمی است در فهم مساله پول. می فرماید که «عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمَّا أُنْزِلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ» این آیه، آیه زکات است. «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ أُنْزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» بدانید که این آیه در ماه رمضان هم نازل شده است. «فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيَهُ» پیامبر به صداوسیما و مسئول اطلاع رسانی و اخبار خودش دستور داد: «فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ» پیامبر فرمودند: صدقه در این آیه یعنی زکات. «كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ ...»(1) الی آخر الروایه که محل بحث من نیست. حضرت می فرماید: در این آیه مراد از اموال، طلا و نقره است، یا - به تعبیر فقهاء با کمک روایات دیگر- "نقدین" است.(2)

آقایانی که دنبال این هستند که بدانند نظر اسلام راجع به پول چیست و بحث می کنند که پول اعتبار عقلاء هست؛ از این جمله آیات عبور می کنند! این روایت صریحاً «اموالهم» را تطبیق می کند بر نقدین. یعنی شما پول را در اسلام باید دارای ارزش ذاتی بدانید و مال تلقّی کنید. چرا؟ چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاق کلمه «مال» کردند و در کنار شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش که سایر اقلام زکات هستند؛ ذَهَب (طلا) و نقره را هم جزو مال محسوب کردند. پس از مفاد این آیه می توان نفی پول اعتباری را اثبات کرد.

2/2/1/3. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد برخی از روایات

اشاره

خب؛ به کمک برخی از روایات دیگر که در اینجا وارد شده است این برداشت می شود که: مراد از ذَهب (طلا) و فضّه (نقره)، ذَهب و فضّه عادی هم نیست؛ بلکه ذَهب و فضّه مسکوک هستند که همان پول است.(3)

ما البته در سال های گذشته که در مکاسب بحث

1- . ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لَمَّا أُنْزِلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها» وَ أُنْزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَفْرِضْ لِشَيْ ءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطَّسُوقِ. حسن بن محبوب از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت: امام صادق (علیه السّلام) فرمود: آیه زکات: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها» در ماه رمضان بر او- یعنی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله نازل شد، پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله جارچی خود را فرمود تا در جمع مردم جار زد که خدای تبارك و تعالی زکات را بر شما فرض نموده است، همان طور که نماز را بر شما فرض کرده است، پس خدا زکات را از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از گندم و جو و خرما و مویز بر شما فرض فرموده است. این ندا را در ماه رمضان در جمع ایشان سر داد، و اشیاء دیگر را از زکات معاف داشت. امام علیه السّلام فرمود: آنگاه متعرض چیزی از اموال ایشان نشد، تا سال نو فرا رسید، و ایشان روزه گرفتند، و افطار کردند، پس منادی خود را فرمود تا در جمع مسلمین ندا داد که: آیا ای مسلمانان، زکات اموالتان را بپردازید، تا نمازتان قبول شود. و امام علیه السّلام فرمود: سپس تحصیلداران زکات و عمّال «طسوق» یعنی عمّال خراج- را اعزام فرمود. (ترجمه غفاری، بلاغی، صدر) مصادر اصلی: الكافي، ج 3، ص 497 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 14

2- . ارجاع پرورشی: برای نمونه مراجعه کنید به عناوین ابواب جلد9 از کتاب شریف وسائل الشیعة: أَبْوَابُ زَكَاةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ: بَابُ اشْتِرَاطِ بُلُوغِ النِّصَابِ فِي وُجُوبِ زَكَاةِ النَّقْدَيْنِ (ص150)، بَابُ اشْتِرَاطِ كَوْنِ النِّصَابِ مِنَ النَّقْدَيْنِ ذَهَباً خَالِصاً أَوْ فِضَّةً خَالِصَةً (ص153)، بَابُ اشْتِرَاطِ كَوْنِ النَّقْدَيْنِ مَنْقُوشَيْنِ بِسِكَّةِ

الْمُعَامَلَة (ص154)، بَابُ وُجُوبِ زَكَاةِ النَّقْدَيْنِ مَعَ الشَّرَائِطِ فِي كُلِّ سَنَةٍ (ص166)، بَابُ اشْتِرَاطِ حَوْلِ الْحَوْلِ مِنْ حِينِ الْمِلْكِ فِي وُجُوبِ زَكَاةِ النَّقْدَيْن (ص169).

3- . ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ فِي التِّبْرِ [1] زَكَاةٌ؛ إِنَّمَا هِيَ عَلَى الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ. امام (علیه السلام) فرمود: بر قطعه های طلا و نقره (بدون ضرب) زکاتی نیست؛ همانا زکات فقط بر درهم و دینار (طلا و نقره مسکوک) است. مصادر اصلی: الكافي، ج 3، ص 519 / الإستبصار، ج 2، ص 7 / تهذيب الأحكام، ج 4، ص 7 عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْمَالِ الَّذِي لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ لَا يُقَلَّبُ. قَالَ: يَلْزَمُهُ الزَّكَاةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؛ إِلَّا أَنْ يُسْبَكَ. علی بن یقطین می گوید: از امام کاظم (علیه السلام) سوال کردم در مورد مالی (درهم و دیناری) که به کار برده نشده و تبدیل به چیزی نشده است. امام فرمود: زکات در هر سال بر آن لازم است؛ مگر آنکه ذوب شود (از حالت سکه بودن خارج شود). مصادر اصلی: الكافي، ج 3، ص 518 / تهذيب الأحكام، ج 4، ص 7 / الإستبصار، ج 2، ص 7 وَ رَوَى زُرَارَةُ وَ بُكَيْرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَيْسَ فِي الْجَوْهَرِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ وَ إِنْ كَثُرَ وَ لَيْسَ فِي نُقَرِ [2] الْفِضَّةِ زَكَاةٌ. امام باقر (علیه السلام): در گوهر (جواهر) و اشباه آن زکاتی نیست اگرچه زیاد باشد، و همچنین در نقره ای(فضّه) که به صورت سکه در نیامده هم زکاتی نیست. مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 16 [1](النُّقْرَةُ): القِطْعَةُ الْمُذَابَةُ مِن الفِضَّةِ وَ قَبْلَ الذَّوْبِ هِيَ تِبْر. "نقره": قطعه ذوب شده از نقره (فضّه) را گویند، و قبل از ذوب شدن به آن "تِبر" گویند. المصباح المنير(الفيّومی)، ج 2، ص 621 [2] "النُّقْرَةُ: القطعة المذابة من الذهب و الفضة يعني السبيكة. و فِي حَدِيثِ الزَّكَاةِ" لَيْسَ فِي النَّقْرِ زَكَاةٌ" يريد به ما ليس بمضروب من الذهب و الفضة. نُقره: قطعه ای ذوب شده از طلا و نقره یعنی سبیکه. و در حدیث زکات ذکر شده: "در نَقر زکاتی نیست" که مرادش آن طلا و نقره ای است که به صورت سکه نیست. مجمع البحرين (طريحی)، ج 3، ص 501

کردیم، ادله دیگری را هم بیان کردیم و اثبات کردیم که پول در اسلام اعتبار نیست و مال است.(1)

این هم یکی از آیات است علاوه بر آن ادله ای که قبلا عرض کردیم. حضرت فرمود: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ» اموال شامل نقدین هم می شود. یعنی مصادیق مال را که بحث می کند طلا و نقره را هم بحث می کند.

پس این نکته دوم ناظر بر این است که شما به ادله اثبات پول غیراعتباری (پولی که مالیت و ارزش دارد) هم می توانید به مجموعه آیات و روایات مراجعه کنید. منتها مسیری را که من در بحث انتخاب کردم برعکس بود؛ یعنی می شود گاهی اوقات از موضوع شناسی وارد بحث شد مثل اینکه ما آمدیم نشان دادیم که پذیرش پول اعتباری به سلطه ختم می شود، سلطه هم در تعارض با «الناس مسلطون علی اموالهم» -که قاعده ای است در فقه- می باشد. پذیرش سلطه بر پول، معارض است با «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوالِكُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون». این یک فرض بحث است.

یک فرض دیگر هم این است که شما آیات و روایاتی را بگردید که تصریح کرده به اینکه پول باید حتما دارای مالیت باشد. آیه می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ» یعنی نقدین مالیت دارد.

1/2/2/1/3.فتوادادن به تعیین پول براساس بناء عقلاء از طرفی، و وجوب زکات بر نقدین (نه بر اسکناس) از طرفی دیگر؛ تعارض و ناهماهنگی فتوای فقهاء در مورد مساله پول در اسلام

البته علماء اهل تسنن فتوا داده اند که می شود زکات را از اسکناس هم گرفت. ولی من ندیده ام که یک فقیه فحلی در شیعه ملتزم به این بشود. یعنی یک تعارض و یک چالش فقهی است. اگر فقهاء می گویند که شریعت راجع به پول نظر نداده است و پول طبق بنای عقلاء تعیین می شود؛(2) پس الان باید موضوع زکات را در مساله نقدین حمل بر اسکناس هم بکنند. ولی هیچکس ملتزم نمی شود و می گویند: در زکات حتما باید نقدین باشد. خب؛ فتواها با هم هماهنگی ندارد! این یک چالشی است که در درس خارج باید آن را پیگیری کرد. پس پیداست که خیلی بنای محکمی نیست و می شود آن را نقد کرد و اشکالات متعددی بر آن وارد کرد. پس این هم سرفصل دوم.

1- . ارجاع پرورشی: ر،ک جلسه ششم از دوره "فقه المکاسب". در سرفصل چهارم از سرفصل های پنجگانه فقه المکاسب به مبحث «قواعد و ابزار مبادله» به تعریف پول در اسلام پرداخته شده است. و در آن علاوه بر دلیل «لکم رووس اموالکم لا تَظلِمون و لا تُظلَمون» به دو دلیل دیگر 1- نصاب گذاری شریعت در امر دیات و زکات. 2- آثار دائمی و غیر عصری درهم و دینار؛ در اثبات پول مدنظر اسلام و روایاتی در این باره اشاره شده است.

2- . ارجاع پرورشی: ارزش و مالیت اسکناس از وجود فیزیکی و عینی آن سرچشمه نمی گیرد، زیرا به عنوان مثال: اسکناس هزار تومانی یك قطعه کاغذی است که فقط حاوی چند تصویر می باشد و اهمیّتی ندارد. بلکه ارزش آن از اینجا سرچشمه می گیرد که تشکیلات پولی و حکومت و جامعه پذیرفته اند که اسکناس در مبادلات، واسطه و معیار ارزش باشد. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی (محمود عبداللهی)، ص 291

خلاصه سرفصل دوم این شد که پذیرش پول اعتباری مساوق با سلطه بر مال دیگران است، و هرگاه سلطه بر مال ایجاد شد و کاهش ارزش اتفاق افتاد؛ ابزار دستیابی به سود ارتباطی را از دیگران می گیرید. و آنها دیگر مثل سابق نمی توانند از مال خود برای تنظیم روابط انسانی استفاده کنند.

3/1/3. وجود مصادیق مختلف از کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف دنیا؛ دلیلی بر وجود اشکالات ذاتی در پول اعتباری

باز در اینجا اشکالی می کنند (که باز به نظر من ناشی از ندانستن و عدم اطلاع است) و می گویند: فقط در ایران کاهش ارزش پول ملی به وجود می آید. من یک سوال می کنم: منشأ جنگ ارزی بین چین و آمریکا (1)چه

بود؟ آیا منشأش غیر از این بود که آمریکا بر خلاف قاعده دلار چاپ می کرد؟ کشورها پذیرفته بودند؛ هم روسیه پذیرفته بود، خصوصا چین هم پذیرفته بود، همه کشورها پذیرفته بودند که بخشی از ذخائر ارزی خود را دلار قرار دهند. آمریکا از این مساله سوء استفاده کرد و دلارهای چاپ شده خودش را افزایش داد؛ بنابراین ذخائر ارزی کشورها را به چالش کشید. آنوقت بعد از آن بود که اینها رفتند به سمت جایگزین کردن طلا برای دلار و بخشی از آن را توانستند جایگزین کنند. و این جنگ ارزی آمریکا و چین در دهه های گذشته معروف است. و تازه بعد از اینکه آمریکا غیرقاعده مند دلار را با إعمال چند سیاست پولی و مالی از جمله چاپ اسکناسِ دلار تضعیف کرد، چین رفت به سمت اینکه بخشی از ذخائر خودش را [با طلا جایگزین کنند] و شروع کرد به خریدن طلا. چون دیدند که قیمت دلار به دست کشور آمریکاست و آن را جابجا می کند.

نه آقا! این ناشی از عدم اطلاع است؛ موارد مختلفی در تاریخ اقتصاد در همه کشورها سراغ داریم که ارزش پول اسکناس و پول اعتباری را جابجا می کنند. همین الان در مساله بیت کوین (Bitcoin)(2) هم همین اتفاق افتاده است؛ این کسی که بعضی از رمزارزها را دارد مدیریت می کند یک مصاحبه ای انجام داده بود و گفته بود که: من دیگر با این رمزارزی که دارم، تبادل انجام نخواهم داد. بلافاصله بعد از این حرف، 15 درصد ارزش بیت کوین کاهش پیدا کرد.(3) خب؛ این اشخاص دارای شرکت هایزیادی هستند و وقتی هم مجموعه ای از شرکت های این شخص نپذیرفتند که با رمزارز دیجیتال مبادله انجام دهند، ارزش آن 15 درصد

1- . ارجاع پردازشی: دنیای اقتصاد- مقامات چینی به آمریکا هشدار دادند که روش جدید آمریکایی ها در مقابله با ارزش گذاری پایین پول ملی چین به روابط دو کشور لطمه خواهد زد. آمریکا سال ها است که چین را متهم می کند با بی ارزش سازی غیرواقعی پول ملی خود، قدرت رقابتی کالاهای صادراتی خود را در بازار جهانی به ویژه بازار غرب به شدت بالا برده است. آدرس مطلب: سایت خبری دنیای اقتصاد https://b2n.ir/g51915

2- . ارجاع پردازشی: Bitcoin, digital currency created by an anonymous computer programmer or group of programmers known as Satoshi Nakamoto in 2009. Owners of Bitcoins can use various Web sites to trade them for physical currencies, such as U.S. dollars or euros, or can exchange them for goods and services from a number of vendors. بیت کوین ، ارز دیجیتالی که توسط یک برنامه نویس رایانه ای ناشناس یا گروهی از برنامه نویسان معروف به Satoshi Nakamoto در سال 2009 ایجاد شده است. دارندگان بیت کوین می توانند از وب سایت های مختلف برای خرید و فروش آنها با ارزهای فیزیکی مانند دلار آمریکا یا یورو استفاده کنند یا می توانند آنها را با کالا و خدمات از تعدادی از فروشندگان. آدرس مطلب: سایت رسمی دانشنامه بریتانیکا- https://b2n.ir/t75211

3- . ارجاع پردازشی: قیمت بزرگترین ارز دیجیتال جهان یعنی بیت کوین با 15.29 درصد کاهش به 46800 دلار رسید. به گزارش خبرگزاری تسنیم، بر اساس اطلاعات پایگاه اینترنتی CoinDesk تا ساعت 03:04 روز پنجشنبه به وقت مسکو، بیت کوین با 15.29 درصد کاهش به 46800 دلار رسید. بر اساس این گزارش، تا ساعت 03:15 به وقت مسکو، بیت کوین 47900 دلار بود. روز چهارشنبه، ایلان ماسک اعلام کرد که شرکت خودروسازی وی یعنی تسلا به دلیل ناپایدار بودن راه های بدست آوردن این ارز دیجیتال، بیت کوین را دیگر به عنوان ارز مورد قبول برای خرید محصول از این سازنده خودروهای برقی قبول نمی کند. آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم -24اردیبهشت 1400 https://b2n.ir/z14159

کاهش پیـدا کرد. ولی اگر پول دارای مالیت باشد، هیچکدام از این تدابیر بر پول دارای مالیت کارگر نخواهد بود. داسـتان بورسِ کشور خودمان هم داسـتانی است در همین حوزه.

بنابراین باز انتقاد ما این است که اینطور نیست که مثلا اگر شـما آمدید "سیاست های انقباضی" به کار بردید و "استقلال بانک مرکزی" را تامین کردید، جلوی "خلق پول" را گرفتید، "پایه پولی" را کنترل کردید؛ در نتیجه "تورم" (1)

کنترل شود. [نه؛ اینطور نیست، بلکه] راه حل اساسی در این است که شما بیایید پول را مال و از یک چیز باارزش اعلام و انتخاب کنید. که حالا چالش های اجرایی آن را بعدا بحث خواهم کرد. این هم یک مساله.

4. سرفصل سوم: تاثیر سایر بخش های اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟

اشاره

سرفصـل سوم تبیین جایگاه پول در ساختار اقتصاد اسـلامی است. عرض کردیم که پول یک بحث سـطح چهارم است و قبل از مساله پول چنـد مساله مهم باید بحث شود: اول "طبقه بندی مشاغل" باید بحث شود.

1/4. بررسی تاثیر "طبقه بندی مشاغل" بر کارکرد پول؛ سطح اول از بحث

اشاره

طبقه بنـدی مشاغل یعنی چه؟ یعنی شـما بایـد بگویید که چه شـغلی به چه دلیلی برتر است؟ چه شـغلی به چه دلیلی پایین تر است؟ کسـی که می خواهد اقتصاد یک کشور را بازسازی کند باید راجع به این بحث کند. مثلا اگر گفتید که ارزش افزوده برتر است؛ مشاغل صـنعتی بر مشاغل کشاورزی غلبه پیدا می کند. الان در دنیای توسـعه یافته می گویند مشاغل صـنعتی مشاغل مهم هستند. به آنها می گوییم: چرا؟ می گویند: چون سودآوری در بخش صنعت بیشتر از بخش خـدمات و کشاورزی و... است؛ چون معیار یک چیز دیگری است. اما یک وقتی شـما می گویید: غذای سالم اصل است، تولید محلی و خانگی غـذا اصـل است و یک مبنای دیگری را قرار می دهیـد؛ برای دستیابی به یک چنین هـدفی کشاورزی می شود شـغل برتر. که البته الان نمی خواهم وارد این بحث بشوم، فقط می خواهم بگویم که چون ما معیار را از سود اقتصادی به سود ارتباطی تغییر دادیم، باز طبقه بنـدی مشاغلِ ما تغییر پیـدا خواهـد کرد. این شد طبقه بندی مشاغل. شما یک جدول بگویید و طبقه بندی مشاغل برتر را بحث کنید و دلائلش را هم برای مردم بگویید.

1/1/4. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل کلان؛ در صورت پذیرش مشاغل کلان و صنعتی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل

حالا این بحث چه اثری در پول دارد؟ ببینیـد؛ پول، [ابزار] تبادل بین مشاغل است؛ اگر الگوی مشاغل صـنعتی را پذیرفتیـد، تبادل یک بافت پیـدا می کنـد؛ تبادل کارخانه به کارخانه است، تبادل بین کارخانه های بزرگ در یک منطقه است. اما اگرگفتیـد: کشاورزی، باغداری، دامداری، خیاطی و ... (که مجموعه شغل های وابسـته به اینها حـدود هزار شـغل می شود) اینها را اصل دانستیـد، در اینصورت پول ابزار مبادله بین این مشاغل می شود. بافت این مشاغل خُرد است.

دقت می کنید؟ اگر شما گفتید مشاغل، صنعتی هستند؛ یک نوع تبادل شکل می گیرد. من مثال بزنم تا مساله واضح تر بشود. مثلا یک تاجر یا اَبَرتاجری می آید نزد یک صاحب کارخانه ای و می گوید من کل کالای تولیدی تو (مثلا آب معدنی) در یک سال را

1- . ارجاع پرورشی: تورم (Inflation): تورم فراگرد افزایش پیوسـته و همه جانبه قیمتهای پولی کالاها و خدمات است و یا به معنایی برابر کاهش پیوسته و همه جانبه ارزش پول می باشد. فرهنگ علوم اقتصادی، ص 557

خریداری می کنم؛ منتها به یک شرط. به شرط اینکه من قیمت بازار را تعیین کنم. (1)(این مساله اتفاق می افتد و در بحث های دامپینگ (Dumping) مطرح است) غرضش چیست؟ غرضش این است که می خواهد انحصار ایجاد کند. مثلاـ کل آب معدنی های تولیدی را یکجا خریداری می کند، تولیدکننده هم خوشحال می شود که یکجا تولیداتش به فروش برود. این آقایی هم که خریدار است می آید و می گوید: هر بطری از آب معدنی به قیمت 2هزار تومان. در حالیکه مثلا فرض کنید 3هزار تومان است؛ برای اینکه بقیه را ورشکست کند! وقتی مشاغل کلان می شوند دو نفر (واقعا دو نفر!) می توانند برای بازار تصمیم بگیرند!

2/1/4. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل خُرد؛ در صورت پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل

اما اگر شما آمدید گفتید که همه مردم وارد کشاورزی، دامداری، خیاطی و مشاغل مرتبط با آنها بشوند مثلا فرض کنید برای تامین مساله کشاورزی مساله بذر هم هست، بحث آفت کشی هم هست (البته آفت کشی به سبکی که ما می گوییم، نه به شکل بیولوژیک یا به شکل مواد شیمیایی. هر دوی اینها را ما قبول نداریم. بلکه آفت کشی طبیعی)؛ یعنی مشاغل خُرد درست می کند. وقتی مشاغل خُرد درست کرد؛ پول ابزار تبادل بین این مشاغل خُرد است. اما ما به چه شکل بحث می کنیم؟ هیچکس راجع به بافت مشاغل بحث نمی کند؛ لذا بافت مشاغل را استراتژی های صنعتی می نویسند. الان همین برادر خوب و فاضلمان که در انتخابات بحث می کردند، می گفتند: چندهزار بنگاه تولیدی احیاء شده است که مثلا یکی از آنها بنگاه نیشکر هفت تپه است و... . تمام اینها بنگاه های بزرگ هستند. وقتی بنگاه های بزرگ [در بافت مشاغل اصل واقع] می شوند؛ باز تبادل و مسائل اقتصادی به دست چند نفر می افتد. برخلاف فرضی که ـ به تعبیر آیت الله خامنه ای – برویم به سمت اینکه مشاغل خُرد و مشاغل خانگی و بنگاه های کوچک را راه بیندازیم. در اینصورت هزار نفر تولید می کنند. وقتی هزار نفر تولید می کنند دیگر خیلی سخت است که بتوانی بازار را کنترل کنی. وقتی یک نفر تولید می کند، یک نفر هم می آید همه تولید وی را می خرد و تسلط بر بازار پیدا می کند.

3/1/4. پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه بندی مشاغل؛ پیش نیاز طراحی پول غیراعتباری (پول طلا) در ابزار مبادله

پس این فرض اول است. خیلی مهم است که شما بگویید پول طلا در چه زمینی عمل می کند. عرض اول بنده این است که اصلاً پول طلا در زمین مشاغل مردمی، بنگاه های خرد و بنگاه های کوچک طراحی شده است. شارع مقدس چون قبل از بحث از پول، بحث از طبقه بندی مشاغل را مطرح کرده است؛ پول در زمین طبقه بندی مشاغل عمل می کند. طبقه بندی مشاغل در اسلام به یک شکلی است که می رود به سمت ایجاد بنگاه های خرد و کوچک. تعبیر فنی ای آیت الله خامنه ای در این ایام داشتند. می فرمودند: «من که تاکید می کنم روی بنگاه های کوچک یعنی ده ها میلیون آدم درگیر تولید بشوند.» در حالیکه وقتی شما می روید به سمتاَبَربنگاه ها و آنها را راه می اندازید، یک عده معدودی درگیر تولید می شوند. حتی با این ایده جزائر اُتوماسیون و ایده هایی که می خواهند رُبات و هوش مصنوعی را جایگزین کنند به دنبال این هستند که اصلا آدم ها را از فرایند تولید حذف کنند، یا نقش آدم ها را کمرنگ کنند. خیلی مهم است که درک شما از ایجاد شغل و طبقه بندی مشاغل در جامعه چیست؟ پس پول طلا و پولِ دارای مالیت، تبادل در بخش کشاورزی ای که مردمی است می باشد. تبادل در بخش دامداری است، تبادل در بخش باغداری و میوه و سبزیجات و ... است، تبادل در بخش خیاطی و لباس و... است. حدود هزار شغل است. و این کم نیست! من آمار مشاغل را که نگاه می کردم [دیدم که] ما الان با الگوی مشاغل فعلی و با نگاه صنعتی که وجود دارد حدود 4-5 هزار شغل داریم. ولی با الگوی بنگاه های کوچک و مشاغل خرد حدود هزار شغل اصلی پیدا می کنیم. آنوقت این هزار شغل نیاز به تبادل دارند؛ و دیگر تبادل در

1- . دامپینگ در بازارهای بین المللی به بازار شکنی و یا قیمت شکنی نیز معروف است. به طور کلی واژه ی دامپینگ به معنای فروش و یا صادرات یک کالا به کشورهای دیگر با قیمتی پایینتر از قیمت تمام شده میباشد.

اینصورت خیلی سخت نیست. در حالیکه شما وقتی می آیید بحث پول طلا را مطرح می کنید؛ ذهنیت مخاطب شما تجارت فلان اَبَرشرکت صنعتی است با فلان اَبَرشرکت صنعتی. همه کاندیداها و نامزدهای محترم ریاست جمهوری بر فرض این نوع تبادل داشتند در ایام انتخابات بحث می کردند. فقط یک کسی می گفت "تراز تجاری اروپا" باشد، دیگری می گفت "تراز تجاری کشورهای همسایه" ما باشد. در حالیکه حرف اصلی اقتصادی ما این است که شما باید یک طبقه بندی مشاغل دیگری را ارائه کنید. آینده ایران نه اینکه صنعت ندارد؛ بلکه بخش اصلی مشاغل آن مشاغل صنعتی نیستند. بخش اصلی مشاغلش در همین پنج شغلی است که عرض کردم. خب؛ فایده این نوع طبقه بندی چیست؟ فایده اش سلامتی غذایی است، فایده اش این است که در فرایند تولید همه دارند سود می برند، یعنی دیگر نظام برده داری به اسم تولید راه نمی افتد! این یک بحث.

4/1/4. بررسی تاثیر "الگوی تولید" بر کارکرد پول؛ سطح دوم از بحث

4/1/2/1. الگوی تولید متمرکز و صنعتی یا غیرمتمرکز و محلی؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری)

سطح دوم بحث بحث الگوی تولید است. که البته در لابلای بحث طبقه بندی مشاغل اشاره ای به آن کردم و قدری واضح شد که ما حتما الگوی تولیدمان الگوی تولید متمرکز نخواهد بود. در طبقه بندی مشاغل حرف من این بود که مشاغل صنعتی، به عنوان مشاغل اصلی قرارنمی گیرند. خب؛ می دانید که این صنعت است که میل به تمرکز دارد. وقتی شما مشاغل را یک چیز دیگری تعریف می کنید، الگوی تولید هم خرد می شود. مثلا می گویند یک ماشین حدود هزار قطعه است؛ لذا شما مجبور هستید که مدیریت متمرکز داشته باشید تا صدها تولیدکننده قطعه را مدیریت کنید تا یک ماشین تولید شود. اما در حوزه کشاورزی و دامداری که به این شکل نیست؛ یعنی لازم نیست به سمت تمرکز روی بیاورید. چون فرایند تولید فرایند پیچیده ای نیست و ساده تر است. مثلا حدود هزار شغل ایجاد می کنید، ولی الان حدود چهار هزار شغل ایجاد می کنید. پس میل به عدم تمرکز پیدا می شود. پس این هم نکته دوم است. ما داریم جایگاه پول را در ساختار اقتصاد اسلامی بحث می کنیم: می گویم پول طلا و پول دارای مال در فرض الگوهای کوچک عمل می کند و بهترین عملکردش آنجاست، تبادلات در آنجا خرد است، و در فرض بنگاه های صنعتی و تولید متمرکز نیست. این هم یک سرفصل.

4/1/3بررسی تاثیر "الگوی بازار و تجارت" بر کارکرد پول؛ سطح سوم از بحث

اشاره

سطح سوم بحث مساله بازار است. درک شما از بازار چیست؟ آیا درک شما از بازار، مگامال (Megamall) است؟ من در یک گزارشی می خواندم که سرمایه گذاران برخی از مگامال های درون ایران، اصلا درون ایران نیستند، و اصلا ایرانی نیستند! و آنشخص می آید در یک منطقه ای از ایران یک مال بزرگ را طراحی می کند و بستگی به آن مال (Mall)(1)

یک چیزی مثلا حدود 100 هزار، 400 هزار، 500 هزار نفر از او خرید می کنند؛ و تمام این کسانی که این کالاها را می فروشند کارمند به حساب می آیند و فروشنده هستند، انبار را تامین می کنند. مثلا شما فرض کنید حدود 50 نفر فروشنده در آنجا مشغول کار هستند و فرض کنید حقوق خوبی هم می گیرند. 10 الی 15 درصد از آن مال به عُمّال مال می رسد و اصل آن به صاحب سرمایه که در خارج کشور است می رسد.

1/3/4. الگوی بازار متمرکز و یا غیرمتمرکز؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری)

سوال ما این است که: آیا بازار در ذهن شما متمرکز است؟ یا نه شما فرض خرد بودن را هم برای بازار تصور می کنید؟ کدام مطلوب شماست؟ باز این دو نوع تصور از بازار، دو نوع مبادله ایجاد می کند؛ یک وقت بازاری هایی را تصور و ایجاد می کنید که 500 هزار خریدار دارند که اینها به یک نحو باید جنس تهیه کنند و حجم انتقال پول آنها خیلی بالاست؛ چون مثلا فروشگاه زنجیره ای و مال (Mall)

1- . مرکز خرید.

دارد، در یک هفته 500 هزار نفر از اینها خرید می کنند. اما یک وقتی فروشنده خرد است و کلا 100 نفر از او خرید می کنند؛ پس حجم انتقال اعتبار و داده های او کوچک می شود. پس اگر بازار متمرکز داشته باشیم، باز با انتقال داده های بزرگ روبرو هستیم. اما اگر بازار کوچک را فرض کنیم، باز انتقال داده ها کوچک می شود.

ببینید! من دارم به اجرایی کردن پول طلاـ نزدیک می شوم. چون همه اشکال در این است که تولید بزرگ و انتقال اعتبارهای بزرگ منجر می شود به انتقال حجم های زیادی از طلا و نقره و این کار اصلا امکان ندارد. اشکالی که به مساله پول غیراعتباری وارد می کنند همین است؛ چون فرض ذهنشان تبادلات بزرگ در بخش بازار است مثلا خریدهای هزار میلیاردی. خب؛ شما وقتی می خواهید هزار میلیارد طلا را منتقل کنید (اگر هم آن مقدار طلا وجود داشته باشد) خیلی سخت است. چون پشتوانه پول اعتباری ای را که فرض می کنند فقط طلا نیست، بلکه خود فیزیک کارخانه هم پشتوانه آن است، سایر ابعاد مالی، تولید ناخالص ملی هم پشتوانه آن پول است؛ لذا فرض هزار میلیارد را با اعتبار هم منتقل می کنند. اما یک وقت می گویید بازار در تصور من خرد است. صد نفر هستند و نفری صد میلیون کالا تهیه می کنند؛ بنابراین انتقال ها خرد است. الان صد میلیون چند سکه می شود؟ ده سکه می شود. من می خواهم بحث را به ذهن نزدیک کنم تا شما از فضای مدرن کمی بیرون بیایید: [برای صد میلیون تومان] یک همیان (کیسه) کفایت می کند (خنده)! شما با یک همیان می روید [و کار خود را انجام می دهید]. شما اگر در یک هفته صد میلیون خرید داشته باشید، با صد سکه و یک همیان که آن را مخفی هم می کنید کار انجام می شود و خیلی هم سخت نیست.

این قضیه را هم بد نیست که تعریف کنم: بنده در آن موقعی که درس "قرض" را می خواندیم بحث بانک در سر درس مطرح شد، بنده برای استادم از روی کتاب یکی از فقهاء می خواندم که در آن نوشته بود: «از آن وقتی که بانک به وجود آمده، دزدی از پول مردم کمتر شده است! چون پول در یک جای امنی است.» حالا بنده نمی دانم که آن استاد نظرش در این رابطه چیست ولی الان ماداریم می بینیم که در بانک ها فیزیک پول را نمی دزدند، ولی ارزش پول را می دزدند! چون وقتی شما پول خود را به بانک ها می سپرید، قطعا ارزش پول شما دزدیده می شود! و اگر شما همیان داشته باشید و پولتان همراه خودتان باشد، واقعا ارزش پول شما باقی است. چون طلا که خودش ارزش دارد و شما از تدابیر مخفی کردن و برخی کارهای دیگر هم استفاده می کنید و بالاخره کاری می کنید که پول شما دزدیده نشود. ولی اگر آن را در بانک بگذارید، قطعا دزدیده خواهد شد. فیزیک پول وجود دارد؛ مثلا اگر شما به عابر بانک رجوع کنید همان مثلا 100 هزار تومان را به شما می دهد، ولی به اندازه 10 هزار تومان ارزش دارد. پس این هم یک نکته است که چون مبادلات خرد است دیگر شما دغدغه انتقال ندارید. آنجا قضیه خطرناک می شود که شما بخواهید مبادلات درشت داشته باشید. اصلا مبادلات درشت در فرض بازارهای خرد، حداقلی است. نمی گویم که اصلا نیست، بلکه ما تا مدتها مبادلات درشت هم خواهیم داشت، ولی عموم مردم مبادلات درشت نخواهند داشت. همین الان در منطقه زنبیل آباد و انسجام و برخی دیگر از مناطق قم در حال ساخت مال ها هستند که بنده گاهی اوقات با آنها صحبت می کنم و بررسی های آنها را می بینم؛ گاهی اوقات کالایی را که اینها می خواهند تهیه کنند روزانه 100 میلیون تومان مبادله دارند. یعنی در یک محاسبه عدد خیلی بالایی می شود؛ که در اینصورت از پول طلا نمی شود استفاده کرد.

اما اگر فرض بازار را آنطوری که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند که همه مردم تجارت کنند. (می دانید که قاعده در اسلام این است که تجارت عمومی شود) و اگر تجارت عمومی شود، تبادل بین تجارات عددهای بزرگ نیست که شما نگران [انتقال وجه آن] شوید. این هم یک بحث.

4/1/4. بررسی تاثیر "قواعد مبادله و عقود" بر کارکرد پول؛ سطح چهارم از بحث

بحث چهارم قواعد مبادله است. یکی از مباحث قواعد مبادله، بحث "عقود" است. مثلا شما می گویید که مبادله در قالب "مضاربه" است، یا در قالب "شرکت"، یا در قالب "مزارعه"، یا در قالب "مساقات" و... . باز این نوع عقود یک نوع انضباط ایجاد می کند در مبادله و بر پول تاثیر می گذارد. مثلا فرض بفرمایید که شما وقتی می روید برای انجام مزارعه؛ قرارداد با پول متفاوت می شود با تبادل در قالب مضاربه. دو نوع مبادله است. گاهی وقت ها یک طرف پول می دهد و طرف دیگر کار می کند. پس این مساله هم مهم است. من می خواهم قبل از اینکه به مساله پول برسم بگویم که ما این همه بحث حاکم بر پول داریم که همه اینها بر وضع پول تاثیر می گذارد. و آنوقت که شما عقود مبادله را بحث کردید در انتهاء می رسید به این بحث که بله من الان می خواهم در فضای طبقه بندی مشاغلِ خودم، در فضای تولید غیرمتمرکز، در فضای بازار خرد و عمومی، در فضای عقود یک مبادله ای داشته باشم. اینها حاکم می شوند و هر کدام یک تاثیری دارند.

حالا واضح شد که چرا من می گویم تحلیل پول یک تحلیل سطح چهارم اقتصاد است؟ چون سه سطح دیگر قرار است برای این پول تعیین تکلیف کنند. الان وقتی ما در مجلس شورای اسلامی و جاهای دیگر می خواهیم از پول طلا دفاع کنیم؛ به ما اشکال می کنند. هر اشکالی را که بررسی کنید می بینید که در یکی از این فضاهاست؛ یعنی چون تولید را متمرکز فرض کرده است، نمی تواند تبادل مالی با پول طلاـ را بپذیرد و این مساله به عنوان مانع در ذهن اوست. یا بازار را به نحو مگامال و بازارهای بزرگ فرض کرده، یا اصل در طبقه بندی مشاغلش صنعت است، و شغل های مطلوب در فقهنیست. بنابراین در ذهنش مشکل ایجاد می شود. پس من در این بحث اجمالی می خواهم بگویم که این بحث به اینصورت تکمیل می شود.

5/4. بررسی تاثیر "تجارت بین الملل" بر کارکرد پول؛ سطح پنجم از بحث

اشاره

نکته دیگر بحث تجارت بین الملل است که از نوع تحلیل سطح پنجم اقتصاد است.

1/5/4. عدم تقویت کفار؛ شرط اصلی در تجارت بین الملل

اشاره

شما در تجارت بین الملل یک قید اصلی دارید که این تجارت باید به شرط "عدم تقویت کفار" باشد. و اگر این قید را در تجارت بین الملل قرار دهید، هدف شما در تجارت با غیرمتعهدها و مستضعفین عوض می شود و به آن سمت می روید. و این شرط در تجارت بین الملل دوباره کمک می کند به این که نوع مبادلات تغییر پیدا کند. اما الان شما در فضای اقتصادی به نحو مطلق فقط می گویید: «صادرات، واردات». و می گویید: گپِ (Gap) صادرات و واردات باید جبران شود. من نمی بینم که در مباحث اقتصادی بگویند: «صادرات به کجا؟ آیا منجر به تقویت کفر می شود؟ واردات از کجا؟ آیا منجر به تقویت کفر می شود؟» اصلا این بحث فراموش شده است. این یک نکته در تجارت بین الملل. (1)

2/5/4. کنارگذاردن تولید صنعتی غذا بخاطر اشکالات شش گانه آن؛ راهکاری برای کاهش 60درصدی تبادلات در تجارت بین الملل

نکته دوم: در فرض طبقه بندی مشاغلِ ما تولید صنعتی غذا را ما به شش دلیل غلط می دانیم و الان 60 درصد تبادلات تجاری دنیا غذاست. بنابراین 60 درصد تبادلات تجاری دنیا کاهش پیدا می کند. بنابراین تجارت بین الملل آنقدری که در ذهن نئوکینزی ها (2)و نهادگرایی ها(3) بزرگ است، در مباحث مترقی "فقه المکاسب" بزرگ نیست.

1- . ارجاع پژوهشی و پرورشی: جهت مشاهده روایات و فتوای برخی از فقهاء بزرگوار شیعه در این باره ر.ک پیوست شماره 9.

2- . ارجـاع پرورشـی: New Keynesian economics: The school of thought according to which economic fluctuations can be explained only by admitting a role for some microeconomic imperfection, such as sticky wages or prices. اقتصاد نئوکینزی: مکتب فکری اقتصادی است که براساس آن ، نوسانات اقتصادی فقط با پذیرش نقش برای برخی از عیوب اقتصاد خُرد مانند دستمزدها یا قیمت های چسبنده قابـل توضـیح است. کتـاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص581 تفـاوت کینزی هـای جدیـد (نئوکینزی ها) با مکتب کینز: 1- ترکیب انتظارات عقلایی با چسبندگی قیمت ها و دستمزدها؛ 2- توجه به رقابت ناقص با تمرکز بر قیمت؛ 3- تئوری های شکست بازار؛ 4- توجیه خرد برخی مسائل کلان؛ 5- توجیهات اقتصادی براساس عرضه و تقاضا؛ 6- چسبندگی اسمی و واقعی؛ [1]، [2] [1] گرجی، ابراهیم و مدنی، شیما؛ کینزی های جدید تا چه اندازه جدیدند؟، مجله دانش و توسعه، 1385، شماره 18، ص 92-93]2]شاکری، عباس؛ اقتصاد کلان نظریه ها و سـیاست ها، تهران، پارس نویسا، 1387، چاپ اول، ص515

3- . [3]ارجاع پرورشـی: مکتب نهادگرایی: مبانی فکری مکتب نهادی به آن صورت که اقتصادانان این مکتب ارائه کرده اند بر شش اصل مهم و اساسی به شرح زیر متکی می باشد: 1- اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزاء آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از یک سازمان را نمی توان صـرفا با بررسـی اجزاء آن به صورت قسمت های مجزا و منفصل از یکدیگر مورد بررسـی قرار داد. به همین ترتیب، فعالیت اقتصادی جامعه مجموع تمصمیات فردی برای به دست آورن حداکثر منافع پولی نیست بلکه فراتر ازآن رفته است و ناشـی از فعالیت های جمعی می شود که برزگ تر از مجموع اجزاء منفصل از یکدیگر می باشد. 2- مکتب نهادی نقش مؤسسات و نهاد ها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار میدهد. نهاد تنها یک مؤسـسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشـکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء بخش اساس یک فرهنگ پـذیرفته میشود ... 3- ... مکتب نهادی نظریه کلاسیک ها و نئو کلاسـیک هـا را، مبنی بر وجود تعادل ساکن و عادی در جامعه اقتصادی، مردود دانسـته و به جای آن بر اصل سلسـله علل یا تغییرات تراکمی که در جریان حصول به هـدف های اجتماعی و اقتصادی ممکن است منجر به نتایـج مثبت و یا منفی گردد، تکیه می کند. به عبارت دیگر تعدیل کمتر و یا بیشتر از مقدار لازم برای حصول به تعادل در زندگی اقتصادی انحراف از تعادل عادی به شـمار نمی آید، بلکه این نوع انحرافات خود عادی می باشـند. 4-... مکتب نهادی معتقـد به وجود تضـاد منافع است و انسان را موجودی اجتماعی و تعاونی می دانـد که برای حفظ منافع متقابل و مشترک خود با دیگران اقـدام به تشـکیلات گروهی می کند. ... 5- مکتب نهادی از برنامه اصـلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه تر ثروت و درآمـد حمایت می کند ... این مکتب اقتصاد آزاد سرمـایه داری را محکوم می کنـد و به نقش بسـیار مهم دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم اعتقاد دارد. 6- از نقطه نظر روش شناسـی، مکتب نهادی روش اسـتقراء را بر قیاس ترجیـح داده و بر این عقیـده است که برای درک بهتر عملکرد نظام اقتصادی بایـد مطالعات دقیق تری از طرز کار آن به عمل آورد. تاریخ عقاید اقتصادی(فریدون تفضلی)، ص 340 الی 342

1/2/5/4. تولید غذای ناسالم و تراریخته؛ اولین اشکال تولید صنعتی غذا

چون بخش غذا را از تبادلات حذف می کنیم؛ به شش دلیل: 1. به دلیل تولید سالم. ما الان نمی توانیم به غذا اعتماد کنیم. مثلا وقتی ما ذرت، گندم، سویا و بخش عمده غذاهایی که وارد می کنیم؛ همه تراریخته هستند! این حجم از تولید را باید داخل کشور توزیع کنیم تا کشاورزان ما آن را کشت کنند. تازه در بخش هایی مثل روغن و... نظر قطعی و تجربه شده و قابل اثبات این است که روغن حوانی بهتر از روغن های گیاهی هستند. البته به استثناء روغن زیتون و یک یا دو روغن دیگر. بنابراین ما نیاز نداریم که اینقدر کلزا و سویا به غرض روغن بکاریم. ما برای تولید روغن که کالای مهمی است باید برویم به سمت اینکه پرورش گاو آن هم به شکل سامانه های محلی و خانگی را تقویت کنیم، یا مزارع زیتون را به نحو خرد گسترش بدهیم. لذا اینهایی که دارند با ما بحث می کنند در چنبره اقتصاد موجود با ما بحث می کنند. ما باید کمک کنیم که اینها از این بحث ها خارج شوند.

2/2/5/4. استفاده از موادنگهدارنده؛ دومین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلائلی که ما مساله غذا را از تولید صنعتی خارج کرده ایم مساله مواد نگهدارنده است. [در فرض صنعتی] غذا باید پخته شود و بعدا عرضه شود. وقتی شما غذا را می پزید ماندگاری اش پایین می آید؛ بنابراین حتما باید از مواد نگهدارنده استفاده کنید. و این کار عدم سلامت را بر ما تحمیل می کند.

3/2/5/4. تولید زباله و انهدام محیط زیست؛ سومین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلائلی که ما با غذای صنعتی موافق نیستیم مساله بسته بندی صنعتی غذاست. وقتی شما غذا را بسته بندی صنعتی می کنید، چالش برای محیط زیست ایجاد می کنید. الان دیگر مرسوم است که کسی که یک لیتر آب مصرف می کند، یک بطری

پلاستیکی زباله تولید می کند! اگر همان فرد یک بسته بیسکویت مصرف کند، باز یک مقداری پلاستیک تولید می کند. اگر آن فرد برود جلوتر و در آن روز یک کنسرو هم مصرف کند، باز یک بخشی زباله تولید می کند. حالا این را به عدد ضرب کنید؛ مثلا این شخصی که روزی 3 زباله تولید می کند را ضربدر 80 میلیون نفر کنید یا ضربدر 7 میلیارد جمعیت کنید؛ نتیجه اش این می شود که الان فرایند تولید زباله در همه بخش ها دارد ارتقاء پیدا می کند و فرایند بازیافت [از فرایند تولید زباله] عقب مانده است. و تفکیک از مبدا دیگر جواب نمی دهد؛ چرا؟ چون تولید زباله بیشتر از فرایند بازیافت است. لذا ما معتقدیم که باید بسته بندی صنعتی را از فضای غذا حذف کرد تا تولید زباله و انهدام محیط زیست متوقف شود. پس دلیل محیط زیستی هم دارد که ما تولید صنعتیغذا را نمی پذیریم. غذا یک کالایی است که همه هر روز مصرف می کنند و اگر شما تولید صنعتی غذا را بپذیرید باید هر روز تولید زباله کلان را بپذیرید. خب؛ آن جزایر پلاستیک و زباله که در اقیانوس ها تشکیل شده است نتیجه همین ایده است.

5/2/5/4. حذف پزنده باکیفیت غذا در فرایند تولید؛ پنجمین اشکال تولید صنعتی غذا

دلائل دیگری هم مثل پزنده غذا وجود دارد. اگر پزنده غذا خرد باشد؛ مادر شما باشد، برادر شما باشد. مثلا وقتی شما یک جایی مهمان هستید فامیل شما برای شما غذا درست می کند و خیلی مواظب است که غذا با کیفیت باشد. بنابراین اگر پزنده غذا خرد باشد، غذا باکیفیت می شود. اما اگر یک کسی مغازه ساندویچی دارد در کنار مثلا حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)؛ روزانه مثلا دو هزار ساندویچ باید بفروشد. در اینصورت غذا چه کیفیتی خواهد داشت؟ مثلا آن روغنی که غذا را در آن طبخ می کند [چه کیفیتی خواهد داشت؟!] آنوقت این مشکلات با نظارت های بهداشت که حل نمی شود! شما اگر تولید غذا را متمرکز کنید، حتما کیفیت غذا پایین خواهد آمد. نظارت هم یک شعار است! بله؛ جلوی موارد فاحش آن را می گیرید ولی در خیلی از موارد غذا بی کیفیت طبخ خواهد شد. پس به دلیل اینکه پزنده غذا برای ما مهم است که چه کسی باشد؟ مادرما باشد؟ فامیل ما باشد؟ باز با تولید غذای صنعتی مخالف هستیم. عرض کردم که شش دلیل است.

4/2/5/4. بالارفتن مصرف انرژی؛ چهارمین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلائلی که ما معتقدیم تولید غذا نباید به نحو صنعتی اتفاق بیفتد و نیاز به سامانه محلی و خانگی دارد، مصرف انرژی است. خصوصا اگر منبع تولید انرژی کربن باشد؛ چون کمک شدیدی می کند به تولید گازهای گلخانه ای و تغییرات اقلیمی (که من در نظریه تاویب این مساله را بحث می کنم). خب؛ انرژی چرا افزایش مصرف پیدا کرده است که بعد شما بروید تولید انرژی کنید؟ بخاطر یخچال ها، بخاطر نگهداری غذا، همه یخچال هایی که در جاده ها دارند غذاها را منتقل می کنند، در فروشگاه ها غذاهای پخته شده را نگهداری می کنند که فاسد نشود. اینها همه دارند انرژی مصرف می کنند. آنوقت من می دیدم که سازمان ملل دنبال این است که مثلا با تحمیل بر کشورهایی مثل ایران می گوید: تولید آلاینده ها و تولید کربن را کم کنید. خب؛ بهتر نیست [به جای این کارها] الگوی تولید را اصلاح کنیم؟! [اگر الگوی تولید صنعتی اصلاح شود] یک سوم انرژی مصرفی در دنیا کاهش پیدا می کند. و تغییرات اقلیمی و تغییرات آب و هوایی متوقف می شود. دلائل اینقدر محکم است.

3/5/4. کاهش تدریجی 60درصد از تبادلات مالی در صورت کنارگذاردن تولید صنعتی غذا؛ راهکاری برای کاهش تبادلات در تجارت بین الملل

حالا شما در این فضا - که من تفصیلی هم بحث نکردم - با مردم به صورت اقناعی صحبت کنید و این 6-5 دلیل را برای مردم بشکافید و بگویید سلامت در پی دارد، آلودگی محیط زیست از بین می رود، کیفیت غذا افزایش پیدا می کند و همه اینها را بحث کنید؛ آنوقت مردم قانع می شوند که بروند به سمت تولید غذای خانگی و محلی. وقتی این اقناع به وجود بیاید چه اتفاقی می افتد؟ 60درصد تبادلات جهانی و 60درصد صادرات و واردات کاهش پیدا می کند. بنابراین دعوای ما در 40درصد باقیمانده می شود که

اقلام صنعتی و نظامی و... هستند. پس باز دغدغه تبادل در مساله پول پیدا نمی کنیم. لذا مهم ترین سرفصلی که در این جلسه - البته بعد از بحث مبانی نظری - روی آن تاکید می کنم این است که: نسبت پول با تجارت بین الملل، نسبت پول با عقود مبادله، نسبت پول با بازار در اسلام، نسبت پول با الگوی تولید غیرمتمرکز و نسبت پول با طبقه بندی مشاغل باید بحث شود. کاَنّ پول از این 5 مساله ای که ذکر کردم در عینیت تاثیر می پذیرد. اگر ما در بحث های کارشناسی گفتیم که: پول طلا می خواهیم، ولی این اقمار پول (و مباحث حول پول) را بحث نکردیم؛ نباید انتظار داشته باشیم که جامعه حرف ما را بپذیرد. حرف بنده این است و این اشکالی است که بر دوستان خودم دارم. بله؛ می رویم 10 دسته روایت می آوریم و استظهار می کنیم و می گوییم: پول در اسلام مال است. این حرف درستی است و بحثی هم در آن نیست؛ ولی نکته فنی بحث این است که وقتی درایه می کنیم می بینیم که پول تحلیل سطح چهارم است و آن تحلیل های بالادستی بر آن تاثیر دارد. این بحثی بود که بعدا ان شاء الله ادامه می دهیم.

بنده قبلا یک یادداشتی منتشر کردم که ما 12 دسته مساله مرتبط با پول داریم که اینها همه باید بحث شود. که این خودش می شود یک دستگاه اقتصادی دیگر، یک مکتب اقتصادی دیگر و یک نگاه اقتصادی دیگر. که امیدوارم که خدا توفیق بدهد و بتوانیم آن را تفصیلا توضیح بدهیم. این هم یک مساله.

5. سرفصل چهارم: چالش های اجرای پول غیراعتباری چیست؟

اشاره

و اما مساله آخر: چالش های اجرای پول طلاـ و پول غیراعتباری چیست؟ حالا با توجه به بحث هایی که گفم خیلی روشن شد. به ما می گویند: ما می خواهیم تامین مالی پروژه های بزرگ را ببینیم. حالا کسی که ساختار فقه المکاسب(1) را خوانده باشد، دیگر نمی گوید که من پروژه های تولیدی بزرگ دارم. لااقل در 60 درصد قضایا - که مربوط به بخش غذاست - این حرف را نمی زند. تازه من معتقدم که در بخش صنعتی هم باز می شود بنگاه های خرد و کوچک را ایجاد کرد. که آقای قاضی زاده هاشمی در انتخابات می گفتند: 37 راه وجود دارد برای تامین مالی پروژه ها وجود دارد و البته توضیح کامل هم ندادند. من سوالم از ایشان این است که: آیا منظور شما تولید صنعتی بزرگ است؟ یا پروژه های تولیدی و اقتصادی کوچک و خرد؟ خیلی تفاوت است. پروژه های شما چه بافتی دارد؟ وقتی بافت آن کوچک باشد، با قرض الحسنه هم می توان آن را تامین اعتبار کرد، با وقف هم می شود آن را تامین اعتبار کرد، با انفال هم می شود. می بینید ما در حوزه علمیه به کجا بحث را باخته ایم؟! به اینکه هیچوقت به لحاظ فکری نرفته ایم به این سمت که تمرکز کنیم که ببینیم تولید متمرکز را بپذیریم یا نپذیریم؟ و روی آن اجمالا هم بحث نکرده ایم، تفصیلا که هیچ! بعد شما در آن فرض می آیید و دوچیز را بحث می کنید. فقهاء ما در قدیم عقود را بحث می کردند. که این بانکداری دهه شصت اسلامیت را به جریان عقود می داند. دوستان جدیدی هم دارند پول طلا را بحث می کنند مثل مرحوم آیت الله حائری و دیگران؛ هیچوقت نیامدند پروژه های کلان، الگوی تولید، طبقه بندی مشاغل و الگوی توزیع را به چالش بکشند.

1/5. تامین مالی پروژه ها؛ اولین چالش اجرایی پول غیراعتباری

اشاره

بنابراین وقتی ما در جلسه ای می رویم (و همچنین در مناظره معروفی که دوستان فاضل ما با مرحوم آقای موسویان داشتند) یکی از اصلی ترین شبهات بر سر همین است که ما فرض تامین مالی پروژه ها را چه کار کنیم؟ شما وقتی تامین مالی پروژه ها را دارید باید حتما "بورس" راه اندازی کنید، و بورس هم پول همه مردم را جمع کند و هدایت کند به سمت بخش تولید. بعد آنوقت یک دولتی هم

1- . ارجاع پژوهشی: کتاب "فقه المکاسب" شامل 5 سرفصل از 15 سرفصل مباحث فقه المکاسب می باشد. عناوین این 5 سرفصل عبارتند از: طبقه بندی مشاغل، الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید)، الگوی تجارت و بازار (ویژگی های فقهی بازار)، قواعد مبادله در حوزهٔ تولید و بازار (شامل مباحثی حول ابزار مبادله(تعریف پول در اسلام)، اختیار مبادله (تسعیر اختیاری) و عقود در اسلام)، و تجارت بین الملل.

پیـدا می شود و بودجه اش کـم می شود و به شـرکت های دولتی می گویـد که شـما از بورس خارج شویـد، و یکـدفعه ارزش کل بورس سـقوط می کنـد و شاخص ها قرمز می شود و مردم همه ضـرر می کنند. ببینید! اینها همه واقعا پیچیدگی هایی است. فقیه زبردستی بالای سـر ما هست ایشان می فرمودند: ما آنوقتی که در شورای عـالی انقلاـب فرهنگی بودیم فکر می کردیم با کارهای ساده می شود بحث ها را جلو برد، ولی حالا به مرور متوجه شـده ایم که خیلی پیچیده است (مثلا ایشان مثال سـربازی و صنعت و... را می زدند). ما سعی داریم این حرف آیت الله خامنه ای شرح پیدا کند که این پیچیدگی ها چیست؟ بله؛ پول طلا پول اسـلام است ولی بخشـی از پیچیدگی هایش این است که شـما باید تاثیر مجموعه بخش های دیگر اقتصاد و پول را تحلیل کنید. با صـرف گفتن پول طلا و اینکه مصوبه ای در مجلس بگذرانیم و بگوییم پول رسمی ایران پول طلا شده است؛ ممکن است یک عده ای قانونا بتوانند مبادله خرد انجام بدهنـد، ولی آیـا کـل اقتصـاد تحت تـاثیر قرار می گیرد؟! اساسا وقتی قرار است دو بنگاه بزرگ در داخل ایران با هم مبادله کننـد (من وقتی بعضـی وقت ها عـددهای اینها را در برخی دفاتر حسابـداری می بینم اصـلا برای ماهایی که یک زنـدگی ساده ای داریم قابل شـمارش نیست!) خب؛ به آنها حق بدهیـد که بگوید: من این همه عدد بزرگ را چگونه با پول طلا جابجا کنم؟! اما اگر شما فضا را برگردانید، مساله حل خواهد شد.

1/1/5. تبدیل 60 درصد از پروژه های کلان تولیدی به پروژه های خرد؛ راهکاری برای حل چالش تامین مالی پروژه ها

پس یک چالش تامین مالی پروژه ها بود. من عرض کردم که پروژه های کلان ما از نصف کمتر می شود. اشـکالی هم ندارد؛ ما الان در دوران گذار هستیم. ما 60 درصـد پروژه هـای تولیـدی مان را خرد می کنیم و تامین اعتبارش را هم از ساختار بودجه ریزی خودمان تامین می کنیم. 40 درصد باقیمانده را هم خود شـما بـا نظر خودتان حل کنیـد؛ عیبی نـدارد. چون نظام سازی تـدریجی است. اما اگر بتوانیم 60درصـد بـازار ایران را در ظرف 10 سـال به پول طلا برگردانیم؛ می توانید مقایسه کنید و ببینید که چقدر مردم آسایش پیدا خواهند کرد، و چقدر زندگی آنها راحت تر خواهد شد.

2/5. تبادلات بین المللی؛ دومین چالش اجرایی پول غیراعتباری

اشاره

یک چالش دیگر تبادلات بین المللی است که این را هم توضیح دادم و در خلال بحث های قبل واضح شد. تبادلات بین المللی در حوزه غذا و لباس خیلی کم خواهد شد؛ مگر آن چیزهایی که نتوان در داخل روی آنها بحث کرد. (من نمی دانم شما چه مقدار با اقلیم ایران آشنا هستید. ایران به لحاظ طبیعی دارای یک اقلیم نیست؛ نزدیک به 10 اقلیم است. یعنی شـما در داخل ایران می توانید در همه فصل های سال تولید کشاورزی داشته باشید، تولید دامداری داشته باشید. فضا خیلی فضای خوبی است. که در استراتژی کشاورزی باید آن را بحث کنیم.)

1/2/5. تولید خانگی و محلی غذا و ایجاد مشاغل خُرد؛ راهکاری برای حل چالش تبادلات بین المللی

بنابراین تبادلات بین المللی در حوزه غـذا کاهش پیـدا می کنـد. خصوصا اگر شـما قبول کنیـد که غـذا ابزار بیوتروریسم است. اگر این را بپذیریـد که از نظر استراتژی امنیت ملی آمریکا سـلاح سه چیز است: یکی سـلاح های مرسوم، یکی دارو، یکی غـذا ! آنوقت دیگر حتما می توانیـد با مردم تفاهم کنید که باید تولیـد ملی غـذا داشـته باشـیم. تولید ملی غذا آن هم نه به نحو متمرکز، بلکه به نحوخانگی و محلی. آن شـش دلیل [برای ناکارآمدی تولید صـنعتی] را وقتی بحث می کنیم، این دلیل آخر که غـذا را به عنوان بیوتروریسم تحلیل کنیم؛ میخی است بر تابوت تولید صـنعتی غذا! بنابراین ما مشـکل تبادلات بین المللی هم پیـدا نمی کنیم. لااقل در مسائل روزمره مردم می توانیم از همین مسـیر اسـتفاده کنیم و دیگر این پیچیـدگی ها را نمی بیننـد؛ البته یک نظام پولی و مالی دیگری طراحی خواهد شد. حتما بانک نخواهد بود. من معتقدم که اصـلا چیزی به اسم "بانک اسـلامی" نداریم. دوسـتانی که بانک غیر ربوی را مطرح کرده اند؛ به لحاظ موضوع شناسی ساختار اقتصاد اسلامی را درست تصویر نکرده اند. حالا اینها یک بحث های کارشناسی است. یک

تلاش هایی هم که در حوزه بانکداری است؛ اشکالاتش همین است. یعنی از یکسو دوستان بقیه ساختار اقتصاد را تصویر نمی کنند، تبادل مالی بزرگ را نمی توانند حذف کنند. اگر شما تبادل مالی کلان داشته باشید، حتما باید "بانک" (1)

را بپذیرید. بانک را هم پذیرفتیم، یک جوری هم باید آن را اسلامی کنیم! برخی از دوستان جدیدا می خواهند "هوش مصنوعی" را اسلامی کنند! الحمدلله در این چهار دهه بانک هم اسلامی شد، دانشگاه آزاد اسلامی و... خیلی از این کارهای اسلامی شدن را ما انجام دادیم! و قبول هم داریم که در این مساله موفق بوده ایم! لذا اشکال ما به آن لایحه ای که در مجلس است این است که جناب حجت الاسلام آقای بحرینی و سایر دوستان که خیلی تلاش می کنند نمی خواهند اصلاحات را در طبقه بندی مشاغل و الگوی تولید و بازار ایجاد کنند؛ لذا بانک هم باقی می ماند. بله؛ ما نهاده های واسطه تامین مالی داریم؛ ولی حتما آن بانک نخواهد بود. که حالا باید تاملی هم انجام بدهیم که کدام اسم را که در آیات و روایات و سابقه دینی ما هست انتخاب کنیم که الان وقتش نیست. عمده بحث این است که یک درکی پیدا کنیم که می خواهیم چه کار کنیم. خب؛ این هم از مساله تبادلات بین المللی.

پس عرض ما تمام شد. من چهار پرسش را حول مساله پول مطرح کردم: 1- تعریف سود از نگاه دین چیست؟ و تاثیرش بر پول چیست؟ اگر پول و ثروت را محدود کنیم به ارزش افزوده، یک مسیر را در پول طی خواهیم کرد و اگر بگوییم که سود سود ارتباطی است، یک مسیر دیگری را. 2- پول اعتباری نسبت به سود ارتباطی مانع ایجاد می کند؛ چون اعتباردهندگان به پول، دارند بر اموال مردم سلطه ایجاد می کنند و آنها مصون از خطا نیستند. این هم سرفصل دوم بود. بنابراین با تنظیم روابط انسانی پول واقعی و پول دارای مالیت و به تعبیر دوستان پول طلا بهتر تناسب دارد. 3- ساختار سوم بحث امور و مسائل موثر بر پول بود که این بحث در کارهای فقهی قبلی که دوستان انجام داده اند دیده نشده بود و به نظر من باید بعدا راجع به آن یک مباحثه ای انجام بدهیم. و چالش های اجرایی پول طلا را هم که اشاره کردم. این مجموعه عرائض بنده بود و از اینکه تصدیع کردم و مزاحم شدم عذرخواهی می کنم.

والحمدلله رب العالمین

1- . ارجاع پرورشی: بانک (Bank): موسسه ای است برای وام دادن، وام گرفتن، صدور و نشر اسکناس یا نگهداری پول. خصوصیت اساسی اقتصادی بانک ایجاد اعتبار است. بانک ممکن است به صورت شرکت یا شخصی باشد. امتیاز و اجازه بانک را دولت اعطا می کند. فرهنگ علوم اقتصادی، ص71

پیوست ها:

پیوست شماره 1: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور

حضرت آیت الله جوادی آملی:

ایرنا؛ 4 فروردین 97 – آیت الله جوادی آملی با انتقاد از عملکرد برخی بانکها و اخذ دیرکرد از تسهیلات اعطایی خاطرنشان کرد: این اقدام بانکها رباست و با آموزه های قرآن، پیامبر اکرم و ائمه معصومین مغایرت دارد.

ایکنا؛ 15 فروردین 97 – قرآن، شیطان را مستکبر معرفی کرده ولی من به خاطر ندارم محاربه به شیطان نسبت داده شود؛ ولی فرمود بانکهای ربوی محارب هستند، بنابراین شما دائماً بگویید سال اشتغال و تولید، ولی تا سرمایه غیرربوی نباشد درست نخواهد شد.

تسنیم؛ 24 فروردین 97 – طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری ربوی سبب آبروبری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه های کشور با سوء مدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن های انبوهی است که خالی افتاده اند.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: شما ببینید چرا قرآن رباخوار را دیوانه می داند؟ اینها سالیان متمادی درس خواندند، کیفیت سود، کیفیت درآمد، کیفیت وام دادن، کیفیت وام گرفتن، را آموختند تا شدند متخصص فنّ بانکداری ربوی! اینها در رشته خود عالم هستند. اما در سوره مبارکه «بقره» فرمود: الَّذِینَ یأْکُلُونَ الرِّبَا لاَ یقُومُونَ إِلاَّ کَمَا یقُومُ الَّذِی یتَخَبَّطُهُ الشَّیطَانُ مِنَ الْمَسِّ)، می فرماید این مخبّطانه [دیوانه وار] دارد زندگی می کند، چون حرف خدا و پیغمبر را گذاشته زمین، و دنبال سود حرام رفته است.

حضرت آیت الله نوری همدانی:

ایلنا؛ 7 اردیبهشت 97 – وی به تعطیلی برخی کارخانه ها و واحدهای تولیدی کشور اشاره کرد و گفت: به نظرم مهمترین عامل تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی سیستم ربوی بانک هاست. بسیاری از بانک ها در ابتدا تسهیلاتی در اختیار برخی از کارخانه ها قرار می دهند اما بعد از مدتی به گرفتن سود و حتی دیرکرد از تسهیلات داده شده اقدام می کنند در حالی که دیرکرد اقساط توسط بانک ها ربا محسوب می شود که مهمترین عامل ناتوانی اقتصادی است.

وی با بیان اینکه در هفت جای قرآن کریم مساله ربا مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است، گفت: بارها گفته ایم که گرفتن دیرکرد توسط بانک ها نوعی رباست و امیدواریم وزارت رفاه، کار و تعاون اجتماعی با هدف کمک واحدهای تولیدی برای رفع این مشکل اقدام کنند.

آیت الله نوری همدانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی باید متفاوت باشد، گفت: در کشورهای غربی تمرکزشان روی همین بانک های ربوی است تا بتوانند 99 درصد جامعه را زیر سیطره یک درصد ثروتمند قرار دهند. تازه بیشتر امتیازاتشان برای کارخانه های اسلحه سازی است اما ما نباید به سمت بانک های ربوی حرکت کنیم.

تسنیم؛ 24 شهریور 97 – آیت الله نوری همدانی تصریح کرد: حوزه علمیه قم همیشه در کنار دانشگاه بوده و است و دشمنان اسلام سعی می کنند حوزه علمیه و انقلاب را ناکارآمد نشان دهند درحالی که این مسئله درست نیست، خیلی از اوقات نیزحرف های بزرگان حوزه پخش نمی شود به همین جهت مردم فکر می کنند که ما مطالبه گر نیستیم؛ به عنوان مثال بارها تأکید کرده ایم که اخذ دیرکرد توسط بانک ها حرام است ولی یا به گوش مسئولان نمی رسد و یا می رسد ولی عمل نمی کنند.

مهر؛ 2 بهمن 97 – وی خاطرنشان کرد: در چند سال اخیر بارها گفتم که دیرکرد حرام است و دیرکرد ربا به شمار می رود، اما باز هر روز مردم به من نامه می نویسند که در بانک ها از آن ها دیرکرد گرفته می شود.

رسا؛ 15 اسفند 97 – گـاهی اسم ربـا را تغییر می دهنـد و آن را پیگیری می کننـد، قرض بـا زیـادت در هر صورت ربا است و گاهی با عنوان اوراق قرضه و مشارکت چنین مسأله ای را طراحی می کنند.

رسا؛ 22 اسفند 97 – حضـرت آیت الله حسین نوری همدانی امروز در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که بانکداری در نظام اسـلامی بایـد بدون ربا باشـند، گفت: متأسـفانه امروز ربا به اشـکال مختلف در نظام بانکی مشاهده می شود، در حالی که ربا از شدیدترین گناه ها و مشـی غربی ها است و نباید در جامعه و نظام اسلامی وجود داشته باشد.

وی افزود: بایـد ماهیت بانک ها تغییر کنـد و رباخواری برچیده شود، بانک بدون ربا این است که پول برای خود انسان باشد و به عنوان اعتماد به بانک سپرده شود تا در جریان اقتصادی حلال و صحیح مورد استفاده قرار گیرد نه این که بانک ها بنگاه اقتصادی راه اندازی کنند و ربا وجود داشته باشد.

حضرت آیت الله نوری همدانی با تأکید بر تسریع در رفع اشکالات نظام بانکی و رفع دغدغه های مردم و بزرگان اظهار داشت: 40 سال از انقلاب گذشته و هنوز وضـعیت بانک ها سامان پیدا نکرده است، علما باید در رسانه ها و تلویزیون مردم را نسبت به مسائل بانکی توجیه کنند تا خواسته و ناخواسته دچار ربا نشوند.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ فکری برای بانکداری بدون ربا نشده است در حالی که مسؤولان مربوطه باید در این زمینه اهتمام داشته باشند، بانک های جامعه اسلامی نباید دنباله رو غرب باشند، کمیسیون اقتصادی مجلس باید بانکداری اسلامی بدون ربا را تصویب و دولت آن اجرایی کند.

اسـتاد برجسـته درس خارج حوزه علمیه قم ابراز داشت: در گزارش کمیسـیون اقتصادی آمـده که قرار است بانکداری بدون ربا را تصویب کنند اما این طرح کامل و دقیق نیست و باز هم اشکالاتی دارد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

مهر؛ 22 اردیبهشت 97 – بعضـی بانک ها قرض الحسنه 28 درصدی می دهند، یعنی چه؟ نام ربا خواری را به دروغ، قرض الحسـنه می گذارند، درسـت نیست.

رسا؛ 8 آذر 97 – وی افزود: برخی می گوینـد مـا ازدواج کردیم امـا آرامشـی ندیـدیم، در جواب اینها بایـد گفت ازدواج شـما مبتنی بر آموزه ها و اخلاق اسـلامی نبوده است، به چند دلیل؛ دلیل نخست توقعات زیاد. فرد به دلیل توقعات زیاد مجبور به گرفتن وامشده و در بازپرداخت اقساط آن دچار مشکل می شود آن هم با وضعیت کنونی بانک ها که می دانید چه بلایی سر مردم در می آورند.

این مرجع تقلیـد افزود: بانـک هـا وام بـا سودهای کلان به مردم پرداخت می کننـد، اگر فرد در پرداخت اقساط تاخیر کرد، جریمه دیرکرد می گیرنـد و باز بر همان جریمه هم جریمه مضاعف می گیرند.

تسنیم؛ 2 بهمن 97 – بانک ها وام قرض الحسنه ای که می دهند قطعاً خلاف شرع است، چهار درصد حق الزحمه را تعیین کردیم که بانک ها با یک زرنگی بیش از این میزان را از مردم دریافت می کنند که میزان آن به 20 درصد رسیده و نوعی رباخواری آشکار محسوب می شود.

پایگاه مرجع عالیقدر؛ 22 بهمن 97 – معظم له با انتقاد از سیسـتم بانکی کشور، تصریح کردند: بانک ها با وضعیتی که ایجاد کرده اند، مردم را بیچاره کرده و به خاک سیاه نشانده اند؛ به اسم تسهیلات قرض الحسنه و به جای این که چهار درصد کارمزد برای طول دوره بازپرداخت تسهیلات دریافت کنند، هرسال 4 درصد دریافت می کنند و در پایان سال پنجم بیست درصد سود از باقیمانده از مردم دریافت می کنند، این رباخواری آشـکار است که به نام قرض الحسنه انجام می شود.

حضرت آیت الله مظاهری:

حوزه نیوز؛ 17 دی 97 – آیت الله العظمی مظاهری گفتند: متأسفانه در زمان حاضر، رباخوردن و ربادادن عادی شده و بعضی مثل اینکه بخواهند با حیله های شرعی موش را آب بکشند و بخورند، ربا می خورند.

حضرت آیت الله سبحانی:

تسنیم؛ 2 بهمن 97 – مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه دیرکرد بانک ها ربا محسوب می شود، گفت:هم اکنون استفتائات رسیده به دفتر مراجع و علما مربوط به عملکرد بانک ها در زمینه تسهیلات بانکی است.

حضرت آیت الله علوی گرگانی:

تسنیم؛ 2 بهمن 97 – مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از بی توجهی نسبت به اصلاح سیستم بانکی و حذف پدیده تأسف ربا گفت: پدیده زشت ربا سبب شده تا مردم چند برابر وامی که دریافت می کنند بازپرداخت به بانک ها تحویل بدهند، ربا و دیرکرد باید از سیستم بانکی حذف شود.

حوزه نیوز؛ 9 بهمن 97 – این مرجع تقلید گفتند: موضوع دیگر در حال حاضر، مسئله بانکداری است که بسیار مهم است. اکثر استفتائاتی برای ما می آید در مورد طلاق و بانکداری است، مسئله بانکداری باید به صورتی که حقیقی باشد، انجام شود.

معظم له ادامه دادند: خدا شهید آیت الله صدر را رحمت کند که کتابی در مورد بانک ربوی و... نوشت، ولی این سبک در ایران قابل پیاده و اجرا شدن نیست، ولی فکر خوبی است، مسئله بانکداری را باید در کشور حل کرد.ایشان افزودند: این همه ربا در کشور، برکات را ازبین خواهد برد. بسیاری از کسانی که گرفتار زندان هستند، به دلیل همین سود بانکی است.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با بیان این که درصد و جریمه گرفتن از مردم به ویژه در این شرایط بد اقتصادی کار اشتباهی است.

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم

https://b2n.ir/150132

پیوست شماره 2: توضیح بیشتر در مورد سود ارتباطی

افزایش سود اقتصادی؛ ملاک انتخاب شغل در نظام اقتصادی سرمایه دارای

در مشاغل موجود ارزش مطلق ایجاد ارزش افزوده است؛ یعنی وقتی کسی رشته اقتصاد را بحث می کند، ارزشِ مطلق در همه مفاهیمی که در حوزه اقتصاد مطرح شده است این است که ربح و سود –به معنای ارزش افزوده– ایجاد شود و این اصلاً مبنای تجارت و تولید است. در کشورهای توسعه یافته و در بازارهای کارِ فعلی کار به جایی رسیده که ایجاد ارزش افزوده به قیمت نفی همه ارزش های دیگر بشر در دستور کار قرار گرفته است؛ یعنی مثلاً وقتی ارزش بخش خدمات و بخش صنعتِ جوامع توسعه یافته را به تفکیک ارزیابی می کنید، موارد متعددی را پیدا خواهید کرد که بعضی از کالاها تولید می شوند، بعضی از خدمات ارائه می شوند، فقط و فقط به خاطر اینکه ارزش افزوده ایجاد کرده اند. در حالی که آن ارزش افزوده ای که مثلاً از ناحیه تجارت الکل – که یک تجارت مفصل است– به دست می آید، یا از ناحیه تجارت اعضای بدن انسان ها به دست می آید و یا از ناحیه خدمات حوزه فحشا در صنعت توریسم به دست می آید، نافی ده ها مفهوم ارزشی مرتبط با حوزه روابط انسانی است. بنابراین ما وقتی در حوزه فقه المکاسب مباحثات خودمان را از بحث طبقه بندی مشاغل شروع می کنیم، در واقع به یک معیارهای جدیدی توجه می دهیم و قصد

داریم معیارهای جدید حاکم بر حوزه کسب که در فقه و حدیثِ ما مطرح شده است را در نهایت با معیارهای موجود حاکم بر استارت آپ ها و بازار فعلی و سنجه های حوزه کار مقایسه کنیم. پس این، دلیل ورود ما به پرداختن به مسئله طبقه بندی مشاغل است و این را نقطه آغازین بحث دانسته ایم تا نظام ارزش های حاکم بر حوزه کار و بر حوزه اقتصاد و معیشت را تفاهم حداکثری کنیم...

افزایش سود ارتباطی براساس چهار دسته روایات و آیات در حوزهٔ مکاسب؛ ملاک انتخاب شغل در مکاسب جدیددر فقه شیعه در مجموع در حوزه طبقه بندی مشاغل، با چهار دسته روایات و آیات روبه رو هستیم؛ یعنی با بررسی چهار دسته از آیات و روایات می توانیم طبقه بندی حوزه مشاغل و مفاهیم حاکم بر مشاغلِ صحیح را در نظامِ ارزشی اسلام به دست بیاوریم.

... در مجموع آنچه من می خواهم امروز بر روی آن تکیه کنم، این است که از مجموع این چهار دسته روایت که به محضرتان خواندم، یک ملاک و مناطی به دست می آید و آن هم مسئلهٔ «سود ارتباطی» است که باید در حوزهٔ مشاغل و مکاسب ما حاکم باشد؛ یعنی هم دستهٔ اول روایات که به نحو عام بحث می کرد، کاملاً در این وضوح داشت که مسئلهٔ سود ارتباطی، مفهومی حاکم بر حوزهٔ مشاغل است. برای نمونه آنجا که فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» این روایت به وضوح، بهینه شدن روابط انسانی را در حوزهٔ خانوادگی محل بحث قرار می دهد. همچنین آن روایتی که فرمود: «تَرْكُ التِّجَارَةِ يَنْقُصُ العَقلَ» به علاوهٔ روایاتی که می فرماید: «مدارا نصف عقل است» در واقع ما را به مسئلهٔ حکومت سود ارتباطی در حوزهٔ تجارت و بیع، رهنمون می کند! همچنین آن روایتی که فرمود: «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ» باز مطرح کننده سود ارتباطی است؛ یعنی دین که عامل فلاح انسان هاست، نباید ابزار کسب و اکتساب شما قرار گیرد. همچنین آن روایتی که فرمود: «فرزندت را بیّاع طعام قرار نده [چرا که لاجرم مبتلا به احتکار می شود] « فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الِاحْتِكَارِ» مسئلهٔ احتکار ظهور در بهینه شدن روابط انسانی دارد. یا مثلاً روایتی که فرمود: « لَا تُسْلِمْهُ بَيَّاعَ الْأَكْفَانِ» فرزندت را فروشندهٔ کفن قرار نده در معلل آن آمده است که فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسُرُّهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ» صاحب کفن از مرگ دسته جمعی افراد خوشحال می شود.

در مجموع، همهٔ روایاتی که خواندیم به نحو مستقیم یا غیر مستقیم ما را به مسئلهٔ سود ارتباطی دلالت می دهند. این آن بحثی است که الآن خواستم محضر شما مطرح کنم. پس ما مفهوم عامی را از این روایات استفاده می کنیم و آن مفهوم عبارت از این است که ما در حوزهٔ کسب، ارزشی به نام سود ارتباطی داریم. سود ارتباطی را در مباحثات نظریه تَعَرُّف بحث کرده ایم که در سیزده حوزه دارای استظهار است. البته با تلاش فقهی محدودی که ما انجام داده ایم و احتمالاً در حوزه های دیگر نیز بتوان آن را اضافه کرد ولی به هر حال فارغ از اینکه سود ارتباطی ممکن است در یکی از این ساختارهای سیزده گانه موضوعیت پیدا کند، اصل آن یک مفهوم قابل توجه و قابل فهم است که ما در طراحی الگوی تولید و توزیع و تفاهم حوزهٔ مشاغل می توانیم از آن استفاده کنیم.

بخشی از جلسه دوم از دوره پژوهشی "فقه المکاسب"، از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

پیوست شماره 3: جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود

با توجه به اینکه GDP مهم ترین شاخص ارزیابی اقتصاد برشمرده می شود [1] و در تعریف آن، مسئلهٔ «ارزش افزوده» اخذ شده است [2] می توان با قطعیت بیان داشت که مفهوم ارزش افزوده، زیرساخت بنیادین علم اقتصاد مدرن بوده و رشد آن، هدف غایی این فن پوزیتیویستی برشمرده می شود.

The GDP growth rate is probably the single best indicator of economic growth [1]

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی احتمالا بهترین شاخص رشد اقتصادی است.

منبع: دانشنامه Investopedia

سرمایه گذاری و آموزش امور مالی

آدرس مطلب: yon.ir/5xsLp

Gross Domestic Product (GDP) is the total monetary or market value of all the finished goods and services produced [2] within a country's borders in a specific time period. As a broad measure of overall domestic production, it functions as a comprehensive scorecard of the country's economic health.

تولید ناخالص داخلی (GDP) کل ارزش پولی یا بازار کلیه کالاهای تمام شده و خدمات تولید شده در مرزهای یک کشور در یک بازه زمانی خاص است. این متغیر

جهت اندازه گیری گسترده تولید داخلی ، به عنوان یک کارت امتیازی جامع برای سلامت اقتصادی کشور عمل می کند.

منبع: دانشنامه Investopedia

آدرس مطلب در: yon.ir/erKDi

پیوست شماره 4: توصیه فراوان آیات و روایات به "قرض الحسنه"

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ. (سوره مبارکه حدید، آیه 11)

کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟

پاداش قرض الحسنه:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّيَ الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو الصِّينِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ مُيَسِّرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالا ـ خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ: ... مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ قِنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِهِ فَنَالَ بِهَا الْجَنَّةَ وَ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرَبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه عمر شریفشان فرمودند: ... هرکس به اندوهگینی [که مالش را از دست داده] وام (قرض) دهد و در پس گرفتن آن مراعات کند، عمل را از نو شروع کرده است (گناهانش پاك شده) و خداوند به ازای هر درهم، هزار قنطار (صد رطل) از [درهم] بهشت به او عطا

کنـد. و هر کس گرفتـاری ای از گرفتاری های دنیا را از برادر مومنش رابرطرف کنـد خداونـد به او نظر رحمت افکنـد پس به وسـیله آن به بهشت می رسـد و خداوند گرفتاری های دنیا و آخرت او را برطرف می کند...

ص: 38

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص 289 / أعلام الدين)ديلمی)، ص 421

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 16، ص 344 / بحار الأنوار، ج 73، ص 368

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِناً قَرْضاً يَنْتَظِرُ بِهِ مَيْسُورَهُ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُؤَدِّيَهُ إِلَيْهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به مؤمنی قرض دهد و در انتظار گشایش کار او باشد آن مال ثواب زکات خواهد داشت، و فرشتگان همواره بر او درود می فرستند تا آنکه قرض گیرنده مال او را ادا کند. (ترجمه انصاری)

مصدر اصلی: ثواب الأعمال، ص 138 / أعلام الدين (ديلمی)، ص 390

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 100، ص 139 / وسائل الشيعة، ج 18، ص 330

فضیلت و برتری قرض الحسنه بر صدقه:

أَبِي ره قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَبَّابٍ الْقَمَّاطِ عَنْ شَيْخٍ كَانَ عِنْدَنَا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَأَنْ أُقْرِضَ قَرْضاً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ [أَنْ] أصله [أَصِلَ] بِمِثْلِهِ وَ كَانَ يَقُولُ مَنْ أَقْرَضَ قَرْضاً فَضَرَبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يُؤْتَ بِهِ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَلِ فَإِنَّ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَتَأَخَّرُ عَنْهُ ذَلِكَ الْأَجَلُ مِثْلَ صَدَقَةِ دِينَارٍ وَاحِدٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

پیرمردی از راویان که نزد ما بود گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: مالی را قرض دهم خوش تر دارم از اینکه آن را ببخشم. و می فرمود: هر کس مالی را قرض دهد و برای آن مدّتی معین کند و قرض گیرنده نتواند آن را در سر آمد معین ادا کند، به هر روزی که آن را به تأخیر می افکند برای صاحب مال ثواب صدقه دادن يك دينار در هر روز خواهد بود. (ترجمه انصاری)

مصدر اصلی: ثواب الأعمال، ص 138

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 18، ص 329

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَاسِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ النَّبِيُّ ص: أَلْفُ دِرْهَمٍ أُقْرِضُهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ [أَنْ] أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً وَ كَمَا لَا يَحِلُّ لِغَرِيمِكَ أَنْ يَمْطُلَكَ وَ هُوَ مُوسِرٌ فَكَذَلِكَ لَا يَحِلُّ أَنْ تُعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ.

عبد اللَّه بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هزار درهم را دو بار قرض دهم نزد من محبوب تر است از اینکه آن را یك بار با آنها صدقه دهم، و همان گونه که برای بدهکار تو روا نیست که ادای دین را در صورت قدرت به تأخیر افکند، برای تو نیز روا نیست که در صورت آگاهی از تنگدستی وی، او را تحت فشار قرار دهی.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 139عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رِبْعِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِناً يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ.

امام صادق(علیه السلام): هیچ مومنی نیست که به مومنی قرض بدهد و فقط خدا را در آن رعایت کرده باشد مگر اینکه خداوند برای او اجر صدقه حساب می کند تا اینکه مالش را به وی بازگرداند.

الكافي، ج 4، ص 34 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 58 / ثواب الأعمال، ص 138

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةَ عَشَر.

ص: 39

امام صادق(علیه السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و در روایت دیگر: پانزده برابر.

الكافي، ج 4، ص 33 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 58

الصَّدُوقُ فِي الْهِدَايَةِ، قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ وَ إِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا

امام صادق (علیه السلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسی که قرض می گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می دهد، ولی کسی که صدقه می گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست.

بحار الأنوار، ج 100، ص 139 / مستدرك الوسائل، ج 12، ص 364

کیفر قرض ندادن در صورت توان:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْأَبْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ الْغَلَابِيُّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: ... مَنِ احْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ...هرکس برادر مسلمانش به او برای قرضی نیاز داشته باشد و او بتواند نیاز او را برطرف کند ولی انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند...

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 15 / الأمالي(للصدوق)، ص 430

منابع دیگر: مكارم الأخلاق، ص 431 / وسائل الشيعة، ج 16، ص 389 / بحار الأنوار، ج 100، ص 138

پیوست شماره 5: نهی فراوان آیات و روایات از "ربا"

آیات قرآن:

أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُواْ الرِّبَوٰاْ أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً

وَ اتَّقُواْ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ(سوره مبارکه آل عمران، آیه130)

ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (ترجمه انصاریان)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَوٰاْ لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَوٰاْ وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَوٰاْ فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُوْلَئِكَ أَصْحَبُ النَّارِ

هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ(سوره مبارکه بقره، آیه275(

کسانی که ربا می خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم

آن] به دست آورده مال خود اوست، و کارش [از

ص: 40

جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خـداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش اند، و در آن جاودانه اند. (سوره مبارکه بقره، آیه 275)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَواْ وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كلُ كَفَّارٍ أَثِيمٍ(سوره مبارکه بقره، آیه 276(

خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (ترجمه انصاریان)

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ ذَرُواْ مَا بَقِىَ مِنَ الرِّبَواْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ(سوره مبارکه بقره، آیه 278)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (ترجمه انصاریان)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ(سوره مبارکه بقره، آیه 279)

واگر چنین نکردیـد [و به رباخواری اصـرار ورزیدیـد] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سـرمایه های شما برای خود شـماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید. (ترجمه انصاریان)وَ إِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىَ مَيْسَرَةٍ وَ أَن تَصَدَّقُواْ خَيرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ(سوره مبارکه بقره، آیه 280(

و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شـماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و بخشـیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت وثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (ترجمه انصاریان)

روایات:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّيَ الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو الصِّينِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ مُيَسِّرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالا خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ:...وَ مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنِ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيرَاطٌ...

رسول خدا (صـلی الله علیه و آله): هر کس ربا بخورد، خداوند شـکم او را به اندازه ای که ربا خورده پر از آتش جهنم می کند. و اگر از آن مالی کسب کرده باشـد، خداوند هیچکدام از اعمال او را قبول نمی کند و تا مادامی که قیراط (چیز اندکی) از آن مال ربا در نزد اوست دائماً خدا و فرشـتگان او را لعن خواهند کرد...

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص 281 / جامع الأخبار(للشعيري)، ص 145

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 100، ص 120 / وسائل الشيعة، ج 18، ص 122

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بِشْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرِّبَا فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِيَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التِّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشِّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ.

هشام بن حکم نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به علّت و سبب تحریم ربا پرسیدم؟ حضرت فرمودند: اگر ربا حلال می بود مردم تجارات را رها می کردند و نیازی به آن نداشتند، از این رو حقّ عزّ و جلّ ربا را حرام فرمود تا مردم از حرام دوری کرده و رو به تجارات و بیع و شراء آورند، پس ربا در قرض بین مردم باقی ماند.

مصادر اصلی: علل الشرائع، ج 2، ص 482 / من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 567

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج 18، ص 120

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّحَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ:... عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعِلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ.

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سوالات محمدبن سنان:... علت تحریم ربا در نسیه دادن: بخاطر از بین رفتن معروف (قرض)، و تلف شدن مال، و اشتیاق پیدا کردن مردم به گرفتن سود از یکدیگر، و ترک کردن قرض دادن و کارهای خیر دیگر نسبت به یکدیگر، و بخاطر اینکه در ربا فساد و ظلم و از بین رفتن اموال انسانهاست.مصادر اصلی: علل الشرائع، ج 2، ص 483 / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 94

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج 18، ص 121 / بحار الأنوار، ج 6، ص 100

پیوست شماره 6: آیات و روایات در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی

آیات قرآن:

مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً كَثيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُون. (سوره مبارکه بقره، آیه 245)

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می گیرد و وسعت می دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می شوید (ترجمه انصاریان)

مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ في سَبيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ في كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه 261)

مَثَل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (ترجمه انصاریان)

وَ مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ تَثْبيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصابَها وابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَها ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْها وابِلٌ فَطَلٌّ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (سوره مبارکه بقره، آیه 265)

ومثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه اش را دو چندان بدهد، و اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی برسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (ترجمه انصاریان)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثيمٍ (سوره مبارکه بقره، آیه 276)

خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (ترجمه انصاریان)

روایات:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه بدهید؛ چرا که صدقه بر مال می افزاید؛ و خدایتان رحمت کند، صدقه بدهید.

الكافي، ج 4، ص 9

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَارُونَ بْنِ عِيسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمُحَمَّدٍ ابْنِهِ يَا بُنَيَّ كَمْ فَضَلَ مَعَكَ مِنْ تِلْكَ النَّفَقَةِ قَالَ أَرْبَعُونَ دِينَاراً قَالَ اخْرُجْ فَتَصَدَّقْ بِهَا قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مَعِي غَيْرُهَا قَالَ تَصَدَّقْ بِهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْلِفُهَا أَ مَا عَلِمْتَأَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحاً وَ مِفْتَاحَ الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ فَتَصَدَّقْ بِهَا فَفَعَلَ فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَشَرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعٍ أَرْبَعَةُ آلَافِ دِينَارٍ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَعْطَيْنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَاراً فَأَعْطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.

امام صادق(علیه السلام) به فرزندش محمد فرمود: ای پسرم! از این خرجی چه مقدار در نزد تو اضافه آمده است؟ گفت: چهل دینار. امام فرمود: بیرون برو و به وسیله آن صدقه بده. محمد گفت: همانا در نزد من غیر از این چهل درهم چیزی باقی نمانده است. حضرت فرمود: با آن صدقه بده! چرا که خداوند عزّ وجل آن را جایگزین خواهد کرد؛ مگر نمی دانی که برای هر چیزی کلیدی است و کلید رزق صدقه است؟! پس با آن صدقه بده. پس محمد این کار را انجام داد. پس بیش از ده روز نگذشت که محمد با چهارهزار دینار نزد امام آمد! پس حضرت فرمود: ای پسرم! ما برای خدا چهل دینار بخشیدیم، پس خداوند چهار هزار دینار بخشید.

الكافي، ج 4، ص 9

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْبِرُّ وَ الصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمُرِ وَ يَدْفَعَانِ تِسْعِينَ مِيتَةَ السَّوْءِ.

امام باقر (علیه السلام): کار نیک و صدقه فقر را از بین می برند و عمر را زیاد می کنند و نود مرگ بد را دفع می کنند.

الكافي، ج 4، ص 2 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 66 / الخصال، ج 1، ص 48 / ثواب الأعمال، ص 141

سند خصال و ثواب الاعمال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

(الا اَنّ فیهما بدل تسعین سبعین)

عن امیرالمومنین علیه السلام: إذا أملَقتُم فَتاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقة.

امام علی علیه السلام: هرگاه نادار شدید، با صدقه با خدا سودا کنید.

نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص 513 - حكمت 258

قَالَ الصادق ع: إِنِّي لَأُمْلِقُ أَحْيَاناً فَأُتَاجِرُ اللَّهَ بِالصَّدَقَة.

امام صادق علیه السلام: گاهی اوقات من تنگدست می شوم و به وسیله صدقه، با خدا سودا می کنم.

مصدر اصلی: کشف الغمة (اربلی)، ج 2، ص 205

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 75، ص 206

رسولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أكثِرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تُرزَقُوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیاد صدقه بدهید تا روزی داده شوید.

مصادر اصلی: إرشاد القلوب (لديلمي)، ج 1، ص 45 / أعلام الدين (ديلمى)، ص 333

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 74، ص 176

ص: 43

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَخْلُفُ بِالْبَرَكَةِ.

امام صادق علیه السلام: صدقه دادن قرض را ادا می کند و برکت بر جای می گذارد.

الكافي، ج 4، ص 9

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ ادْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالدُّعَاءِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّهَا تُفَكُّ مِنْ بَيْنِ لُحِيِّ سَبْعِمِائَةِ شَيْطَانٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ الْعَبْدِ.

امام صادق (علیه السّلام): بیمارانتان را با صدقه مداوا کنید، و بلا را با دعا دفع نمائید، و نزول رزق را بوسیله صدقه بطلبید، زیرا که صدقه رزق را از میان دو فكّ هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آنند رها میسازد، و هیچ چیز بر شیطان سنگین تر از صدقه بر مؤمن نیست. و صدقه پیش از آنکه در دست بنده واقع شود، در دست خدای تبارك و تعالی قرار میگیرد.

الكافي، ج 4، ص 3 / من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 66 / تهذيب الأحكام، ج 4، ص 112

سند تهذیب: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأُشْنَانِيُّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِبَلْخ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَهْرَوَيْهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: التَّوْحِيدُ نِصْفُ الدِّينِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): توحید نصف دین است و رزق و روزی خود را با صدقه دادن فرو فرستید.

التوحيد (للصدوق)، ص 68 / عيون أخبار الرضا، ج 2، ص 35

قَالَ احمد بن محمد بن خالد: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): روزی را، با صدقه فرود آورید.

مصادر اصلی: الكافي، ج 4، ص 10 / من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 381 / قرب الإسناد، ص 118

سند قرب الاسناد: عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفريات (الأشعثيات)، ص 57

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِبْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

منابع دیگر: عدة الداعي، ص 69 / النوادر (للراوندي)، ص 3 / نهج البلاغة (للصبحي صالح)، ص 494 / تحف العقول، ص 60

رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: ...اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ...

امام صادق (علیه السلام): روزی را با صدقه فرود آورید؛ هر کس به جایگزین شدنِ مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و

سخاوت پیدا خواهد کرد.

من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص: 416عن امیرالمومنین (ع): مَنْ أَیْقَنَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالْعَطِیَّةِ؛ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَة.

ص: 44

امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس به جایگزین شدنِ مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد؛ روزی را، با صدقه فرود آورید.

تحف العقول، ص 221

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ صَدَّقَ بِالْخَلَفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس جایگزین شدنِ مال انفاق شده در راه خدا را تصدیق کند به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد.

الكافي، ج 4، ص 2

پیوست شماره 7: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات

آیات قرآن:

يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفالِ قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِين. (سوره مبارکه انفال، آیه 1)

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالك معینی ندارد] می پرسند، [که مالك آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیّتِ حقیقیِ] انفال ویژه خدا وپیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (ترجمه انصاریان)

وَ مَا أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِهِ مِنهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لا رِكابٍ وَ لكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلى مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلى كُلّ شىَ ءٍ قَدِيرٌ(سوره مبارکه حشر، آیه6)

اموال و زمین هایی را که خدا به عنوان غنیمت به پیامبرش بازگرداند، شما برای به دست آوردنش اسب و شتری نتازاندید [و در نتیجه به زحمت نیفتادید]، ولی خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط و چیره می کند، و خدا بر هر کاری تواناست.

مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَللهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِى الْقُرْبى وَ الْيَتَامى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كى لا يَكُونَ دُولَةَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ وَ مَا ءَاتَئكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ(سوره مبارکه حشر، آیه 7)

آنچه خدا از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبرانش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید زیرا خدا سخت کیفر است.روایات:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْأَنْفَالُ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِ خَيْلٍ وَ لا رِكابٍ أَوْ قَوْمٌ صَالَحُوا أَوْ قَوْمٌ أَعْطَوْا بِأَيْدِيهِمْ وَ كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَةٍ وَ بُطُونُ الْأَوْدِيَةِ فَهُوَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ لِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ.

امام صادق(علیه السلام): انفال سرزمینی است که با تاختن اسب فتح نشده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصهٔ وادی ها؛ همه برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و بعد از رسول برای امام است که در هر موضعی که بخواهد قرار می دهد.

ص: 45

مصدر اصلی: الكافي، ج 1، ص 539

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 523

وَ عَنْهُ) عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّال(عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةُ دَمٍ أَوْ قَوْمٌ صُولِحُوا وَ أَعْطَوْا بِأَيْدِيهِمْ فَمَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونِ أَوْدِيَةٍ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ وَ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ ص فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ ص وَ يَضَعُهُ حَيْثُ يُحِبُّ.

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام فرمود: انفال سرزمینی است که بدون خونریزی فتح شده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصهٔ وادی ها؛ همه برای خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است. پس هر آنچه برای خداست برای رسول است که در هر موضعی که دوست داشته باشد قرار می دهد.

مصدر اصلی: تهذيب الأحكام، ج 4، ص 149

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 527

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ هِيَ الْقُرَى الَّتِي قَدْ خَرِبَتْ وَ انْجَلَى أَهْلُهَا فَهِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ مَا كَانَ لِلْمُلُوكِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَرْضِ الْخَرِبَةِ لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ الْمَعَادِنُ مِنْهَا وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلًى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق(علیه السلام) در مورد "انفال"سوال کردم . حضرت فرمود: انفال روستاهایی که خراب شده اند و اهل آن آن را رها کرده اند؛ همه برای خدا و رسول است. و همچنین اموال پادشاهان است، برای امام است. و زمین ویرانی که با اسب دواندن و لشگرکشی فتح نشده است، و هر زمینی که صاحب ندارد، و معادنِ زمین، و هرکسی که مُرده باشد و سرپرستی نداشته باشد مالش جزو انفال است.

مصدر اصلی: تفسير القمي، ج 1، ص 254

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 532 / بحار الأنوار، ج 93، ص 213عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفالِ» قَالَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلًى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" فرمودند: هر کس بمیرد و سرپرستی نداشته باشد، اموالش جزوه انفال است.

مصدر اصلی: الكافي، ج 7، ص 169

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 26، ص 247

وَ علی بن الحسن عَنْ سِنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «الْفَيْءُ وَ الْأَنْفَالُ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةُ الدِّمَاءِ وَ قَوْمٌ صُولِحُوا وَ أَعْطَوْا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونِ أَوْدِيَةٍ فَهُوَ كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ فَهَذَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ- فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ وَ هُوَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ الرَّسُولِ...»

امام باقر(علیه السلام): «فیء و انفال آن زمین هایی هستند که بدون خونریزی فتح شده است، یا خودشان مصالحه کرده اند و با دستان خودشان آن را بخشیده اند و همچنین زمین خراب یا عرصه وادی ها همه اینها جزو فیء هستند و برای خدا و رسولش است، و هر چه برای خداوند باشد برای رسولش است هرطور بخواهد قرارش می دهد و بعد از رسول برای امام است...»

مصادر اصلی: تهذيب الاحكام،ج4، ص134 / تفسير العياشي، ج 2، ص 47

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 527

ص: 46

إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: «إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةُ دَمٍ أَوْ قَوْمٌ صُولِحُوا وَ أَعْطَوْا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونِ أَوْدِيَةٍ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفَيْءِ وَ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ يَضَعُهُ حَيْثُ يُحِبُّ.»

امام صادق(علیه السلام): «انفال آن زمینی است که بدون خونریزی فتح شده است ، یا خودشان مصالحه کرده اند و با دستان خودشان آن را بخشیده اند، و همچنین زمینی خراب، یا عرصه وادی ها همه اینها جزو فیء و انفال هستند. و انفال برای خدا و رسول است، و هر چه برای خدا باشد، برای رسول است و هرجا دوست داشته باشد قرارش می دهد.»

مصادر اصلی: تهذيب الاحكام،ج4، ص133 / تفسير العياشي، ج 2، ص 47

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 527

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ: كُلُّ قَرْيَةٍ يَهْلِكُ أَهْلُهَا أَوْ يَجْلُونَ عَنْهَا فَهِيَ نَفْلٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نِصْفُهَا يُقْسَمُ بَيْنَ النَّاسِ وَ نِصْفُهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ.محمد بن مسلم می گوید: شنیدم از امام صادق (علیه السلام در مورد "انفال" سوال شد و حضرت فرمود: هر روستایی که اهلش از بین رفته اند، یا از آن رفته اند (و دیگر بر نمی گردند)؛ اینها جزو انفال هستند که نیمی از آن برای خداست که بین مردم تقسیم می شود، و نیمی دیگر برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و هر آنچه برای رسول خداست پس برای امام است.

مصدر اصلی: تهذيب الأحكام، ج 4، ص 133

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 526

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ فِي الْمُقْنِعَةِ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: الْأَنْفَالُ هُوَ النَّفَلُ وَ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ جَدْعُ الْأَنْفِ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ. فَقَالَ: كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ شَيْءٍ كَانَ يَكُونُ لِلْمُلُوكِ وَ بُطُونُ الْأَوْدِيَةِ وَ رُءُوسُ الْجِبَالِ وَ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ؛ فَكُلُّ ذَلِكَ لِلْإِمَامِ خَالِصاً.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: انفال به معنای زیادی است و در سوره انفال قطع کردن بینی (جدع الانف) است! و از انفال از حضرت سوال کرد. فرمود: هر زمین خراب، یا هر چیزی که برای پادشاهان بوده است، و عرصه وادی ها، و قله کوه ها، و سرزمینی که بدون اس دوانی و لشگرکشی فتح شده باشد؛ تمام اینها فقط برای امام است.

مصدر اصلی: المقنعة، ص 290

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 53

* در معنای "جدع الأنف":

"جدع الأنف" بالمهملة قطعه يعني في هذه السورة قطع أنف الجاحدين لحقوقنا و إرغامهم.

جدع الانف یعنی قطع کردن بینی. و منظور از آن در این سوره و روایت آن است که: (با نازل شدن این آیه؛ بینی منکرین حقوق ما قطع گردید و به خاک مالیده شد!

الوافي)فیض کاشانی)، ج 10، ص 302

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ لَنَا: الْأَنْفَالُ. قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْفَالُ؟ قَالَ: مِنْهَا الْمَعَادِنُ وَ الْآجَامُ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ كُلُّ أَرْضٍ بَادَ أَهْلُهَا؛ فَهُوَ لَنَا.

ابوبصیر می گوید: از انفال برای ما صحبت کردند. گفتم: انفال چیست؟ حضرت فرمود: بخشی از آن: معادن، آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشانده شده است)، و هر زمینی که صاحب ندارد، و هر زمینی که اهلش آن را رها کرده اند؛ همه برای ماست.

مصدر اصلی: تفسير العياشي، ج 2، ص 48

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 9، ص 533عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ طَاعَتَنَا فِي كِتَابِهِ فَلَا يَسَعُ النَّاسَ حملنا [جَهْلُنَا] لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا قَرَائِنُ الْقُرْآنِ.

امام صادق(علیه السلام): خداوند اطاعت از ما را در کتابش واجب و فرض کرد؛ پس مردم توان حمل آن را ندارند! برگزیده اموال برای ماست! انفال برای ماست! قرینه های (فهم) قرآن برای ماست.

مصدر اصلی: تفسير العياشي، ج 2، ص 47

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 93، ص 210

عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ بَادَ أَهْلُهَا فَذَلِكَ الْأَنْفَالُ فَهُوَ لَنَا.

امام کاظم (علیه السلام): زمینی که اهلش آن را رها کرده اند؛ جزو انفال است و برای ماست!

مصدر اصلی: تفسير العياشي، ج 2، ص 47

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 93، ص 210

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ مَاتَ لَا مَوْلَى لَهُ وَ لَا وَرَثَةَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفالِ قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ.

امام صادق(علیه السلام): هر کس بمیرد در حالی که سرپرست و ورثه ای ندارد؛ پس او از اهل این آیه است: يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفالِ قُلِ الْأَنْفالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ.

مصادر اصلی: تهذيب الأحكام، ج 9، ص 387 / الإستبصار، ج 4، ص 195 / تفسير العياشي، ج 2، ص 48

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 26، ص 249 / بحار الأنوار، ج 93، ص 210

فِي رِوَايَةِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: هِيَ الْقَرْيَةُ الَّتِي قَدْ جَلَا أَهْلُهَا وَ هَلَكُوا فَخَرِبَتْ فَقَالَ هِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ.

در روایت ابن سنان آمده است: انفال، آن روستایی است که اهلش آن را رها کرده اند و از بین رفته اند، در نتیجه خراب

شده است. پس حضرت فرمود: آن برای خدا و رسول است.

مصدر اصلی: تفسير العياشي، ج 2، ص 48

منابع دیگر:وسائل الشيعة، ج 9، ص 533

کلام خمینی(ره) در مورد گستره بسیار عظیم انفال:

« القول في الأنفال: و هي ما يستحقه الامام عليه السلام على جهة الخصوص لمنصب إمامته كما كان النبي صلّى الله عليه و آله لرئاسته الإلهية، و هي أمور:

منها- كل ما لم يوجف عليها بخيل و ركاب أرضا كانت أو غيرها انجلى عنها أهلها أو سلّموها للمسلمين طوعا. و منها- الأرض الموات التي لا ينتفع بها إلا بتعميرها و إصلاحها لاستيجامها أو لانقطاع الماء عنها أو لاستيلائه عليها أو لغير ذلك، سواء لم يجر عليها ملك لأحد كالمفاوز أو جرى و لكن قد باد و لم يعرف الآن. و يلحق بها القرى التي قد جلا أهلها فخربت كبابل و الكوفة و نحوهما، فهي من الأنفال بأرضها و آثارها كالأحجار و نحوها، و الموات الواقعة في الأرض المفتوحة عنوة غيرها على الأقوى، نعم ما علم أنها كانت معمورة حال الفتح فعرض لها الموتان بعد ذلك ففي كونها منالأنفال أو باقية على ملك المسلمين كالمعمورة فعلا تردد و إشكال لا يخلو ثانيهما من رجحان. و منها- أسياف البحار و شطوط الأنهار، بل

كل أرض لا رب لها على إشكال في إطلاقه و إن لا يخلو من قرب و إن لم تكن مواتا بل كانت قابلة للانتفاع بها من غير كلفة كالجزائر التي تخرج في دجلة و الفرات و نحوهما. و منها- رءوس الجبال و ما يكون بها من النبات و الأشجار و الأحجار و نحوها، و بطون الأودية، و الآجام، و هي الأراضي الملتفة بالقصب و الأشجار من غير فرق في هذه الثلاثة بين ما كان في أرض الإمام عليه السلام أو المفتوحة عنوة أو غيرهما، نعم ما كان ملكا لشخص ثم صار أجمة مثلا فهو باق على ما كان. و منها- ما كان للملوك من قطائع و صفايا. و منها- صفو الغنيمة كفرس جواد، و ثوب مرتفع، و سيف قاطع و درع فاخر، و نحو ذلك. و منها- الغنائم التي ليست بإذن الإمام عليه السلام. و منها- إرث من لا وارث له. و منها- المعادن التي لم تكن لمالك خاص تبعا للأرض أو بالإحياء.

مسألة: الظاهر إباحة جميع الأنفال للشيعة في زمن الغيبة على وجه يجري عليها حكم الملك من غير فرق بين الغني منهم و الفقير إلا في إرث من لا وارث له، فإن الأحوط لو لم يكن الأقوى اعتبار الفقر فيه، بل الأحوط تقسيمه على فقراء بلده، و الأقوى إيصاله إلى الحاكم الشرعي. كما أن الأقوى حصول الملك لغير الشيعي أيضا بحيازة ما في الأنفال من العشب و الحشيش و الحطب و غيرها، بل و حصول الملك لهم أيضا للموات بسبب الاحياء كالشيعي.»

تحرير الوسيلة، ج 1، ص 368

ترجمه: « گفتاری در مورد انفال: انفال چیزهایی است که امام (علیهم السّلام) به خصوص به خاطر منصب امامتش، مستحق آن می باشد همانطور که بدلیل ریاست الهی (و امامتی) که پیغمبر (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) داشت، انفال متعلّق به او بود. و انفال چند چیز است: از آن جمله است- هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است (و از طریق جنگ با کفّار بدست مسلمانان نیفتاده است) زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند و یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم نموده باشند. و از آن جمله است: «زمین مواتی» که مورد استفاده نیست مگر این که آباد و اصلاح شود یا برای آن که نیزار است یا برای اینکه آب از آن قطع شده است یا برای اینکه آب آن را فرا گرفته و یا برای غیر اینها، چه ملك دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی آب و علف سوزان، یا ملك کسی بوده و لیکن مالك آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. و قریه ها و شهرهایی که اهل آنها کوچ کرده خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند اینها به زمین موات ملحق می شود، پس این شهرها زمین و آثار آن مانند سنگها و مثل آنها از انفال می باشد، و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوة)با جنگ و غلبه فتح شده) واقع شده بنابر اقوی مانند غیر آن (جزء انفال) است. ولی اگر معلوم باشد که در حال فتح مسلمین، آباد بوده و بعد ازآن حالت موات بر آن عارض شده است پس در این که از انفال است یا بر ملك مسلمین باقی می باشد مانند زمینی که فعلا آباد است تردید و اشکال است که دومی آنها خالی از رجحان نیست. و از آن جمله است- کناره های دریاها و نهرها، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد- البته اطلاق آن اشکال دارد- اگر چه خالی از قرب نمی باشد، و اگر چه موات نباشد بلکه بدون زحمت و تکلّف قابل استفاده باشد، مانند جزائری که در دجله و فرات و مانند آنها بیرون می آید. و از آن جمله است: سر کوهها و آنچه که از گیاه و درختها و سنگها و مانند آنها در آنها می باشد، و عرصهٔ وادی ها و «آجام» و آن زمینهایی است که به نی و درختان پوشانده شده است. و در این سه، بین آن که در زمین امام (علیهم السّلام) باشد یا در مفتوح عنوة یا در غیر اینها باشد فرقی نمی کند؛ البته آنچه که ملك شخصی باشد سپس مثلا نیزار شود بر آنچه که بوده است باقی می ماند (و ملك صاحبش می باشد). و از آن جمله است: آنچه از مختصات شاهان بوده است از اموال غیر منقول و منقول. و از آن جمله است: غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران قیمت و شمشیر برنده، و زره فاخر، و مانند اینها. و از آن جمله است: غنیمت هایی که (جنگ در آن) با اذن امام (علیهم السّلام) نباشد. و از آن جمله است: ارث کسی که وارثی نداشته باشد. و از آن جمله است- معدن هایی که به تبع زمین یا بواسطهٔ احیای آن، ملك مالك خاصّی نباشد.

مسأله: ظاهر آن است که همهٔ انفال در زمان غیبت (حضـرت مهدی سـلام اللّه علیه) برای عموم شیعه مباح می باشد، بصورتی که حکم ملك بر آن جریان دارد بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد، مگر در مورد ارث کسی که وارثی ندارد. زیرا احتیاط- اگر اقوی نباشد- آن است که فقیر بودن در آن معتبر است، بلکه احتیاط آن است که بین فقرای شـهر میّت تقسـیم شود، و اقوی آن است که باید به حاکم شرع رسانده شود، کما این که اقوی آن است که اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر اینها حیازت کنـد، مالك آن می شود، بلکه اگر زمین موات را هم احیاء کنند مانند شـیعه ملکیت برایشان حاصل می شود.»

ترجمه تحریر الوسیلة، ج 2، ص 109

مرحوم شیخ حُرّ عاملی(ره):

أَنَّ الْأَنْفَالَ كُلُّ مَا يَصْطَفِيهِ مِنَ الْغَنِيمَةِ وَ كُلُّ أَرْضٍ مُلِكَتْ بِغَيْرِ قِتَالٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ مَوَاتٍ وَ رُءُوسُ الْجِبَالِ وَ بُطُونُ الْأَوْدِيَةِ وَ الْآجَامُ وَ صَفَايَا الْمُلُوكِ وَ قَطَائِعُهُمْ غَيْرُ الْمَغْصُوبَةِ وَ مِيرَاثُ مَنْ لَا وَارِثَ لَهُ وَ مَا غَنِمَهُ الْمُقَاتِلُونَ بِغَيْرِ إِذْنِه.

در عنوان باب اول از ابواب انفال: انفال هر آن چیزی است که از غنیمت به دست می آیـد، و هر زمینی که بـدون جنگ فتـح شده است، و هر زمین موات، و قله کوه هـا، و عرصه وادی ها، و آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشـیده شـده است)، و اموال منقول و غیرمنقول پادشاهان به شـرط عـدم غصبی بودن، میراث کسی که وارث ندارد، آنچه جنگجویان مسلمین بدون اذن امام به غنیمت برده اند.

وسائل الشیعة، ج 9، ص 523

پیوست شماره 8: آیات و روایات عدم جواز سلطه بر مال دیگران

آیات قرآن:

وَ لٰا تَأْكُلُوا أَمْوٰالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبٰاطِلِ وَ تُدْلُوا بِهٰا إِلَى الْحُكّٰامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوٰالِ النّٰاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ)سوره مبارکه بقره، آیه 188)

و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق مخورید. و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را [با تکیه بر حکم ظالمانه آنان] به گناه و معصیت بخورید، در حالی که [زشتیِ کارتان را] می دانید.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لٰا تَأْكُلُوا أَمْوٰالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبٰاطِلِ إِلّٰا أَنْ تَكُونَ تِجٰارَةً عَنْ تَرٰاضٍ مِنْكُمْ وَ لٰا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللهَ كٰانَ بِكُمْ رَحِيماً (سوره مبارکه نساء، آیه29)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشـروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید زیرا خدا همواره به شما مهربان است.

روایات:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ عَنْ مَالِهِ. فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ شَهِيدٍ. فَقُلْنَا لَهُ: أَ فَيُقَاتِلُ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: إِنْ لَمْ تُقَاتِلْ فَلَا بَأْسَ أَمَّا أَنَا فَلَوْ كُنْتُ لَتَرَكْتُهُ وَ لَمْ أُقَاتِلْ.

ص: 50

از امام باقر (علیه السلام) در مورد مردی که بخاطر مالش جنگ می کند. حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: هر کس بخاطر مالش کشته شود به منزله شهید است. پس به حضرت گفتیم: آیا جنگ کند بهتر است؟ فرمود: اگر جنگ نکند اشکالی ندارد و اگر من جای او بودم مال خود را رها می کردم و (بخاطر مال) نمی جنگیدم.

مصادر اصلی: الکافی، ج 7، ص 296 / تهذیب الأحکام، ج 6، ص 167

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج 28، ص 383

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس بخاطر مالش کشته شود شهید است.

مصادر اصلی: من لایحضره الفقیه، ج 4، ص380 / الخصال، ج 2، ص607 / عیون أخبارالرضا علیه السلام، ج 2، ص124 / دعائم الإسلام، ج 2، ص 478

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 29، ص 407

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ قَالَ لَوْ كُنْتُ أَنَا لَتَرَكْتُ الْمَالَ وَ لَمْ أُقَاتِلْ.امام باقر و صادق (علیهماالسلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس بخاطر مالش کشته شود شهید است. و فرمودند: اگر من جای او می بودم قطعاً مالم را رها می کردم و با کسی (بخاطر مالم) جنگ نمی کردم.

من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 95

وَ رَوَى أَنَسٌ عَنْ النبی ص قَالَ: لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا عَنْ طِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): (تصربف) در مال مسلمان حلال نیست مگر از طیب خاطر از او.

مصادر اصلی: عوالي اللئالي، ج 3، ص 473 / فقه القرآن)قطب راوندی)، ج 2، ص 74

قَالَ النَّبِيُّ ص: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَحِلُّ مَالُهُ إِلَّا عَنْ طِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسلمان برادر مسلمان است، (تصرف در) مال مسلمان حلال نیست مگر با طیب خاطر او.

عوالي اللئالي، ج 3، ص 473

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تُحَفِ الْعُقُولِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا عَنْ طِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه شان فرمودند: ای مردم! همانا مومنین برادر یکدیگرند و مال مومنی برای مومن دیگر حلال نیست مگر از طیب خاطر او.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص 34

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج 5، ص 120 / بحار الأنوار، ج 80، ص 283

عن النبی صَلّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آله: حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ کَحُرْمَةِ دَمِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست.

مصادر اصلی: تنبیه الخواطر، ج 1، ص11 /عوالي اللئالي، ج 3، ص473 / فقه القرآن)قطب راوندی)، ج 2، ص74 / شهاب الأخبار(قضاعی)، ص64

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج 29، ص 407 / نهج الفصاحة، ص 440

وَ قَالَ النبی ص: مَالُ الْمُسْلِمِ وَ دَمُهُ حَرَامٌ.

ص: 51

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مال و خون مسلمان حرام است.

عوالي اللئالي، ج 3، ص 473

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ مَالَ أَخِيهِ ظُلْماً وَ لَمْ يَرُدَّهُ إِلَيْهِ أَكَلَ جَذْوَةً مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.امام صادق)علیه السلام(: هر که بخشی از دارایی برادر ایمانی اش را ستمکارانه بخورد و آن را به او باز نگرداند در روز رستاخیز پاره ای از آتش را خواهد خورد.

مصادر اصلی: الكافي، ج 2، ص 333 / ثواب الأعمال، ص 273

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 16، ص 53 / بحار الأنوار، ج 72، ص 313

پیوست شماره 9: روایات و فتوای فقهاء در مورد لزوم عدم تقویت کفر در تجارت بین الملل

روایاتی که در باب مذمت و نهی از معامله با کفار و هر کاری که باعث تقویت کفر شود در منابع روایی ما بسیار زیاد است. که ما به چند روایت در این زمینه اشاره می کنیم:

روایت تحف العقول: عن الصادق (علیه السلام): «... وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهِيٍّ عَنْهُ مِمَّا يُتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَ الشِّرْكُ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ بَابٌ مِنَ الْآبْوَابِ يَقْوَى بِهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٌ يُوهَنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ حَرَامٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ مِلْكُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ إِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةُ فِيهِ إِلَى ذَلِكَ.»

«... و [از جمله معاملات حرام:] همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرك گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی عفتی و غیره) یا حقی را تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالك شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.» (ترجمه جنتی، ص535)

مصدر اصلی: تحف العقول، ص 333

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 17، ص 84 / بحار الأنوار، ج 100، ص 46

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ- فَقَالَ لِي: « يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَ لَا مَدَّةَ قَلَمٍ؛ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئاً إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ.» الْوَهْمُ مِنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ.»

ابوبصیر می گوید: «از امام باقر علیه السلام درباره کارهای آنان [همکاری با کفار و ظالمین] سؤال کردم. امام علیه السلام به من فرمود: ای ابومحمد! نه و حتی به اندازه آغشته کردن قلمی به مرکب [با آنان همکاری نکن] هیچ کس به چیزی از دنیای آنان نمی رسد مگر آن که (یا تا آن که) آنان به همان اندازه از دینش را بربایند.»

تردید در حدیث از جانب ابن عمیر، یکی از راویان آن است.

مصادر اصلی: الكافي، ج 5، ص 107 / تهذيب الأحكام، ج 6، ص 331

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 17، ص 179 / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج 22، ص 546

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: « لَا تُعِنْهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ.»

امام صادق(علیه السلام) به یونس بن یعقوب فرمود: «کفار (و ظالمین) را بر ساخت مسجد هم یاری مکن!»

مصدر اصلی: تهذیب الاحکام، ج6، ص338

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج 17، ص 180

حدثنی مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص:« إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظَّلَمَةِ وَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاةً أَوْ رَبَطَ كِيساً أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.»

« امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجایند یاری دهندگان به ستمکاران؟! و کسانی که برای آنان دواتی لیقه کردند، یا درِ کیسه ای برایشان بستند، یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟! [آن گاه خطاب می رسد:] آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید.»

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص 260 / جامع الأخبار(للشعيري)، ص 155 / أعلام الدين(ديلمی)، ص 408

منابع دیگر: وسائل الشيعة؛ ج 17، ص 180 / بحار الأنوار، ج 72، ص 372

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ (الكشی) فِي كِتَابِ الرِّجَالِ: عَنْ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ كُلُّ شَيْ ءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَمِيلٌ مَا خَلَا شَيْئاً وَاحِداً. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْ ءٍ؟ قَالَ: إِكْرَاؤُكَ جِمَالَكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ يَعْنِي هَارُونَ. قُلْتُ :وَ اللَّهِ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشَراً وَ لَا بَطَراً وَ لَا لِلصَّيْدِ وَ لَا لِلَّهْوِ وَ لَكِنِّي أَكْرَيْتُهُ لِهَذَا الطَّرِيقِ يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ وَ لَا أَتَوَلَّاهُ بِنَفْسِي وَ لَكِنِّي أَبْعَثُ مَعَهُ غِلْمَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ أَ يَقَعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: أَ تُحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ؟ قُلْتُ؟ نَعَمْ. قَالَ: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارَ! قَالَ صَفْوَانُ: فَذَهَبْتُ فَبِعْتُ جِمَالِي عَنْ آخِرِهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ إِلَى هَارُونَ فَدَعَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ بَلَغَنِي أَنَّكَ بِعْتَ جِمَالَكَ. قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: وَ لِمَ؟ قُلْتُ: أَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ وَ إِنَّ الْغِلْمَانَ لَا يَفُونَ بِالْأَعْمَالِ. فَقَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَنْ أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا، أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ. قُلْتُ: مَا لِي وَ لِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ: دَعْ هَذَا عَنْكَ فَوَ اللَّهِ لَوْ لَا حُسْنُ صُحْبَتِكَ لَقَتَلْتُكَ.

امام کاظم «ع»- صفوان جمّال می گوید: بر ابو الحسن اول «ع» (حضرت امام موسی بن جعفر «ع») داخل شدم، به من فرمود: «ای صفوان! همه چیز تو نیکو و زیبنده است مگر یك چیز». گفتم: فدایت شوم، آن کدام چیز است؟ فرمود: «کرایه دادن شترانت به این مرد»- یعنی هارون- گفتم: از روی سرخوشی و نعمت زدگی، یا برای شکار و کار لهو به او کرایه ندادم، بلکه برای این راه، یعنی راه مکه، چنین کردم، نیز خود شخصا این کار را انجام نمی دهم بلکه کارکنانم را با او می فرستم. پس فرمود: «ای صفوان! آیا کرایه آنها به عهده آنان نیست؟» گفتم: چرا، فدایت شوم! فرمود: «آیا باقی ماندن ایشان را تا زمان گرفتن کرایه ات دوست می داری؟»، گفتم: آری. فرمود: «هر کس بقای ایشان (ظالمان) را دوست داشته باشد، از ایشان است، و هر کس از ایشان باشد، اهل دوزخ است ...».رجال الكشي، ص 441

برای مطالعه بیشتر روایات در این زمینه می توانید: به باب 1 و باب 42، 43، 44، 45 از أبواب ما یکتسب به از کتاب التجارة کتاب وسایل الشیعه نیز مراجعه فرمایید.

کلام فقهاء در این باره:

و آنچه فقهاء بزرگوار در مورد معامله با کفار می فرمایند آن است که: هر معامله و یا هر کار دیگری(غیر از معامله) که باعث تقویت کفریا کفار و باطل شود حرام است؛ و این یکی از قواعد قطعی استنباط فقهی در نزد شیعه می باشد که در جای جای فروعات فقهی مختلف به کار رفته است:

از باب نمونه:

مرحوم علامه حلی(ره) در منتهی چنین می فرماید:

« یحرم حفظ کتب الضلال، و نسخها لغیر النقض أو الحجّة علیهم بلا خلاف. و کذا یحرم نسخ التوراة و الإنجیل و تعلیمهما، و أخذ الأجرة علی ذلك کلّه؛ لأنّ في ذلك مساعدة علی الحقّ و تقویة للباطل، و لا خلاف فیه.»

« حفظ و نسخه برداری از کتب ضاله حرام است؛ بدون خلاف. و همینطور نسخه برداری از تورات و انجیل و تعلیم و آموزش دادن آنها حرام است. و گرفتن اجرت بر همه اینها حرام است؛ چون که در تمام اینها کمک کردن بر علیه حق و تقویت باطل است. و هیچ خلافی در این نیست.»

منتهی المطلب(علامه حلی)، ج 15، ص 383

عالم بزرگ شیعه مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه) در این باره می فرماید:

« أنّ من القواعد حرمة تقویة الکفر یدلّ علیها العقل و النقل فإن المستفاد من خبر تحف العقول حرمة ذلك [حرمه بیع السلاح من اعداء الدین] مطلقا لقوله ع أو یقوی به الکفر و الشّرك.»

«یکی از قواعد [که در استنباط به کار برده می شود] حرام بودن تقویت کفر است که هم عقل و هم نقل بر آن دلالت می کند. آن چه از خبر تحف العقول [که در متن فوق ذکر شد] استفاده می شود آن است که فروش سلاح به دشمنان دین مطلقا حرام است؛ بخاطر قول امام (علیه السلام) [در روایت تحف العقول که فرمود: از معاملات حرام آن معاملاتی است که به وسیله آن] کفر و شرک تقویت شود.»

حاشیة المکاسب (للیزدي)، ج 1، ص 12

مرحوم عبدالاعلی سبزواری (ره) نیز در این باره:

« یحرم کل ما یوجب تقویة الباطل علی الحق بأي نحو کان، و لو ببیع معدات الحرب منهم؛ للأدلة الأربعة: فمن الکتاب: ما دل علی حرمة الإعانة علی الإثم کقوله تعالی وَ تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوىٰ، وَ لٰا تَعاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوٰانِ و أي إثم أشد من هذا؟! و من الإجماع: إجماع المسلمین بل العقلاء علی أصل الکبری إلا أن مصداق الحق و الباطل یختلف لدیهم، لأن کلا یری مذهبه حقا و ما یخالفه باطلا. و من السنة القولیة: أخبار لا تحصی في موارد شتی: منها: ما تقدم. و منها: قول أبي عبد اللّه علیه السّلام في روایة أبي حمزة: «لو لا أن بني أمیة وجدوا لهم من یکتب و یجبي لهم الفيء و یقاتل عنهم و یشهد جماعتهم لما سلبونا حقنا»[1]. و منها: قول أبي عبد اللّه علیه السّلام: «و کل منهي عنه مما یتقرب به لغیر اللّه تعالی أو یقوی به الکفر و الشرك منجمیع وجوه المعاصي، أو باب یوهن به الحق فهو حرام محرم بیعه و شراؤه و إمساکه و ملکه و هبته و عاریته و جمیع التقلب فیه[2]. و من السنة العملیة: بناء جمیع الشرائع الإلهیة خصوصا الشریعة الختمیة المقدسة علی المدافعة مع الباطل بأي وجه أمکن. و هی [ای: تقویه الباطل] تختلف باختلاف الاعصار و الأمصار، بلا فرق فیه بین حال قیام الحرب و الهدنة إذا کان الاشتراء و الجمع للتهیئة و العدة. و لا یعتبر في حرمة البیع القصد إلی الإعانة و التقویة، بل المناط الصدق العرفي.»

«هر چیزی که موجب تقویت باطـل بر حق شود حرام است؛ به هر صورتی که باشـد، ولو بـا فروش معـدّات جنگ به آنها باشـد. دلیل این مطلب ادله اربعه است: اما دلیل از کتاب (قرآن): آنچه که دلالت بر حرام بودن کمک کردن بر گناه می کند: مثل قول خداوند متعال: وَ تَعٰاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوىٰ، وَ لٰا تَعٰاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوٰانِ (سوره مبارکه مایده، آیه 3) و چه گناهی بزرگتر از تقویت باطل؟! . اما دلیل از اجماع: اجماع تمام مسـلمین بلکه تمام عقلاء بر اصـل کبری (حرام بودن تقویت باطل) است. الا اینکه در مصـداق حق و باطل بین عقلاء و مسـلمین اختلاف است، چون تمام آنها مذهب خود را حق و مخالف خود را باطـل می دانـد! و دلیل از سـنت قولی (روایات): اخبار و روایاتی است که قابل احصاء نیست در موارد مختلف: یکی از آنها: کلام امام صادق(علیه السـلام) در روایت ابی حمزه: «اگر بنی امیه کسانی را نمیافتند که برای آنها کتابت کند و فیء را برای آنها جمع آوری کند و برای آنها جنگ کند و در جمات آنها حضور داشـته باشد؛ همانا حق ما اهلبیت(ع) گرفته نمی شد!» و روایتی دیگر: کلام امام صادق(ع): «... و [از جمله معاملات حرام:] همچنین معامله هر چیزی که مـایه سـرگرمی باشـد (چون آلات موسـیقی) یا موجب تقرب به غیر خـدا (از دسـتگاه های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شـرك گردد (مانند فروش سـلاح و غیره به دشـمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی عفتی و غیره) یا حقی را تضـعیف نماید (و باعث سـستی عقاید مردم شود، از قبیل نشـر کتب و نوشته های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالك شدن، عاریه دادن و کلیه تصـرفاتش حرام است.» و اما سنت عملی: بناء تمام شرایع الهی خصوصا شریعت حضرت ختمی مرتبت بر دفاع کردن در مقابل باطل به هر نحوی که امکان دارد.

و تقویت باطل با اختلاف اعصار و شـهرها مختلف می شود، بـدون فرق بین حال جنگ یا صـلح. و در حرام بودن خرید و فروش[ی که باعث تقویت باطل می شود] قصد کمک و تقویت باطل شـرط نیست؛ بلکه صدق عرفی شـرط است [یعنی: چه بسا قصد تقویت نداشـته باشد ولی -بخاطر اینکه عرفاً تقویت باطل محسوب می شود- حرام باشد.]»

مهذب الأحكام (عبدالاعلى سبزواري)، ج 16، ص 71

مرحوم آیت الله شیخ محمدجواد تبریزی(ره) نیز می فرماید:

« إذا انطبق عنوان تقوية الكفر و تضـعيف الحق و أهل الايمان أو ثبوت السبيل للكافر على المسلم على بيع العبد المسلم منه و الوفاء بها فالظاهر عدم صحة تلك المعاملة.»

هر گاه عنوان تقویت کفر و تضـعیف حق و اهل ایمان یا ثابت شـدن راه کفار بر مسـلمان، بر خریـد بنـده مسـلمان از کافر و وفاء به آن صدق کند؛ ظاهر آن است که این معامله صحیح نیست.

إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، ج 3، ص 168

و همچنین در شـرح کتاب شـرح لمعه می خوانیم:« و في خبر تحف العقول جعل مناط الحكم تقوية الكفر أو الشرك أو توهين الحق حيث قال: (أو يقوى به الكفر و الشـرك من جميع وجوه المعاصـي، أو بـاب يوهن به الحق فهو حرام) إلى آخره، و هي ظـاهرة في حرمـة بيع كل ما يوجب غلبتهم علينا و تقويتهم و توهين الحق.»

« در خبر تحف العقول تقویت کفر یا شـرک یا وهن و سستی حق را مناط [و قاعده] حکمِ [حرمت] قرار داده است؛ آنجا که فرموده: ([از معاملات حرام هر معامله ای است که به وسـیله آن] کفر و شـرک تقویت شود، یا حق به وسـیله آن سـست شود ... تا آخر روایت). و این روایت ظاهر در حرام بودن خریـد و فروش هر چیزی است که باعث غلبه کفار بر ما و تقویت آنها و باعث وهن و سستی حق گردد.»

الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، ج 4، ص 289

در قسمت اصلی گزارش این نشست میخواهم چهار محور را بحث کنم. فهم بنده این است که اگر کسی به این چهار محور توجه کند مساله "پول" در "اسلام" برای او حل میشود. یعنی جایگاه مساله پول و تاثیر آن بر مساله تنظیم روابط انسانی جا خواهد افتاد بله؛ یک وقتی شما به دنبال این هستید که اثر پول را بر ایجاد ارزش افزوده" بحث کنید یا مثلا میگویید که من مساله پول و سیاستهای پولی و مالی را طوری تنظیم میکنم که هدایت نقدینگی" به بخش تولید اتفاق بیفتد یا تامین پروژههای مهم اتفاق بیفتد خب این یک بحث دیگری است و شما مساله پول را محدود کرده اید به بخش اقتصاد ما اگر بخواهیم تاثیر مساله پول را در تنظیم روابط انسانی ببینیم باید یک مقدمات و گفتگوهای دیگری را بحث کنیم.

عکس

ص: 57

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چنـد سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصـیص سـهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود. براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹